





مرکز تدوین آثار رهبر شهید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گفت‌وگوی رهبر

(مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی)

جلد سوّم

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: گفت‌وگوی رهبر، ج ۳؛
عنوان فرعی: مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی؛
پدیدآورنده: استاد شهید برهان‌الدین ربّانی؛
گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تحمشه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
طراح جلد: عصمت‌الله احراری؛
برگ‌آرایی: خیرالله خیرخواه؛
سال چاپ: ۱۴۰۲ خورشیدی؛
نوبت چاپ: نخست؛
محل چاپ: کابل - افغانستان؛
شناسه افزوده: مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای: سیاسی، دینی و اجتماعی...؛
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛
شمار برگه‌ها: ۲۳۳؛
قطع: رقعی؛
بها: ۲۰۰ افغانی؛
چاپ‌خانه: بهیر؛
نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛
sh.rabbani1390@gmail.com نشانی برقی؛
حق چاپ و نشر برای مرکز تدوین محفوظ است.



فہرست

۱۱.....	درآمد.....
۱۵.....	گفت وگوی سی وچہارم پس از پایان مذاکرات طایف.....
۲۱.....	گفت وگوی سی وپنجم بانمایندہ تلویزیون استرالیا.....
۲۷.....	گفت وگوی سی وششم با خبرنگار بی بی سی.....
۳۳.....	گفت وگوی سی وہفتم با خبرنگار جریدہ فتح.....
۴۵.....	گفت وگوی سی وہشتم بامجلہ المجتمع.....
۵۹.....	گفت وگوی سی ونہم باتیم مطبوعاتی نمایندگی جمعیت اسلامی.....
۷۷.....	گفت وگوی چہلم باعدہ ای از خبرنگاران پاکستانی و کشمیری.....
۸۱.....	گفت وگوی چہل ویکم با خبرنگاران داخلی وخارجی.....
۸۵.....	گفت وگوی چہل ودوم بامجلہ راہ حسین.....
۱۰۵.....	گفت وگوی چہل وسوم بانامہ نگار المستقبل.....
۱۱۹.....	گفت وگوی چہل وچہارم بانمایندہ جریدہ اتحاد.....
۱۲۵.....	گفت وگوی چہل وپنجم با محمد عبدالرحمن البکر.....
۱۳۱.....	گفت وگوی چہل وششم با خبرنگار جریدہ المدینہ.....
۱۴۵.....	گفت وگوی چہل وہفتم با خبرنگار جریدہ الہدف.....
۱۵۵.....	گفت وگوی چہل وہشتم بانامہ نگار نشریہ انترنشنل امپکت.....
۱۶۹.....	گفت وگوی چہل ونہم با خبرنگار جریدہ السیاسہ.....

- گفت و گوی پنجاهم با خبرنگار روزنامه الفجر..... ۱۷۷
- گفت و گوی پنجاه و یکم با نماینده جریده الرياض..... ۱۸۵
- گفت و گوی پنجاه و دوم با خبرنگار روزنامه المدينه..... ۱۹۵
- نمایه..... ۲۰۳
- رویکردها..... ۲۲۵

به نام خالق هستی

درآمد

افغانستان کشوری در قلب قاره آسیاست، کشوری که تاریخ آن با رشادت و پایداری مردان بزرگ گره خورده و در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و.. مردان بلندقامتی را پرورانده و به جامعه انسانی پیشکش کرده است که از این میان مردی با محاسن سپید و چهره آرام و نورانی، شخصیت فاضل و فرزانه، انسان حلیم و علیم، مجاهد پیکارگر و مبارز و شهید نامدار تاریخ معاصر افغانستان، شهید استاد برهان‌الدین ربّانی است که در بحبوحه‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی در افغانستان قامت برافراشت و تاریخ را گونه دیگری رقم زد که پژوهشگران و تاریخ‌نگاران به گوشه‌هایی از این مردانگی‌ها پرداخته‌اند و این عَظَمَت و جاودانگی را ثبت و ضبط اوراق تاریخ کرده‌اند.

پروفسور برهان‌الدین ربّانی، نام آشنا در حوزه سیاست و دیانت در افغانستان است که بیشتر از نیم قرن برای اهداف و آرمان‌هایی که داشت، قدم زد و قلم و هزار جدوجهد بکشد که باورهایش را به پیروزی برساند و برای تحقق آرمان و رسالتی که عنوان کرده بود، برنامه ریخت و محور ایجاد کرد و مجموعه... و در این راه با دشمنان پیدا و پنهانی مواجه شد که این دشمنی‌ها و قساوت آنان، هرگز پای اراده و باورهای او را متزلزل و سست نساخت؛ بلکه بیشتر از پیش عزمش را جزم کرد و با گام‌های استوار و متین و با قلب سرشار از ایمان به خدا و امید به پیروزی به پیش تاخت.

برگ‌هایی که اکنون پیش چشمان شما عزیزان قرار دارد، پاسخ‌هایی است به پرسش‌هایی که در همین مسیر خلق شده‌اند. گفتنی است که ما پیش از این جلد نخست و دوم این گفت‌وگوها را - که حاوی «۳۳» مصاحبه بود - به نشر سپردیم و اینک بحمدالله و توفیقه به ادامه آن گفت‌وگوها، جلد سوم «گفت‌وگوی رهبر» را که شامل ۱۹ گفت‌وگو می‌باشد، خدمت خوانندگان ریزبین و مخلص و دوست‌داران خط فکری استاد شهید، تقدیم می‌داریم.

کتاب «گفت‌وگوی رهبر، ج ۳» عبارت از مجموعه، از مصاحبه‌های استاد شهید، با رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری داخلی و خارجی است که در سال‌های مختلفی صورت گرفته و بخشی از این مصاحبه‌ها در جراید و نشریات مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان نشر شده‌اند و تعدادی هم به صورت رساله‌ای تحت عنوان «ده مصاحبه با ده ژورنالیست» از سوی کمیته فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان در سال‌های جهاد نشر شده بود که اینک ما آن گفت‌وگوها را پس از ترتیب و تصحیح و تحشیه و ویرایش، به صورت کتاب تازه‌ای در خدمت خوانندگان قرار می‌دهیم، امید که از کاستی‌های کار ما - که لازمه کار بشری است - درگذرید و ما را به آن راه‌نمایید تا در چاپ‌های بعدی به اصلاح آن پردازیم.

گفتنی است که این گفت‌وگوها عبارت‌اند از:

- ۱- گفت‌وگوی سی و چهارم پس از پایان مذاکرات طایف؛
- ۲- گفت‌وگوی سی و پنجم با نماینده تلویزیون استرالیا؛
- ۳- گفت‌وگوی سی و ششم با خبرنگار بی‌بی‌سی؛
- ۴- گفت‌وگوی سی و هفتم با خبرنگار جریده فتح؛
- ۵- گفت‌وگوی سی و هشتم با مجله المجتمع کویتی؛
- ۶- گفت‌وگوی سی و نهم با تیم مطبوعاتی نمایندگی جمعیت اسلامی افغانستان در آلمان؛

۷- گفت‌وگوی چهلم با عده‌ای از خبرنگاران پاکستانی و کشمیری؛

۸- گفت‌وگوی چهل و یکم با خبرنگاران داخلی و خارجی؛

- ۹- گفت‌وگوی چهل و دوم با مجله راه حسین؛
- ۱۰- گفت‌وگوی چهل و سوم با نامه‌نگار المستقبل؛
- ۱۱- گفت‌وگوی چهل و چهارم با نماینده جریده اتحاد؛
- ۱۲- گفت‌وگوی چهل و پنجم با محمّد عبدالرحمن البکر وزیر عدلیه امور اسلامی ابوظبی؛
- ۱۳- گفت‌وگوی چهل و ششم با خبرنگار جریده المدینه؛
- ۱۴- گفت‌وگوی چهل و هفتم با خبرنگار جریده الهدف؛
- ۱۵- گفت‌وگوی چهل و هشتم با نامه‌نگار نشریه انترنشنل امپکت؛
- ۱۶- گفت‌وگوی چهل و نهم با خبرنگار جریده السیاسة؛
- ۱۷- گفت‌وگوی پنجاهم با خبرنگار روزنامه الفجر؛
- ۱۸- گفت‌وگوی پنجاه و یکم با نماینده جریده الرياض؛
- ۱۹- گفت‌وگوی پنجاه و دوم با خبرنگار روزنامه المدینه.

دو نکته قابل تذکر:

نکته اول اینکه به دلیل در اختیارنداشتن همه گفت‌وگوهای رهبر شهید، ما نتوانستیم ترتیب تاریخ را رعایت بکنیم و امیدمندیم، روزی فرا برسد که همه مصاحبه‌های استاد شهید فراهم شود تا دوباره این «گفت‌وگوها»، به اساس ترتیب تاریخ، تدوین گردند؛

و اما نکته دومی که می‌خواهیم در اینجا آن را با خط درشت تسجیل بکنیم اینکه، این گفت‌وگوها -که اکثراً سیاسی‌اند- در تناسب با وضعیت همان روزگار و در فضای سیاسی و منافع مردم، جهاد و مقاومت ملت باشراف افغانستان، صورت گرفته و نگاشته شده است؛ از این رو، نباید در حین خوانش این گفت‌وگوها، زمان بیان این گفت‌وگوها فراموش شود.

کارما:

کار ما در این اثر چنین بوده:

در گام نخست، سخنان رهبر شهید را حروف‌نگاری کردیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح زدیم و از آن بعد در کنار مُعرّفی

نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، ارجاع آیات، دست به مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش زدیم، نمایه‌ای از آیات، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

درکل، چنانکه ما در مقدمهٔ جلدِ نخست و جلدِ دوم گفت‌وگوی رهبر گفتیم، اینک در مقدمهٔ جلدِ سوم «گفت‌وگوی رهبر» تکرار می‌کنیم که چشم‌داشت ما از این کار این است:

نسلی که به دلایلی از معیت با این گفت‌وگوهای روشن‌گر بدور بودند؛ امروزه در متن این گفت‌وگوها قرار گیرند تا رغبتِ جنیدن در آنان بیدار شود و کسانی که در متن این گفت‌وگوها حضور داشتند، به یاد آورند که چه عهدی بسته بودند.

پیش از بستن این درآمد، بر خود لازم می‌دانم که در گام نخست از بنیادگذار و پشتیبان این مرکز، محترم صلاح‌الدین ربّانی، رئیس جمعیت اسلامی افغانستان سپاسگزاری کنم و در گام دوم از تنها همکار و برادرم در مرکز تدوین آثار رهبر شهید، دکتر خیرالله خیرخواه، بابت زحمات‌شان در کار تدوین آثار استاد شهید، سپاسگزاری کنم و به همین ترتیب از همه کسانی که با ما حتی با کلمه‌ای همیاری کردند، سپاسگزاریم اَجْرَکُمَ عَلَی اللّٰهِ وَ سَدَدُ خُطَاکُمْ.

به هر رو امید ما از حضرت باری تعالی این است که همان‌گونه که توفیق بخشید و توانستیم خط رهبر تا جلد دوازده رساندیم، قادر شویم که «گفت‌وگوی رهبر» را هم تا آنجا برسانیم تا از حقایق زیادی پرده برداشته شود و حقایق زیادی تسجیل برگه‌های تاریخ گردد. به امید روزی که بتوانیم به این مأمول دست‌یابیم وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللّٰهِ بِعَزِیزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

گفت‌وگوی سی‌وچهارم

استاد برهان‌الدین ربّانی

رئیس اتحاد اسلامی و رئیس هیئت مجاهدین در طایف پس از پایان

مذاکرات در یک مصاحبهٔ رادیویی

ماهنامهٔ دانشجو؛ سال اوّل، شمارهٔ دوّم، سه‌شنبه ۶ جدی ۷۶۳۱ هـ ش

مطابق ۷۲ دسامبر ۸۸۹۱ م.



سوال: اهمیت «مذاکرات طایف»^۱ در چه است؟

جواب: اهمیت مذاکرات را می‌توان در این خلاصه کرد که روس‌ها مجاهدین را -در حالی که سال‌هاست به‌حیث یک واقعیت انکارناپذیر در صحنه حضور دارند- به رسمیت نمی‌شناختند، بالاخره به این حقیقت تن دادند که مجاهدین یگانه نمایندهٔ برحق مردم افغانستان‌اند و باید با اینان، نشست و مذاکره کرد و این اعتراف این حقیقت را نشان می‌دهد که مجاهدین طوری که در ساحهٔ نظامی به کامیابی و پیروزی‌های زیادی نایل شدند، از لحاظ سیاسی هم به پیروزی‌هایی دست یافتند و چنان‌که دیدیم، روس‌ها رویارویی مسایل را مطرح کردند و این یک اعتراف و شناخت سیاسی در سطح بین‌المللی است که مجاهدین در این مذاکرات به‌دست آوردند.

سوال: استاد! ممکن است بفرمایید که در این مذاکرات چه مسایلی مطرح شد؟

۱. مذاکرات طایف: یکی از رویدادهای مهم تاریخی در تاریخ معاصر افغانستان پس از اشغال روس‌ها به افغانستان است که برای نخستین بار روس‌ها آماده شدند که تا با مجاهدین گفت‌وگو کنند. این مذاکرات به‌گونهٔ مستقیم، در ۲۰ و ۲۱ قوس ۱۳۶۷ ه.ش، در طایف عربستان سعودی صورت گرفته بود که از سوی مجاهدین ریاست آن را شهید پروفیسور برهان‌الدین رئیس رئیس اتحاد اسلامی مجاهدین و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان به‌عهده داشت و از جانب روس‌ها هم هیئت بلندپایهٔ آن یولی ورنتسلف، معاون اول وزارت خارجه مسکو و سفیر حزب کمونیست در افغانستان بود. برای معلومات بیشتر در مورد چگونگی این مذاکرات به ماهنامهٔ دانشجو، ص: ۱ و ۲، سال اول، شمارهٔ دوم، سه‌شنبه ۶ جدی ۱۳۶۷ ه.ش مطابق ۲۷ دسامبر ۱۹۸۸ م، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

جواب: البته اجندا به صورت مشخص وجود نداشت؛ زیرا این تقاضا از طرف خود روس‌ها صورت گرفته بود که با مجاهدین بشینند. در این قسمت آن‌ها اصرار زیادی داشتند، اجندا باز بود، کدام موضوع بخصوصی پیش از پیش، پیش‌بینی نشده بود و آنچه هم که از طرف روس‌ها پیشنهاد و در مذاکرات مورد بحث قرار گرفت، به نظر ما مطلب جدید و موضوع تازه‌ای هم نبود.

موضوع پیشنهادی، موضوع تصمیم و تقسیم قدرت با کمونیست‌های داخلی در افغانستان بود. ما این را قسمی که در گذشته قاطعانه رد کرده بودیم باز هم رد کردیم؛ زیرا حکومت مزدور در افغانستان به هیچ شکل در نظر ملت افغانستان مطرح نیست و این قابل بحث نیست و موضوع دیگری را که روس‌ها خواستند، به حیث مطلب تازه به زعم خودشان مطرح بکنند، عبارت از موضوع «آتش‌بس» بود و ما گفتیم: در اوضاع موجود که قوای روس‌ها در افغانستان و حکومت دست‌نشانده‌شان وجود دارد؛ یعنی تا وقتی که این دو عامل اساسی جنگ در کشور ما هستند، پس مسئله آتش‌بس موضوع بحث شده نمی‌تواند. تنها یک مطلب هست که -طوری که در گذشته هم گفته شده- می‌توان روی آن مجاهدین باز صحبت بکنند و آن عبارت از این است که اگر روس‌ها در حین خروج‌شان از افغانستان بالای قریه‌های بی دفاع ما و بالای مراکز پرتجمع ما حمله نمی‌کنند، مجاهدین هیچ مانعی در قسمت برآمدن آن‌ها ایجاد نمی‌کنند.

سوال: بالاخره نتیجه‌ای که از این مذاکرات گرفتید، چه بود؟

جواب: البته در مورد مسایل سیاسی چندان بحث و توافق صورت نگرفت؛ ولی نتیجه‌ای که از این مذاکرات گرفته شد، این بود که موافقت صورت گرفت که این مذاکرات در آینده ادامه پیدا کند و مجاهدین نظر به درخواست روس‌ها، پیشنهاد کردند که دورِ دوم مذاکرات در «پاکستان» صورت بگیرد.

سوال: گفته می‌توانید که دورِ دوم مذاکرات چه وقت خواهد بود؟

جواب: البته وقت آن در آینده تعیین خواهد شد و ما می‌بینیم که این جدّیت و صداقت در روس‌ها تا چه اندازه وجود دارد. آیا آن‌ها می‌خواهند مسایل مورد بحث مذاکرات را به صورت اصولی و عملی مطرح کنند و در این مورد تصمیم جدّی بگیرند و یا صرفاً می‌خواهند از این هم به‌هیچ یک مانور سیاسی استفاده کنند و ما امیدواریم که روس‌ها مذاکرات آینده را براساس قضایا، واقعیت‌ها و شناخت‌هایی که در طول ده سال جنگ و مقاومت اسلامی و مردمی کشور برای‌شان روشن شده است، دنبال کنند.

گفت‌وگوی سی‌وپنجم

با

نماینده تلویزیون استرالیا

منبع: مجله فتح؛ شماره ششم، یکشنبه، ۱۵ / ۹ / ۱۳۷۱ هـ ش - مطابق ۶

۱۲ / ۱۹۹۲ م.



سوال: آیا کمک‌ها به اهالی کابل افزوده خواهد شد؟ آیا سازمان‌های [کمک‌کننده] اعم از سازمان ملل متحد^۱ و صلیب سرخ^۲ بین‌المللی، کمک‌های مالی و مادی خود را به اندازه نیاز مردم افغانستان تهیه خواهند کرد؟

جواب: ما آرزو داریم، زمستان، این فصل سرما که ما اینک در آوان آن قرار داریم، از طریق ارسال کمک‌های مورد نیاز برای مردم، بدون اینکه مشکلی برای مردم ما وارد شود، سپری گردد. دولت اسلامی افغانستان، به خاطر مواد اولیه غذایی و مواد سوخت با کشورهای دوست تماس‌هایی

۱. سازمان ملل متحد / The United Nations Organization: بعد از جنگ جهانی دوم و برای جلوگیری از بروز جنگ و ترویج صلح جهانی به وجود آمد. مقدماتی که منجر به تشکیل این سازمان شد، عبارت بودند از: منشور اتلانتیک، اعلامیه ملل متحد سال ۱۹۴۲، اعلامیه امنیت عمومی که در اکتوبر ۱۹۴۳ بین سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی در مسکو امضا شد، کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۲، کنفرانس دمبارتن اوکس در سال ۱۹۴۴، کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵ و کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵. منشور سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتوبر ۱۹۴۵ از طرف تعداد کشورهای لازم به تصویب رسید و از آن تاریخ به موقع اجرا درآمد. هدف‌های سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه بین الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و استقلال ملل و همکاری بین‌المللی برای حل مسایل بین‌المللی است که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با بشردوستی است و به وجود آوردن مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات ملل مختلف برای حصول هدف‌های مزبور می‌باشد. ارکان اصلی سازمان ملل عبارت‌اند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان دادگستری بین‌المللی و دبیرخانه. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۳۴، چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ.ش، انتشارات آشیان و آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص: ۱۹۲، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ.ش، انتشارات مروارید. «مرکز تدوین»

۲. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ: یکی از اعضای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است. این نهضت در کشورهای اسلامی هلال احمر نامیده می‌شود. «مرکز تدوین»

را برقرار کرد که در نتیجه مقادیر عظیمی از مساعدت‌ها اکنون در کشور موجود است.

طبعاً این نکته روشن است که کمک‌های کشورهای کشورهای دوست و سازمان‌های بین‌المللی... می‌توانند مشکلات اجتماعی مردم ما را تا جایی رفع کند. از اینکه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دوست به مردم افغانستان همکاری کرده‌اند، از آنان اظهار سپاس می‌کنم.

از آنجایی که مقدار و اندازه کمک‌های انجام‌شده، با نیازمندی‌های مردم جنگ‌زده ما برابری ندارد، آرزو مندیم جوامع بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده مسئولیت بیشتری در قبال مردم افغانستان، به دوش بگیرند و کمک‌ها و مساعدت‌های خود را افزون و سرعت بخشند.

سوال: برگزاری شورای «اهل حل و عقد»^۱ بر مردم افغانستان چه تأثیری خواهد داشت؟

جواب: مردم افغانستان از طریق شورای «اهل حل و عقد» در حقیقت اراده و نظر خود را در مورد آینده انتخاب زعامت بعدی، اظهار می‌دارند. ما به این عقیده‌ایم که زعامتی که از طریق شورای «اهل حل و عقد» انتخاب می‌گردد، چون برخوردار از حمایت‌های مردم کشور ما می‌باشد، بعد از آن دیگر زمینه‌ای برای بهانه‌جویی نیروهای سیاسی باقی نخواهد ماند و به این باوریم که شورای اهل حل و عقد، صلح سراسری را در کشور جنگ‌زده ما

۱. «حل و عقد»: در لغت به معنای گشودن و بستن است و اما عقد در اینجا به معنای بستن نظام گروهی از مسلمانان در همه شئون زندگی‌شان است، اعم از سیاسی، قانونی و قضایی و همچنین مسائل و اهل حل و عقد در نظر علمای اصول همان اهل اجتهداند و امام نووی اهل حل و عقد را عبارت از علما، رؤسا و اهل خبره‌ای می‌داند که مردم در مصلحت‌های عمومی و نیازمندی‌های‌شان به آنان مراجعه می‌کنند و شماری هم، اولوالأمر را اهل حل و عقد می‌دانند و علامه جوینی اهل حل و عقد را این‌گونه مُعَرَّفی می‌کند: خبرگانی مستقلی‌اند که از تجارب و تهذیب بالایی برخوردارند و صفات کسانی که باید امور رعیت را به دوش بگیرند در آنان وجود دارد و امام ماوردی شروط خلافت و یا امامت را سه چیز می‌داند: ۱- عدالت؛ ۲- علم؛ ۳- بصیرت و حکمت. برای معلومات بیشتر نگاه شود: منهاج الطالبین، از امام نووی، غرائب القرآن، از نیشابوری، الغیائی، ص: ۸۲ والأحكام السلطانية، از ماوردی. «مرکز تدوین»

تأمین می‌کند.

سوال: آیا دولت افغانستان در صدد روابط دیپلماتیک با کشورهای خارجی می‌باشد و آیا عواملی وجود دارد که مانع این امر باشد؟
جواب: ما با پیروی از روش‌های دین والا و مقدّس اسلام - که صلح و همدردی مسالمت‌آمیز اساس آن را تشکیل می‌دهد - خواهان روابط دوستانه و توسعهٔ علائق و همکاری با تمام کشورها به اساس احترام متقابل، با یکدیگر می‌باشیم.

دولت اسلامی افغانستان آرزومند توسعهٔ روابط دیپلماتیک خود با کشورهای است. از جانب ما در این عرصه هیچ نوع ممانعت و عامل بازدارنده‌ای وجود ندارد. ما هر دستی را که به دوستی به‌سوی ما دراز گردد، با گرمی می‌فشاریم.

سوال: دولت روسیه چه باید بکند؟ پیش از آنکه مناسبات سیاسی خود را با دولت اسلامی افغانستان برقرار کند؟

جواب: شما خود می‌دانید که مداخله و تجاوز روس‌ها (شوروی سابق) به افغانستان باعث تلفات یک‌ونیم میلیون انسان معصوم و باعث زخمی شدن و معلولیت صدها هزار نفر دیگر و مهاجرت بیش از پنج میلیون از هم‌وطنان ما گردید، همچنان خسارات وارده به کشور ما بر میلیاردها دالر بالغ می‌گردد و در اثر همین مداخله و تجاوز، شیرازه و اساس افغانستان ضعیف و اقتصاد افغانستان کاملاً از هم فروپاشیده است؛ بنابراین، فدراسیون روسیه - که جانشین شوروی سابق می‌باشد و اکنون می‌خواهد به‌حیث کشور شامل حوزهٔ ممالک آزاد، خود را تبارز بدهد - نباید نسبت به این تلفات و خسارات، خود را بی‌تفاوت نشان بدهد.

فدراسیون روسیه تا حدود قابل‌توجه، مسئولیت رنج‌های مردم افغانستان را باید به‌دوش کشد و همچنان رویه‌ای را اتخاذ کند که موجبات قناعت مردم افغانستان و رضایت جامع صلح‌پسند بین‌المللی را فراهم گرداند.

سوال: راجع به اوضاع جاری افغانستان از نقطه نظر اطلاعات و اخبار

در غرب و مخصوصاً در روسیه خَلای اطلاعاتی محسوس است، آیا چگونه می‌توانید توجّه جهانیان را به وضع و مشکلات جاری در کشورتان جلب کنید؟

جواب: مشکلات و اوضاع جاری کشور ما از طریق وسایل اطلاعات افغانستان همواره انعکاس می‌یابد. همچنان با سیاستِ بازی که ما نسبت به ژورنالیستان خارجی در پیش گرفته‌ایم، چنانکه همواره نمایندگان رسانه‌های گروهی مانند «بی‌بی‌سی»، «فرانس پریس» و حتّی رسانه‌های کشورهای خارجی مانند ایران،^۱ پاکستان و غیره، حوادث و رویدادهای کشور ما را از طریق رسانه‌های جمعی مربوطه‌شان انعکاس داده‌اند.

ما از انعکاس مشکلات موجوده و اوضاع جاری افغانستان از طریق ژورنالیستان خارجی نه‌تنها هیچ‌گونه ممانعت به وجود نیاورده‌ایم؛ بلکه تسهیلات لازم را نیز فراهم گردانده‌ایم و توقع داریم که ژورنالیستان در انعکاس اوضاع جاری افغانستان در عرصهٔ جهانی، وظایف مسلکی خود را به شایستگی انجام دهند.

۱. جمهوری اسلامی ایران: در جنوب غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی سی‌وششم

با

خبرنگار بی‌بی‌سی در کابل

منبع: مجله فتح؛ شماره یازدهم، ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۷۱ هـ ش - مطابق ۰۱ / ۱۱

۱۹۹۳ / م.



خبرنگار: چه زمانی صدر اعظم معرفی می‌شوند؟

استاد: إن شاء الله هرچه عاجل بعد از تشکیل پارلمان، صدر اعظم معرفی می‌شود و صدر اعظم کابینه خود را به «پارلمان»^۱ معرفی می‌کند.

ما فعلاً دو مطلب در پیش رو داریم: یکی آنکه پارلمان رسماً به کار خود آغاز کند تا کابینه به او معرفی شود و دوم آنکه یک سلسله دید و بازدیدها و صحبت‌هایی با برادران دیگری هم وجود دارد، ما کوشش می‌کنیم که در حکومت اخوت و وحدت ملی کشور، همه اطراف شریک باشند.

خبرنگار: آیا در رابطه با نحوه صلاحیت‌ها، بین رئیس جمهور و صدر اعظم، کدام تفاوت و تفکیک‌هایی مدنظر است یا خیر؟

استاد: البته نظر به فیصله‌های قبلی‌ای که ما داشتیم، صلاحیت‌های بیشتر مربوط به رئیس جمهور است؛ اما با این حال، یک چوکات و لایحه‌ای قبلاً برای صلاحیت‌های صدر اعظم و رئیس جمهور تعیین شده که ما آن دستور موقت را به پارلمان تقدیم می‌کنیم که بعد از فیصله پارلمان صلاحیت‌ها تفکیک می‌شود و رئیس جمهور و صلاحیت‌هایش و همچنان صدر اعظم و صلاحیت‌های وی در آنجا تفکیک و از هم جدا می‌شود.

۱. پارلمان: واژه فرانسوی است که به معنای صحبت کردن می‌باشد، نخستین کاربرد این واژه، به سال ۱۲۳۶ م، برمی‌گردد که پادشاه انگلستان جلسه‌ای با حضور جمعی از اشراف و بزرگان کشورش را به نام پارلمان تشکیل داد، البته در زبان فارسی گاهی مجلس و پارلمان با دلالت ضمنی به معنای مجلس نمایندگان به کار می‌رود. اکنون (۱۴۰۲ هـ.ش) از نظام پارلمانی و مجلس نمایندگان، در افغانستان خبری نیست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۴۸ - ۱۴۹. «مرکز تدوین»

خبرنگار: آیا کابینه جدید فقط متشکل از اعضای احزاب هفت‌گانه و نه‌گانه است یا از دیگر شخصیت‌ها نیز در آن شرکت داده خواهد شد؟

جواب: البته ما تصمیم داریم که هم‌زمان با گروه‌های جهادی، از شخصیت‌های دانشمند و متخصصین در هر جایی که بوده باشند، در کابینه سهم داده شود. ما قسمی که در هنگام اختتامیه «در مراسم تحلیف» از همه درخواست کردیم، از همه دانشمندان و متخصصین کشورمان که در کشورهای مختلف هستند، از آن‌ها تقاضا کردم تا بیایند و در اداره کشورشان سهم بگیرند.

خبرنگار: تشکیل پارلمان و تدوین قانون اساسی موقت، چه مدتی را در بر خواهد گرفت؟

استاد: امیدواریم که مدت زیادی را در بر نگرفته و تا هفته آینده یا چند روز بیشتری این کار صورت بگیرد.

ما تلاش داریم تا با تمام گروه‌ها، از جمله با «حزب وحدت»^۱ و با «حزب اسلامی» صحبت‌هایی صورت بگیرد و صحبت‌هایی نیز صورت گرفته است. ما آرزو داریم که بتوانیم با تمام گروه‌ها، مخصوصاً با این دو گروهی که از آن‌ها نام برده شد، حرفی در میان نگذاریم و تمام مسایل را از راه بحث‌های دوجانبه و چندجانبه، به کلی حل بسازیم تا در حکومت آینده افغانستان مخالفی وجود نداشته باشد.

خبرنگار: نظرتان در مورد طرح شدن درخواست خسارات از روسیه و محاکمه نجیب^۲ و ببرک کارمل، در شورای «اهل حل و عقد» چیست؟

۱. در این وقت، رهبری حزب وحدت را استاد عبدالعلی مزاری به عهده داشت و اکنون (۱۴۰۲ هـ ش)، حزب وحدت به دو شاخه «حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان» که رهبری آن را استاد محمّد محقق به عهده دارد و حزب وحدت به رهبری استاد عبدالکریم خلیلی می‌باشد که فعالیت‌های احزاب نیز در این زمان از سوی حکومت سرپرست (طالبان)، ممنوع است. «مرکز تدوین»

۲. نجیب: در اگست ۱۹۴۷ م، در شهر کابل به دنیا آمد. نجیب از اعضای جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هـ ش، در حزب کمونیست مشغول به کار شد. در سال ۱۹۷۳ م، به‌وسیله شاه محمّد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت K.G.B را می‌گیرد و بانام مستعار «پوتوموک» در آرشیف K.G.B درج می‌شود. وی مدتی بعد به مسکو رفت و همراه با قوای شوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹ م، به کابل آمد و به‌عنوان رئیس دستگاه

استاد: موضوع بعد از فیصله‌شورای اهل حل و عقد، به قضا مربوط می‌شود که البته فیصله‌های قضایی همیشه عادلانه بوده و در این مورد «ستره محکمه»^۱ تصمیم عادلانه خواهد گرفت.

استخباراتی (خاد) دولت، تعیین شد. در این دور جنایات نابخشودنی را علیه زندانیان مسلمان انجام داد. او با جرئت بی‌ریا رئیس پولیس مخفی استالین، حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بی‌گناه را بی‌رحمانه امضا کرد و بدان افتخار هم می‌کرد، تکنیک‌های شکنجه‌گری خاد شامل بی‌خوابی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگدزدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آبیجوش در روده‌ها، کندن موی سر و کشیدن دندان و ناخن دست و پای و ده‌ها نوع دیگر شکنجه بود. K.G.B. نه‌تنها تمویل و آموزش کارمندان آن را به عهده داشت؛ بلکه ابزارهای شکنجه مخصوص برای کشیدن ناخن را نیز در خدمت آن‌ها گذاشته بود. آهن تیز و میخ ماندنی را در لبه میز کوفته بودند که بیشترین زندانیان به آن میخ شکنجه می‌شدند. انگشتان دست و پای زندانی را محکم گرفته و انگشت را به‌گونه‌ای قرار می‌دادند تا همان میخ نوک‌تیز در زیر ناخنش برابر شود و بعد آهسته و عذاب‌دهنده انگشت زندانی را به‌سوی میخ فشار می‌دادند؛ تا میخ زیر انگشت قربانی فرو رود. وی در سال ۱۹۸۶ م، جانشین ببرک کارمل شد و قدرت را به‌دست گرفت. سرانجام نجیب در صبحگاه نخستین روز ورود طالبان به کابل در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ م، از مرکز سازمان ملل در کابل بازداشت گردید و به همراه برادرش شاهپور احمدزی در چهارراهی آریانا در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری به دار آویخته شد و اعدام گردید. نگاه: انتصر الأفغان وسقط المنجل والسندان، از دکتور محمد مورو، رها در باد، ص: ۳۸۴-۳۸۵ و کتاب «کا. جی. بی، در افغانستان» از واسیلی میتروخین، ترجمه احمدضیا رهگذر.

«مرکز تدوین»

۱. دادگاه عالی. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی سی‌وهفتم

با

خبرنگار جریده فتح پس از بازدید با محمود مستری فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد پیرامون دست‌یافتن به راه‌حل‌های مسئله افغانستان و پایان جنگ.

منبع: مجله فتح؛ ص: ۴، دور دوم نشراتی، شماره بیستم، چهارشنبه ۴
عقرب ۱۳۷۳ هـ ش - مطابق ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۴ م.



فتح: آقای مستری طی دور روز یعنی دیروز و امروز^۱ مذاکراتی را در اثنای دیدار شما از شهر جلال آباد با جناب شما به خاطر دستیابی به راه حل مشکل افغانستان انجام داد، می شود خوانندگان فتح را از آخرین نتایج این مذاکرات آگاه سازید؟

استاد: ما نظر به دعوت «شورای جهادی ننگرهار» و برخی از رهبران تنظیم های جهادی، مانند مولوی صاحب محمدیونس خالص و مولوی صاحب محمدنبی محمدی که می خواستیم با ایشان دیدار و ملاقاتی داشته باشیم؛ ولی آنان بنا بر مریضی و معاذیری نمی توانستند به کابل بیایند و پیشنهاد کردند که در غزنی یا قندهار^۲ و جای دیگری جمع شویم؛ اما ما ننگرهار را انتخاب کردیم.

تنظیم های جهادی در هر اوضاع و احوالی، باید با هم در تفاهم و مذاکره باشند و نقطه نظرهای خود را در مورد قضایا و مسائل کشور متحد و نزدیک بسازند، به خصوص در این وقت که از طرف های دیگری هم

۱. این دوروز برابر است با سه شنبه و چهارشنبه، ۲۶ و ۲۷ میزان ۱۳۷۳. «مرکز تدوین»

۲. قندهار / کندهار: یکی از ولایات افغانستان است که در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۸۴۴٫۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۱۵۱٫۱ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر قندهار / کندهار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱.

«مرکز تدوین»

تلاش‌هایی جهت ایجاد صلح و اعاده آرامش در کشور جریان دارد. ما با مولوی صاحب محمدیونس خالص و مولوی صاحب محمدنبی محمدی و استاد سیاف مذاکراتی در اینجا انجام دادیم و چهار تنظیم جهادی در باره قضایای کشور موافقت‌نامه‌ای را امضا کردیم و علاوه بر این چهار تنظیم، حزب «وحدت اسلامی» و «حرکت اسلامی» به رهبری آیت‌الله محسنی در این تلاش‌ها با ما شرکت داشتند و ما امیدواریم که نتیجه تصمیم مشترک ایشان راهگشای صلح در ابعاد سیاسی و نظامی کشور ما باشد.

به ارتباط مستری و موضع‌گیری‌هایی که در برابر ملل متحد است، باید گفت: البته اصولاً دولت اسلامی نظر مثبت در رابطه با تلاش‌های بین‌المللی در گذشته و حال داشته و برای حل مشکلات فعلی کشور، سازمان ملل باید با ما همکاری‌های انسانی و همکاری‌های سیاسی داشته باشد و این از جمله ضرورت‌هایی است که دولت اسلامی افغانستان به آن احساس نیاز می‌کند. در اوضاع فعلی بعد از ایجاد کشمکش‌ها و برخوردهایی که در کشور ما ادامه دارد، ملل متحد یک سلسله فعالیت‌هایی را به راه انداخته که امیدواریم سهم عملی و مؤثری در این راه داشته باشد و در این رابطه، اخیراً یک سلسله جلساتی هم در «کویت» دایر شد، هیئت‌ها و نماینده‌هایی هم از گروه‌ها و دولت‌ها خواستند که در آن شرکت کند که دولت هم نماینده خود را به کویت فرستاد و چند مطلبی را ما به آن تذکر داده بودیم که ملل متحد بعد از این به صورت جدی به افغانستان همکاری کند.

ملل متحد باید در رابطه به مسایلی که امروز در کشور ما افغانستان جریان دارد، اطلاع داشته باشد تا بداند که در افغانستان چه قضایایی هست که باعث جنگ گردیده است و در جنگ دست‌هایی از خارج افغانستان دخالت دارد. هستند بعضی از اطراف و بعضی از جهاتی که علناً در افغانستان مداخله دارند و مداخله بعضی از این‌ها در جنگ افغانستان واضح‌تر و آشکارتر از آن است که گفته شود.

راه‌ها بند است، مردم افغانستان و به خصوص مردم کابل در حالت بسیار

بدی به سر می‌برند و در گذشته هم تلاش‌های ملل متحد کاملاً به‌صورت جدّی نبوده، دور اوّل و دور دوّم بسیار به درازا کشانیده شد، ما گفتیم: در این دور باید چند چیزی را ملل متحد در نظر داشته باشد و به ارتباط آتش‌بس گفتیم: اگر چه تجاوز به شهر کابل به شکل پرتاب راکت ادامه دارد و به همه معلوم است و با وجود آن هم دولت آماده است آتش‌بس کند؛ ولی به شرطی که آتش‌بس تنها یک کار موقتی و مقطعی نبوده باشد تا مردم افغانستان که به صلح و امنیّت نیاز دارند، مطمئن شوند که جنگ قطع می‌شود. در این رابطه باید ملل متحد نقش خود را به‌صورت مؤثر ایفا کند.

به‌خاطری که قسمت زیادی از این جنگ‌ها از خارج افغانستان آب می‌خورد و تقویه می‌شود، باید ملل متحد به شکل جدّی سعی کند تا جلوی مداخلات خارجی گرفته شود و ما همچنان گفتیم: جای تعجّب است که بعضی از کشورها با وصف اینکه از انتقال یک دو استنگر از افغانستان به فلان کشور اظهار تشویش می‌کنند و حتّی از نمبر و مشخصات دیگر آن، نام می‌برند که از افغانستان به فلان کشور رسید؛ اما از رسیدن ده‌ها تانک و از بمباردهای پیهم در یک روز از طرف کشوری در افغانستان قطعاً احساس بی‌اطلاعی می‌کنند و هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و گویا این حالتی که در افغانستان هست، در اثر مداخلهٔ خارجی‌ان نبوده و این قضیه در نظر بعضی از کشورها به حیث یک پردهٔ فلم است که تماشا می‌کنند؛ لهذا نمایندهٔ ملل متحد در این قسمت باید بسیار جدّی باشد تا عامل بیرونی جنگ که عامل عمده و اساسی جنگ است، قطع شود.

جهاتی که توسط خارجی‌ها هدایت و کمک می‌شوند و در جنگ و ویرانی افغانستان دست‌های‌شان کاملاً به خون مردم تر است، باید جلوی کمک‌شان از خارج گرفته شود تا این فاجعه ادامه پیدا نکند.

تا جایی که به لویه جرگه و انتقال قدرت ارتباط دارد، این مطلب را همیشه گفته‌ایم، مثل اینکه در «جلسهٔ هرات» گفتیم: ما قدرت را می‌سپاریم؛ اما یک جهت مسؤل پیدا شود که بتواند از مصالح مردم دفاع بکند و

انارشیزم^۱ به میان نیاید، دیگر این مشکل فعلاً وجود ندارد. در قسمت لویه جرگه و شورای بزرگ، نظر ما به کلی واضح و روشن بود. هرنوع انتخاب و هرنوع طرز و طریقه‌ای که از طرف مردم اتخاذ شود که جانب مقابل موافقه کند و موردپذیرش جهات دیگر باشد، از طرف ما قابل قبول است.

هرکار و فعالیتی که از طرف ملل متحد صورت می‌گیرد، باید با فعالیت‌های داخلی هماهنگ بوده باشد و به صورت مجدّانه انجام بگیرد، ما آماده‌ایم با چنین کاری همکاری و تعاون کنیم و افغان‌هایی هم که در داخل و خارج افغانستان مصروف فعالیت‌اند، همگی کارهای‌شان را با داخل افغانستان هماهنگ بسازند و به صورت مجموعی برای پروسه صلح همکاری کند. البته ما از این نوع فعالیت‌ها حمایت و پشتیبانی می‌کنیم. به هر حال، ما در رابطه به فعالیت‌هایی که مفید و مؤثر بوده باشد و کارش با فعالیت‌های داخلی هماهنگ باشد، حمایت می‌کنیم و این فعالیت‌ها باید باعث قطع جنگ، بازشدن راه‌ها و جلوگیری از محاصره و مداخله خارجی گردد.

فتح: آیا محمود مستری در این سفر و در مذاکرات اخیرش با جناب شما چیز تازه‌ای داشت؟ و دقیقاً در مذاکره با وی به نقاط مشترکی رسیدید؟
استاد: البته کدام مطلب و چیز تازه‌ای نبود و در روز اوّل خواهش کرده بود تا در جلسه دوم یک تعداد افغان‌ها را با خود بیاورد و از آن‌ها خواسته

۱. واژه انارشیزم یا سروری‌ستیزی: ریشه در زبان یونانی دارد و ترکیبی از (archos) به معنای «بدون رئیس» و (Anarchia) به معنای «عدم حکومت» است. پس می‌توان سروری‌ستیزی یا حکومت‌ستیزی را معادل‌های مناسبی برای این واژه دانست، بنیاد انارشیزم بر دشمنی با دولت است؛ ولی در عین حال وجود هرگونه قدرت سازمان‌یافته اجتماعی و دینی را نیز ناروا می‌شمرد، انارشیزم قوانین دولت‌ها را سرچشمه تجاوز و خاستگاه همه بدی‌های اجتماعی می‌داند و به این دلیل خواستار از میان رفتن همه دولت‌هاست، در اصطلاح سیاسی، مسلکی که سعادت بشر را در نابودی حکومت‌ها و قوانین آن‌ها و هرج و مرج و اغتشاش را وسیله پیشرفت به‌سوی مقصود می‌داند و شعار یکی از انارشیزم‌ها به گونه نمونه این است: «هدف ما زیستن بدون دولت و بدون قانون است.» نگاه: فرهنگ فارسی معین، دانشنامه سیاسی، ص: ۴۰ - ۴۱. «مرکز تدوین»

بود تا پیشنهادها و نقاط نظر خود را کتبی برای ما بدهند تا ما بعد از مشوره با اراکین مسئول دولت و کسانی که با دولت همکاری و در این قسمت نظر مشخص خود را بدهیم.

خلاصه اینکه تا جایی که ما از آن‌ها شنیدیم، بسیار مطالب نوی نداشتند؛ زیرا آن‌ها در نشست خود، روی دو موضوع صحبت کرده بودند: یک اینکه لویه جرگه ساخته شود و در این مورد دو نظر وجود داشت: اول اینکه لویه جرگه ساخته نشود و این لویه جرگه به کار خود آغاز کند و برای دو سال یک حکومت موقت بسازد؛

نظر دوم اینکه یک کمیسیونی با همکاری داخلی به میان بیاید و آن‌ها در قسمت انتقال قدرت مسئولیت داشته باشند.

اینکه کمیسیون در تعیین زعامت و یا انتقال قدرت سهم داشته باشد، یا لویه جرگه؛ هر دوی آن مطلبی است که هیچ‌نوع اختلافی از طرف دولت و مجاهدین وجود نداشت.

مجاهدین در جلسه هرات گفته بودند: یک کمیسیونی ساخته شود که توسط آن کمیسیون، انتقال قدرت صورت بگیرد و راجع به آینده فکر بکند و این‌ها می‌گفتند که کار انتقال توسط یک کمیسیون صورت بگیرد، در ظرف سه ماه یا شش ماه و نه ماه حکومت موقتی باشد و بعد از آن در همین دوران باید لویه جرگه ساخته شود.

در مورد این نظریات مخالفتی وجود نداشت، تنها یک موضوع در قسمت تأمین امنیت بود که می‌شود، یک نیروی امنیتی در شهر کابل ساخته شود که در مورد این مسئله اصولاً کدام اختلافی نیست؛ اما در قسمت مکانیزم و طریقه‌ای که این نیروی امنیتی ساخته شود، باید بحث صورت بگیرد و پس از بحث تفصیلی از طرف دولت و همکاران دولت، ابراز نظر گردد.

خلاصه اینکه: اگر کارهای ملل متحد هماهنگ با کارهای داخل صورت بگیرد، تناقضات زیادی فعلاً وجود ندارد و اینکه در آینده چگونه

انکشافاتی به میان می‌آید، آن حرف جداست.

فتح: مردم منتظرند تا یک راه حل فوری برای مسئله افغانستان جست‌وجو شود، شما در این باره چه طرحی دارید؟

استاد: تا جایی که به دولت مربوط است، دولت طرفدار صلح عاجل است، ما می‌خواهیم که هرچه زودتر جنگ قطع شود و مردم به زندگی عمرانی خود شروع کنند و در یک فضایی که جنگ قطع نشده باشد، کار عملی در قسمت لویه جرگه یا کمک‌هایی که در «انتقال قدرت» برای یک مجموعهٔ مسئول یا مجلس مسئول صورت می‌گیرد و بعداً کار سیاسی دیگری به میان می‌آید، انجام نمی‌شود.

بناء دولت مانع و مشکلی در راه صلح نبوده و این به جناح مقابل مربوط است که آنان آیا در برابر مردم خود احساس مسئولیت می‌کند و یا هنوز هم به همان وحشت و قساوت خود علیه ملت مظلوم ادامه می‌دهند و کمال خود را در راکت بارانی و ویرانی شهرها و ایجاد کشمکش‌های خونین می‌دانند! آنان اگر به آرمان مردم خود، به اسلام و شریعت تسلیم شوند. یقیناً مشکل ادامه پیدا نمی‌کند.

فتح: اگر اپوزیسیون دولت (ائتلاف هماهنگی) به این جریان نپیوندد، جریان صلح ناکام خواهد شد؟

استاد: ما به این عقیده‌ایم که آنان کوشش کنند صلح را بپذیرند و به جنگ و خون‌ریزی ادامه دهند؛ اما اگر آنان صلح را قبول نکنند، راهی باید جست‌وجو شود که به هر شکلی که بوده باشد، خواسته و نیاز مردم برآورده شود و در این قسمت البته احزاب مختلف، خود ملت، کشورهای دوست و مؤسسهٔ ملل متحد باید همکاری جدی بکنند تا پروسهٔ صلح هرچه عاجل تحقق پیدا بکند.

فتح: پس در صورت عدم‌پذیرش صلح از سوی اپوزیسیون (ائتلاف هماهنگی) جنگ ادامه خواهد کرد؛ چون هنوز هم کوشش‌های صلح طوری که دیده می‌شود، یک‌جانبه بوده، طرف مقصر جنگ و طرف آغازگر

جنگ و عوامل اصلی آن را مشخص نساخته و از طرف مظلوم قضیه دفاع نکرده‌اند. شما در این قسمت چه پیشنهادی دارید که این تلاش‌ها سرانجام به نتیجه مطلوب برسند؟

استاد: ما به این عقیده‌ایم که فعلاً آن زمان فرا رسیده است که گروه‌هایی که در داخل هستند، از حالت بی‌تفاوتی و حالت بی‌طرفی برآیند و در برابر کسانی که دست به کشتار و جنگ افروزی می‌زنند، موضع روشن و قاطع بگیرند، مطابق به حکم شریعت، موضع‌گیری کنند و موقف خود را روشن بسازند و در عین حال ما به این عقیده‌ایم که ملل متحد، کشورهای دوست، کشورهای همسایه و کسانی که به صلح در افغانستان و در منطقه علاقه دارند، آنان نیز از این حالت، خود را بیرون بکشند و باید در برابر کسانی که جنگ را پیشه خود قرار داده و حیات خود را در خون‌ریزی و در جنگ تشخیص داده‌اند، موضع روشن و قاطع داشته باشند و من به این عقیده‌ام، اگر تنظیم‌ها تماشاگر و بی‌طرف نباشند و اگر کشورهای دوست و ملل متحد در مسئله جلوگیری از جنگ یک موضع قاطع و روشن اتخاذ کنند و اجازه ندهند که نیروهای جنگ افروز از خارج تقویه شوند و در برابر جنایات عناصر جنگ افروز موضع قاطع بگیرند، شکی نیست که آنان دیگر نمی‌توانند به پای خود بایستند؛ زیرا در میان مردم عناصر جنگ افروز جای ندارند و یگانه پشتوانه‌شان از خارج است، اگر کمک و حمایت خارجی قطع شود، یقیناً دیگر نمی‌توانند بیش از این به این کشمکش‌های خونین ادامه بدهند.

فتح: شما در صحبت‌تان از مداخله خارجی، بمباردمان و ارسال تانک‌ها یاد کردید، مشخصاً می‌توانید بگویید که چه کشوری دست به این مداخلات زده است؟

استاد: ازبیکستان^۱ کشور همسایه ما که از آن انتظار نداشتیم که دست

۱. ازبیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «تاشکند» و مساحت آن ۴۴۷۰۴۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۲۷۷۹۴۰۰۰ نفر تخمین شده است،

به چنین عملی بزند، شواهدی داریم که سلاح، تانک‌ها و متخصصین نظامی در اختیار مخالفان دولت اسلامی می‌گذارد، بمباران‌هایی هم علیه دولت اسلامی انجام داده است.

فتح: مولانا فضل‌الرحمن بعد از ملاقاتی که با شما داشتند، گفته است پیامی از طرف جناب شما به رئیس‌جمهور پاکستان فاروق احمد لغاری^۱ برده است، می‌شود بگویید که پیام حاوی چه مطالبی بوده است؟

استاد: البته ما خواهان استحکام روابط برادری و همکاری و تحکیم روابط میان دو ملت برادر افغانستان و پاکستان بوده و هستیم و ما آرزو داریم که روابط میان دو کشور در دوران دولت اسلامی استحکام پیدا کند.

هستند عناصر استفاده‌جو، عناصری که می‌خواهند روابط این دو کشور را خراب بکنند، یک سلسله دسیسه‌ها و توطیه‌هایی را به راه بیندازند؛ امّا، ما به این عقیده بوده و هستیم که برادران ما در پاکستان، دولت پاکستان، ملت پاکستان با آگاهی این دسیسه‌ها را خنثی می‌کنند.

در چهارده سال جهاد، روابط حسنه با پاکستان داشته‌ایم و آن‌ها خواستار استحکام روابط با کشور و ملت برادر و همسایه خود افغانستان اند. قسمی که ما جداً این آرزو را داریم، در پروسه صلح در افغانستان، ملت و دولت برادر پاکستان می‌توانند نقش بسیار مهم و سازنده داشته باشند و وقتی برادرمان مولانا صاحب فضل‌الرحمن آمد، ما با او روی این مسایل صحبت کردیم، همچنان احزاب پاکستان خصوصاً احزاب اسلامی پاکستان در قسمت تأمین صلح، استحکام و استقرار دولت اسلامی، نقش خود را ادا کنند.

ما در قسمت همکاری با دولت و ملت افغانستان پیام‌های عنوانی رئیس‌جمهور پاکستان فرستادیم تا همکاری‌هایی که از قبل بوده، به شکل قوی‌تر ادامه پیدا

زبان رسمی آن ازبکی و واحد پول آن «سوم» می‌باشد، ۸۵ درصد مردم ازبکستان مسلمان‌اند، بیش از ۱۵۰۰ مسجد در سراسر این کشور ساخته شده که قبل از استقلال، تعداد آن‌ها ۸۰ واحد بوده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۷. «مرکز تدوین»

۱. سردار فاروق احمد خان لغاری: سیاست‌مدار، وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور کشور پاکستان بود که در ۲۹ می ۱۹۴۰ به دنیا آمده بود و در ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۰ درگذشت. «مرکز تدوین»

کند.

ما امیدواریم که کمک و همکاری ملّت برادر و مسلمان پاکستان با ملّت
افغانستان در ابعاد مختلف ادامه یابد.

گفت‌وگوی سی‌وهشتم

با

مجله المجتمع

یادداشت: این برگردان فارسی مصاحبه استاد شهید، رئیس دولت اسلامی افغانستان از مجله المجتمع است که در مجله فتح ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان نشر شده بود. تاریخ نشر: فتح؛ دور دوم نشراتی، شماره سوم، یکشنبه، ۸ حوت ۱۳۷۲ هـ ش مطابق ۲۷ فبروری ۱۹۹۴ م، ص: ۴.



یادداشت خبرنگار المجتمع:

برقراری تماس با محترم پروفیسور برهان الدین ربّانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در میان جنگ‌های سنگین و ویرانی فراوان محیط به پایتخت افغانستان (کابل)، کار آسانی نیست؛ چون در داخل شهر کابل در یک مکان معینی استقرار ندارد تا نیروهای دوستم و حکمتیار نتوانند محل بودوباش وی را بمباردمان نمایند.

همچنان ارتباطات با پایتخت افغانستان کابل جز از طریق بعضی از دستگاه‌های تلفنی خاص سیار که توسط اقمار مصنوعی صورت می‌گیرد، قطع گردیده است.

یک هفته تمام کوشیدیم که با پروفیسور ربّانی تماس برقرار کنیم که بی‌نتیجه ماند و نزدیک بود که این شماره بدون مصاحبه مذکور از چاپ برآید؛ ولی به فضل خداوند در لحظات اخیر قادر گردیدیم با رئیس دولت [اسلامی افغانستان] تماس برقرار سازیم و به مدت یک ساعت تمام با وی این مصاحبه را انجام دهیم.

المجتمع: اکنون جنگ‌های کابل به کجا رسیده است و اسباب اصلی این درگیری‌ها چیست؟

پروفیسور ربّانی: از زمانی که خداوند بر ما به فتح کابل منت گذاشته است تا هنوز هرچه جنگی که صورت گرفته، حکمتیار محرک اصلی آن

بوده است. حکمتیار به صورتِ رأسِ حربۀ دشمنان اسلام درآمده که آنان از عملکردهای وی به‌خاطر بدجلوه دادن چهرۀ جهاد و دسیسه علیه حکومت مجاهدین استفاده می‌کنند و ما از اینکه مسلمانان در طول سال‌های گذشته فریب او را خورده بودند، متأسفیم.

وقتی بعد از فتح کابل به جنگش علیه مجاهدین آغاز کرد، دلیلش این بود که صبغت‌الله مجددی رئیس دولت است و می‌گفت: هرگز ریاست او را قبول نخواهم کرد؛ چون بین مجددی و بین بوش^۱ فرقی وجود ندارد و با این حُجَّت کابل را موشک‌باران کرد و وقتی که دورۀ ریاست مجددی نزدیک بود به پایان برسد و رهبران مجاهدین مرا به‌اتفاق به ریاست دولت اختیار نمودند، ناگهان دیدیم که حکمتیار به‌خاطر تحکیم ریاست مجددی تلاش می‌ورزد.

و اینجا و آنجا به‌خاطر این موضوع شروع به فعالیت کرد و مجددی تشویق به عدم کنار رفتن از پُستش می‌نمود؛ لیکن این تلاش‌ها به ناکامی انجامید و ریاست دولت به‌دوش من واگذار گردید، باز دیدیم که حکمتیار به دلیل وجود بقایای کمونیستان و ملیشه‌ها در کابل، این شهر را مورد موشک‌باران قرار می‌دهد.

پروفسور سیاف و مولوی صاحب محمّدنبی نزد او رفتند و از وی خواستند که از موشک‌باری کابل دست بردارد و برایش اطمینان دادند که تنظیم‌های مجاهدین به‌خاطر طرد کمونیستان و ملیشه‌ها از کابل با اِعمال زور برنامه‌ای را روی دست دارند و برایش روز اجرای این عمل را مشخص کردند و تنها یک چیز را از وی تقاضا کردند که از موشک‌باران کابل دست بردارد و وقتی که ملیشه‌ها شکست خوردند و یا تسلیم شدند، در پهلوی آنان قرار نگیرد و در روز تعیین‌شده برای تصفیۀ ملیشه‌ها و کمونیستان، آن روز در ماه اگست سال ۱۹۹۱ بود، ناگهان دیدیم که حکمتیار کابل را با بیشتر از

۱. منظور بوش پدر است. «مرکز تدوین»

۴۰۰ / چهارصد فیر راکت مورد حمله قرار می‌دهد.

پس دانستیم که حکمتیار اخراج ملیشه‌ها و یا تصفیۀ آنان را از کابل نمی‌خواهد تا اینکه حضور آنان دلیلی باشد در موشک‌باران کابل و حضور آنان دستاویزی باشد در دستش که به‌خاطر تحقق اهداف و مطامعش به آن بازی کند.

حکمتیار برنامه‌های ما را مبنی بر اخراج ملیشه‌ها از کابل چندین بار به ناکامی مواجه نمود تا اینکه اخیراً توانستیم آنان را از معظم بخش‌ها برانیم که تا آغاز درگیری‌های اخیر، از امنیت و استقرار برخوردار بود.

المجتمع: جنگ‌های اخیر چگونه آغاز یافت و آیا واقعاً می‌خواستند کودتایی انجام بدهند؟

پروفیسور ربّانی: جنگ‌های فعلی دنباله‌ای است از یک کودتای ناکام که همه دشمنان جهاد در آن گردهم آمده بودند و چندین بار به این منظور جلساتی در کشور همسایه که از بیکستان باشد، ترتیب دادند؛ ولی نمی‌دانیم که این با همکاری حکومت از بیکستان انجام یافته است و یا خیر؟!

بناءً ما از آن کشور می‌خواهیم که موقف خود را روشن سازد؛ زیرا که ما علاقه‌مند روابط با آن کشوریم. به فضل خداوند از قبل به عاقبت این توطیه آگاه بودیم که همایون جریر داماد حکمتیار با معاون دوستم، جنرال عبدالملک و نماینده‌ای از مجددی و شخص ببرک کارمل^۱ رئیس حزب

۱. ببرک کارمل: در سال ۱۳۰۸ هـ.ش، در روستای «آب‌کَمَری» کابل به دنیا آمد؛ اما از اصل و نسب او معلومات درستی در دست نیست؛ چون عده‌ای او را کاکړ و عده‌ای هم او را کشمیری‌ال‌أصل گفته‌اند. ببرک از آغاز جوانی به‌خاطر عقاید کمونیستی با مخالفت پدر و خانواده روبه‌رو شد. کارمل در جوانی شخص عیاش و بی‌بندوبار بود. او در سرآغاز جوانی پیرو اندیشه الحادی کمونیسم شد و به نسبت بی‌بندوباری‌های اخلاقی و انتخاب اندیشه کفری، از طرف «حسین خان» پدرش عاق شد. حسین خان پدر ببرک از او به‌عنوان شخص لجوج و بی‌بندوبار یاد کرده است. ببرک با وجود متأهل بودن، با «ناهیاتراتب‌زاد» همسر یکی از دوستانش روابط نامشروع داشت. او حدود سی سال قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، به استخدام «K.G.B» درآمده بود. نام مستعار ببرک در «K.G.B» «مارید» بوده است. ببرک در سال ۱۳۴۶ هـ.ش، حزب پرچم را تأسیس کرد و در راه توسعه و پخش اندیشه‌های «مارکسیزم-لنینیزم» تلاش‌های فراوانی انجام داد تا اینکه در کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.

کمونیست منحل و با دو نماینده از دو طرف دیگر با هم اجتماع نموده، متفقاً فیصله نمودند که روز کودتا اول جنوری سالروز تأسیس حزب کمونیست افغانستان باشد تا در این روز دوباره بازگشت کمونیزم^۱ را به افغانستان اعلان کنند.

طوری که حکمتیار در مارچ سال ۱۹۹۰ در وقتی که جهاد در گرم‌ترین حالاتش قرار داشت، به شهنواز تنی رهبر جناح خلق حزب کمونیست پیوست، یک‌بار دیگر در کنار کمونیستان و ملیشه‌ها قرار گرفت تا با عبور از سر اجساد و مجموعه‌های مجاهدین به قدرت برسد و جهاد و قربانی‌های این ملت را پایمال کند.

از قبل به تفصیل این کودتا آگاهی داشتیم و به فضل خداوند توانستیم آن را به ناکامی مواجه سازیم و جنگ‌های حاضر عبارت از دنباله‌های آن است و نظر به اینکه این منافقان و کمونیستان خود ثابت کردند که در سایه دولت اسلامی برای آنان امانی نیست؛ لذا بر ضد آنان از نو جهاد اعلان

ش، بعد از تریکی به‌عنوان فرد قدرتمندی مطرح گردید؛ اما دیری نگذشت که به اساس اختلافات ذات‌البینی در حزب، تحت نام سفیر به‌خارج از کشور تبعید و از آنجا هم از وظیفه‌اش سبک‌دوش گردیده و به مسکوفت تا اینکه در سال ۱۳۵۸ هـ.ش، به‌عنوان شاه‌شجاع دیگری، توسط روس‌ها به‌قدرت رسانیده شد تا اینکه در سال ۱۳۶۵ هـ.ش، روس‌ها نجیب را به‌عوض او برگزیدند. نگاه: اردو و سیاست، جنرال محمد نبی عظیمی، ص: ۳۲۱، تاریخ مسخ نمی‌شود، داکتر شیرشاه یوسفزی، ص: ۴۶ و «K.G.B در افغانستان، واسیلی متروخین، مترجم: داکتر حمید سیماب، (PDF)، ص: ۸، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲-۱۱۶. «مرکز تدوین»

۱. کمونیزم و یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده و آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغرای انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص: ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام» نوشته شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ.ش. «مرکز تدوین»

کردیم و جهاد را تا نابودی کامل آنان و همدستان‌شان به خواست خداوند متوقف نخواهیم ساخت.

المجتمع: در مورد این اتهام که دوستم و کمونیستان از ابتدا در پهلوی شما قرار داشتند و اینکه شما بودید که به آنان امان دادید و زمینهٔ کودتا کردن و ویران ساختن کابل را به وسیلهٔ آنان آماده کردید، چه پاسخ می‌دهید؟

پروفیسور ربّانی: من نبودم که به کمونیستان و ملیشه‌ها امان داده و یا آنان را عفو کردم؛ بلکه این کار را «شورای جهادی» به ریاست مجددی - کسی که در پی سقوط رژیم کابل امور دولت را در دست گرفت - انجام شد. او بود که در مورد تمام ملیشه‌ها و کمونیستان عفو عمومی اعلام کرد و مجددی که هم‌اکنون شریک این توطیه است، به این اکتفا نکرد و به اعطای مدال‌ها و ترفیعاتی به دوستم پرداخت و برای من شایسته نبود که بعد از آن بیایم و عفو و امانی را که مجددی قبل از من داده بود، نقض کنم. اکثر این‌ها توبهٔ خود را اعلان کرده بودند. همین‌طور اکثر آنان کمونیست نبودند و خود را فقط کارمند دولت به حساب می‌آوردند؛ ولی به هرصورت ما مراقب آنان بودیم و مجاهدان زیادی وظیفه داشتند که آنان را توجیه و ارشاد نمایند که بیشتر ایشان پاسخ مثبت می‌دادند، در حالی‌که برخی از آنان بر نفاق‌شان باقی ماندند و چون از نو دولتی می‌ساختیم، بناءً تلاش ورزیدیم تا فاصلهٔ دشمنی‌ها و کشمکش‌ها را تنگ بسازیم و سعی کنیم که همه مشکلات را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنیم، نه از راه جنگ، حتی وقتی از حکمتیار در طلب ریاست آشکارا ظاهر شد، موافقه نمودیم که مسئولیت نخست‌وزیری به وی داده شود، نه به‌خاطر آنکه او اهل این منصب است؛ بلکه به‌خاطر اینکه از شرش در امان مانیم و شدیداً بر احمدشاه مسعود فشار آوردیم که از وزارت دفاع حسب خواستهٔ حکمتیار و پافشاری‌اش تنازل کند تا از جنگ و درگیری‌ها اجتناب ورزیم و چهرهٔ مجاهدین در برابر جهان خوب معرفی گردد و ثمرهٔ جهاد را دشمنان اسلام نچینند و تا بتوانیم آبادی افغانستان را آغاز کنیم و احساس امنیت و آرامش را در میان مردم ایجاد کنیم، از همهٔ این‌ها ابا

ورزید؛ مگر از اصرار به استمرار ویرانی و ایتلاف بدون دلیل با کمونیستان به‌خاطر از بین بردن دستاوردهای این جهاد.

و زمانی که معلوم شد اینان واقعاً توبه نکرده‌اند، بناءً اکنون هراقدامی را برای صلح با اینان رد می‌کنیم و به جهاد به‌ضدشان ادامه خواهیم داد تا خداوند ما را بر آنان پیروزی بخشد، طوری که در اول ما را بر آنان پیروز کرده بود؛

لهذا ما به برادران مسلمان می‌گوییم که جهاد در افغانستان به پایان نرسیده است، بنابراین همکاری‌های خود را با برادران تان ادامه دهید.

المجتمع: انجینیر حکمتیار می‌گوید: از عوامل جنگش با شما این است که شما عملاً زمام قدرت را در کابل در دست نداشتید و کسانی که واقعاً قدرت را در دست داشتند، کمونیستان و ملیشه‌ها بودند و برای اثبات این گفته‌اش به جنرال باب‌ه جان مسئول امنیت کابل و جنرال بسم‌الله مسئول میدان هوایی بگرام استشهاد می‌کند؟

پروفیسور ربّانی: آنچه حکمتیار می‌گوید، جز ادعاهای کاذب نیست، اگر درست می‌گفت، باید کمونیستان در چند دقیقه بر کابل مسلط می‌شدند؛ بلکه نیازی به تسلط بر آن و دست زدن به کودتا نبود، اگر زمام امور طوری که حکمتیار می‌گوید، به‌دست‌شان بود؛ لیکن شکست کودتا، ادعاهای حکمتیار را در طول بیست ماه گذشته که شایعه می‌ساخت، قدرت در کابل در دست دوستم و کمونیست‌هاست تا چهره برادران مجاهدش را خدشه‌دار ساخته و آنان را در جهان بدنام نماید، تکذیب می‌کند و ادعا می‌نمود که حکومت ما بدون کمک دوستم و کمونیست‌ها نمی‌تواند یک ساعت مقاومت نماید؛ ولی اکنون به فضل خداوند بعد از آنکه کودتای آنان را شکست دادیم، قریب به یک ماه می‌شود که علیه آنان می‌جنگیم و ان شاء الله نابودشان خواهیم کرد؛ اما در رابطه با وجود بعضی از کمونیست‌های سابق و کارمندان رژیم گذشته در برخی از پُست‌ها، در مورد این‌ها که توبه‌شان را اعلان نموده بودند و بعضی از ایشان نشان دادند که اسلام را به خوبی

پذیرفته‌اند، چه کار کنیم؟ آیا از نیرو، تخصص و توانایی‌شان در برخی از وظایف در خدمت دولت نوپای اسلامی استفاده کنیم یا با آنان به دشمنی و جنگ پردازیم و از آنان شکاری بسازیم برای منافقان و بقایای کمونیستان؟! و با وجود آن یک‌تن از این‌ها در پُست‌های مهم دولتی نبودند و در دولت برخی از پُست‌هایی که از مجاهدین افراد متخصصی برای آن‌ها نیافتیم، از این افراد رژیم سابق که به مجاهدین اعلان وفاداری نمودند، استخدام کردیم و بیشتر این افراد هم‌اکنون در جنگ‌ها بر ضد کمونیست‌ها و ملیشه‌ها در پهلوی مجاهدین قرار دارند، ما مسئول بررسی قلب‌های مردم نیستیم و ارتش مسلمانان در طول تاریخ دشمنان فراوانی را در خود داشته است که بعد از جنگ‌هایی علیه مسلمانان، مسلمان شدند و در صف آنان قرار گرفتند که برخی از ایشان مجاهد و گروهی از آنان منافق بودند.

بناءً ادعائات حکمتیار منافی حقیقت است و در فرماندهی امنیت کابل هیچ فردی وجود ندارد که مورد اتهام باشد؛ اما پیلوت‌ها هیچ‌گاهی همه کمونیست نبودند؛ زیرا که کمونیست‌ها بعد از سقوط رژیم نجیب در کابل همه فرار نمودند و یا به دوستم پیوستند و آن‌هایی که گرایش کمونیستی نداشتند باقی ماندند و آن‌ها هم‌اکنون با دولت اسلامی کار می‌کنند و بر ضد کمونیست‌ها و ملیشه‌ها می‌جنگند.

با وجود آن تصمیم داریم که همهٔ ادارات دولتی را از وجود هرآنکه مورد اشتباه است، پاک‌سازی نماییم و آنچه ما می‌خواهیم این است که کارها از همه جوانب گرفته شود، نه از جانب واحدی.

المجتمع: حکمتیار می‌گوید، قبل از این، از طریق علما به شما صلح و آشتی را پیش کشیده است؛ ولی شما آن را رد می‌کنید؟

پروفیسور ربّانی: پروفیسور سیاف و مولوی صاحب محمدنبی و جمع بزرگی از علما نزد او رفتند و از وی خواستند که با کمونیست‌ها و ملیشه‌ها

ایتلاف ننماید؛ لیکن او نپذیرفت و اکنون که در به‌دست آوردن مقاصدش شکست خورده است، ادعا می‌نماید که خواستار صلح و آشتی است. من از قبل اعلان کرده‌ام و اکنون هم اعلان می‌نمایم که حاضریم با حزب اسلامی صلح کنیم؛ اما نه با حکمتیار - که با کمونیستان و دشمنان جهاد ایتلاف کرده است - تا دستاوردهای جهاد ملت مسلمان افغانستان را نابود سازد.

المجتمع: آیا این به معنای این آن است که شما مصالحه با حکمتیار را نمی‌پذیرید؟

پروفیسور ربّانی: بعد از این دیگر شایسته آن نیست که با وی به‌عنوان مجاهد معامله کنیم و از اعضای حزب اسلامی خواسته‌ایم که رهبری جدیدی انتخاب کنند، چون این آدم دیگر شایستگی آن را ندارد که رهبر گروه اسلامی‌ای را به عهده داشته باشد؛ زیرا که خواسته‌های شخصی‌اش او را از رعایت مصالح بزرگ مسلمانان باز می‌دارد.

در طول سال‌های جهاد به مسلمانان می‌گفتم که او با جهاد بیگانه است؛ ولی کسی نمی‌پذیرفت، اکنون چهره‌اش نزد همگان برملا شده است، طوری که افراد زیادی از شورای حزب اسلامی و تعداد فراوانی از مجاهدین آن، او را ترک کرده‌اند و اکنون حکمتیار مُمَثِّل حزب اسلامی نیست؛ بلکه او به‌عنوان فرماندهی از فرماندهان دوستم درآمده است.

المجتمع: آیا این به آن معنی است که نیروهایی از حکمتیار به شما پیوسته‌اند؟

پروفیسور ربّانی: بلی، فرماندهان زیادی مربوط به حکمتیار از جنگ با برادران‌شان سر باز زدند و برخی از آنان با ما پیوستند و عده‌ای از سهم‌گرفتن در جنگ‌ها خودداری ورزیدند و هر روز فرماندهان جدیدی حکمتیار را ترک می‌گویند و مسئله به اینجا رسیده است که فرماندهان مهمی از حزب اسلامی او را محکوم کردند و آخرشان معاونش قاضی محمدامین وقاد است که جنگ حکمتیار علیه مجاهدین را محکوم نمود و عده‌ی زیادی از

آنان مثل منشی عبدالمجید به دولت پیوستند و برخی دیگر بی طرفی خود را اعلان کردند.

المجتمع: موقف وزرا و علما در باره این حوادث چگونه است؟
پروفیسور ربّانی: اکنون وزرا تحت رهبری دولت می‌باشند و از حکمتیار خواستند که برائتش را از کمونیست‌ها اعلان دارد و در این باره چندین اعلامیه صادر نموده‌اند، همچنان علما به فرضیت استمرار جهاد علیه کمونیست‌ها و ملیشه‌ها تا نابودی آنان و حرمت سازش با آن‌ها فتوایی صادر کرده‌اند و رهبران سازمان‌های اسلامی مانند استاد سیاف، مولوی محمد یونس خالص و مولوی محمد نبی محمدی با ما در جهاد سهم دارند و طوری که قبلاً تذکر دادم، عده‌ای زیادی از طرفداران حکمتیار او را ترک کردند و اکنون غیر از دزدان و قطاع‌الطریقان و بعضی از فرماندهانی که از او بیم دارند، دیگر کسی با او نمانده است.

المجتمع: وضعیت قصر ریاست جمهوری اکنون چگونه است؟ آیا راستی طوری که حکمتیار می‌گوید، اکنون شما در فاصله پنج‌ه کیلومتری به دور از کابل قرار دارید؟

پروفیسور ربّانی: من هم اکنون با شما از قلب کابل صحبت می‌نمایم و از شروع جنگ‌ها کابل را تا هنوز ترک نکرده‌ام؛ اما قصر ریاست جمهوری را بعد از آنکه هدف مستقیم طیارات دوستم و توپخانه و موشک‌های حکمتیار قرار گرفت، ترک نمودم و من اکنون در نقطه مشخصی قرار ندارم و در نقاط مختلف کابل حرکت می‌کنم تا هدف کمونیست‌ها واقع نشود و وظایفم را مانند برگزاری مجالس و دیدارها انجام می‌دهم، مجلس وزرا با استمرار دایر می‌شود و رادیو تلویزیون به کارش ادامه می‌دهد و شاید این امر حکمتیار را به جنون واداشته باشد که بعد از ناکامی کودتایی که امیدوار بود به واسطه آن و با عبور از روی اجساد مجاهدین و جمجمه‌های ملت مسلمان افغانستان به کرسی ریاست تکیه زند، هذیان گوید.

در اینجا می‌خواهم مسلمانان و علاقه‌مندان جهادمان را اطمینان

دهم که دولت اسلامی در افغانستان استوار بوده و اهداف کمونیست‌ها و ملیشه‌ها و حکمتیار نقش بر آب گردیده است و به یاری و حفظ و تأیید خداوند مجاهدین برنامه‌های حکمتیار و کمونیست‌ها را خنثی نمودند.

المجتمع: لیکن حکمتیار می‌گوید که جنگ تا استعفای بدون قید و شرط ربّانی از ریاست دولت ادامه خواهد داشت؟

پروفیسور ربّانی: این هدف حکمتیار عین هدف کمونیست‌هاست، هدف اساسی او بی‌ثباتی کشور و عدم وجود رهبری در آن است تا دست‌یافتن به کلید قدرت برای‌شان در سایه غیاب رهبری از صحنه امور کشور، بعد از شکست تلاش‌ها و توطیه‌های‌شان آسان گردد. چگونه خواسته حکمتیار و کمونیست‌ها را بپذیریم و سرنوشت کشور را در اختیار آنان قرار دهیم و قدرت سیاسی را دوباره به آنان باز گردانیم! با وجود آن من کوچک‌ترین اصراری به بقایم در قدرت ندارم و اگر شورای اهل حل و عقدی که مرا برگزیده است، مرا عزل نماید. من حاضر می‌پذیرم؛ اما اکنون قبول خواسته کمونیست‌ها به امانتی که من حمل نموده‌ام، خیانت تلقی می‌گردد و شورای حل و عقد را در نزدیک‌ترین وقت فرا خواهیم خواند تا آنچه را به نفع ملت مسلمان افغانستان می‌بیند، تصمیم بگیرد.

المجتمع: با استمرار خون‌ریزی و ویرانی کاملی که بر پایتخت کابل سایه افکنده است؛ راه برون‌رفت از این مشکل را با آنکه هیچ طرفی قادر نیست جنگ را به نفع خود خاتمه بخشد، چگونه تصوّر می‌نمایید؟

پروفیسور ربّانی: ان شاء الله جنگ به نفع مجاهدین پایان خواهد یافت و قضیه چندان دوام نخواهد کرد با وجود آن ما نمی‌خواهیم جنگ بیشتر از این دوام کند، از ملیشه‌ها خواستیم که تسلیم شوند و به افراد حزب اسلامی پیشنهاد آشتی و مصالحه کردیم، با در نظر داشت این امر تا مادامی که کمونیست‌ها در این کشور موجودیت دارند، این سرزمین از استقرار و امنیت بهره‌مند نخواهد شد؛ بنابراین، آنان را تا قلع و قمع نهایی دنبال خواهیم کرد.

المجتمع: پس وضعیت کنونی در کابل از چه قرار است و جنگ‌ها به

کجا می‌رود؟

پروفیسور ربّانی: مشکل کابل، مشکل مردم عادی آن است. چون حکمتیار و دوستم مردم عادی آن را با موشک و طیاره مورد حمله قرار می‌دهند و مناطق مسکونی، مساجد و غیره را خراب می‌کنند تا این عمل به شمار قربانی‌ها و ایجاد وحشت و بیم در میان مردم بیفزاید تا شود آنان برضد ما بشورند و حکمتیار کابل را از چهارآسیاب که در چهل کیلومتری جنوب کابل قرار دارد، مورد موشکباری قرار می‌دهد و ما افراد آنان را از داخل کابل تصفیّه نمودیم و اکنون غیر از دو تپّه مشرف بر کابل بالای حصار و تپّه نادرخان - که مراکز مستحکم آنان به شمار می‌رود - در جای دیگری وجود ندارند و تصفیّه این پایگاه‌ها به وقت بیشتر و قربانی‌های زیاده‌تری نیازمند است؛ ولی ما پافشاری می‌نماییم که آنان تسلیم شوند. ویرانی وسیعی که به کابل وارد شده است، به واسطهٔ موشک‌های حکمتیار و طیارات دوستم بوده است.

المجتمع: آیا از سخن شما فهمیده می‌شود که جنگ تا پیروزی یک طرف به طرف دیگر، ادامه خواهد داشت؟

پروفیسور ربّانی: هدف ما استمرار جنگ نیست؛ ولی می‌خواهیم مشکل را با افراد حزب اسلامی از راه صلح و آشتی حل نماییم؛ اما با ملیشه‌ها دوراه در پیش داریم: یا تسلیم شوند و یا تا نابودی آن علیه‌شان می‌جنگیم.

المجتمع: نیروهای شما در مقایسه با نیروهای دوستم هم‌اکنون در چه پیمانه قرار دارند؟ شمار طیاراتی که در اختیار او قرار دارد چقدر است؟ و در طول ماه‌های گذشته چرا این طیارات را در تصرف او گذاشتید و آن‌ها را به نیروهای مجاهدین منضم نمودید؟

پروفیسور ربّانی: زمانی که رژیم کمونیستی سقوط کرد، چند میدان هوایی بزرگ در افغانستان وجود داشت و در همهٔ آن‌ها طیاراتی موجود بود، فرودگاه شیندند در غرب افغانستان و فرودگاه مزارشریف در شمال و فرودگاه

قندهار و فرودگاه بگرام در شمال کابل، در همه این فرودگاه‌ها طیاراتی وجود داشت و در بعضی از آن‌ها شمار بزرگی از طیارات بود و در برخی از آن‌ها تنها دو طیاره وجود داشت، مثل فرودگاه جلال‌آباد، در ابتدا گفتیم که این طیارات در فرودگاه‌های خودشان بمانند، چون این فرودگاه‌ها همه در اختیار دولت اسلامی قرار گرفت و می‌دانید که اتحاد شوروی سابق^۱ شمار زیادی از طیارات و مهمات و موشک‌ها را وارد افغانستان نموده بود، بناءً زمانی که این بغاوت اخیر رخ داد، این‌ها توانستند که طیارات در اختیار داشته خود را در بمباردمان کابل استعمال نمایند و قبل از کودتا وقتی حکمتیار تهدیدمان می‌کرد که کابل را بمباردمان می‌نماید، تعجب می‌کردیم، چون می‌دانستیم او طیاره‌ای در اختیار ندارد؛ ولی او در ارتباط محکمی با کمونیستان بوده که در توطئه اخیر آشکار گردید و همچنان ما تا هنوز ارتش اسلامی را تشکیل ننموده بودیم و آن در مرحله شکل‌گیری قرار داشت و رابطه خود را با ملیشه‌ها و بقایای کمونیست‌ها حالتی از مصالحه می‌دانستیم؛ ولی هیچ فرصتی برای شکل دادن به ارتش نیافتیم، چون حکمتیار در طول بیست ماه گذشته پیوسته از بیم پای‌گیری یک دولت اسلامی قوی که مانع به‌دست آوردن خواسته‌هایش شود، آنچه را می‌ساختیم نابود می‌کرد و همچنان روی ملحوظات فراوانی که به ساختار دولت و هواداران ما و منافقان و توطیه‌گران مربوط می‌گردد، نتوانستیم طیارات را از فرودگاه‌های دیگر به فرودگاه بگرام نقل دهیم، وزارت دفاع برنامه‌ای را به‌خاطر انجام این امر آماده کرده بود که کودتای ناکام و دسایس موجود مانع از آن گردید.

۱. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی: کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م، تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. برای آگاهی بیشتر در مورد، نگاه کنید: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی سی‌ونهم با

تیم مطبوعاتی نمایندگی جمعیت اسلامی افغانستان در آلمان
تاریخ نشر جریده فتح: ص: ۵، چهارشنبه، دهم جوزا ۱۳۷۴ هـ ش -
مطابق ۳۱ می ۱۹۹۵ م.



یادداشت اداره مجله فتح:

اخیراً استاد برهان الدین ربّانی رئیس جمهور کشورمان، در کابل، طی مصاحبه اختصاصی با تیم مطبوعاتی نمایندگی جمعیت اسلامی افغانستان در آلمان^۱ به تفصیل روی قضایای مختلف کشور صحبت به عمل آورده است که اینک متن آن را جهت اطلاع مزید خوانندگان به نشر می سپاریم.

سوال کننده: با اظهار تشکر و سپاسگزاری، لطف فرموده نظر دولت اسلامی افغانستان را در رابطه با ایجاد پروسه صلح و فعالیت هایی که در این زمینه جریان دارد، تشریح نمایید؟

استاد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * سیاست و پالیسی همیشگی دولت اسلامی در رابطه با وحدت ملی و سهم گیری همه نیروها در سرنوشت سیاسی کشور، از آغاز تا امروز این بوده که باید تمام نیروها از طریق تفاهم مسایل را مطرح بکنند و ما تمام قضایای ملی و همه مشکلات کشوری خود را از طریق تفاهم و مذاکرات حل بکنیم و فضای امن و صلح در کشورمان حاکم شود.

در این اواخر - البته طوری که شما در جریان اید - برنامه ای را که آقای

۱. جمهوری فدرال آلمان: کشوری در قاره اروپاست. مساحت آن ۳۵۷۰۲۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۸۱۶۴۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن یورو، زبان رسمی آن آلمانی و پایتخت آن شهر «برلین» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

مستری روی دست داشتند و دولت اسلامی هم از آغاز با پلان ملل متحد اعلان همکاری داشت، نماینده ملل متحد وقتی که به کابل آمد، دولت اسلامی از او خواست که برنامه خود را تقدیم بکند که دو نوع پروگرام از طریق ملل متحد مطرح شد: یکی اینکه در آغاز پروگرامی را مطرح کرد که نماینده‌های احزاب سیاسی همراه با یک تعداد از شخصیت‌ها از خارج افغانستان یک شورایی را تشکیل بدهند که این پروگرام از طرف دولت اسلامی کاملاً مورد قبول قرار گرفت؛ اما مشکلاتی که نماینده ملل متحد داشت نتوانست که این برنامه خود را پیاده کند، بار دیگر برنامه خود را عوض کرد و پیشنهاد کرد که این بار نماینده‌هایی از ولایات خواسته شود با اضافه یک تعداد افراد از خارج کشور و یک شورایی را تشکیل بدهند و انتقال قدرت به این شوری صورت بگیرد، دولت اسلامی با این طرح هم همکاری خود را اعلام داشت؛ اما در هر دو بار مشکل این بود که یا برنامه به صورت دقیق بررسی نشده بود و یا اینکه حوادث اخیر یا قضایای دیگر باعث این شد که پروگرام عملی نشود.

فعلاً جریان طوری است که هر چند تحولاتی به نفع صلح و امنیت و به نفع مردم افغانستان در این اواخر به میان آمده است و فعلاً در کابل امنیت قایم است و در ولایات دیگر هم روز به روز امنیت استحکام پیدا می‌کند؛ اما با وجود این هم ما از گروه‌هایی که به خاطر هماهنگی هر چه بیشتر نیروها در داخل کشور تلاش‌هایی داشتند و دارند، استقبال می‌کنیم.

اگرچه حرکت اسلامی به حیث یک طرف در دولت سهم دارد، آقای آیت‌الله محسنی آمدند که ما خواهان اینیم که یک سلسله تلاش‌هایی را به راه بیندازیم تا کسانی که فعلاً به حیث اپوزیسیون هستند، آن‌ها را بیاورند و یک فضای صلح و تفاهم به میان بیاید؛ ولی تا هنوز برنامه دقیق در این رابطه از طرف آیت‌الله محسنی مطرح نشده است و به عین شکل آقای گیلانی خواسته بود که آن‌ها به کابل بیایند، البته بار دوم است که به کابل می‌آیند، ما با او هم صحبت‌هایی داشتیم، آن‌ها هم خواهان یک نوع تفاهم و صلح‌اند.

به هر حال ما برای شان این مطلب را گفتیم که هر برنامه‌ای که به نفع صلح و امنیت در کشور و به نفع مردم باشد، از طرف ما مورد پذیرش و استقبال قرار می‌گیرد و ما با آن همکاری می‌کنیم. البته یک برنامه دقیق و پروگرامی که این‌ها باید داشته باشند تا هنوز مطرح نشده تا دیده شود که چه برنامه و پروگرامی را این‌ها می‌خواهند مطرح بکنند تا جایی که به دولت اسلامی ارتباط دارد باز هم ما تأکید می‌کنیم که هر تلاشی که به نفع صلح و به نفع مردم بوده باشد، از آن پشتیبانی و حمایت می‌کنیم.

سوال‌کننده: به نظر شما علت شکست کوشش‌های صلح در گذشته چه بوده و چه خوش‌بینی‌هایی برای دوستان ایجاد شده که آن‌ها باز هم در راه صلح کوشش می‌کنند؟

استاد: البته تا جایی که به گذشته ارتباط دارد، من زیاد روی آن تأکید نمی‌کنم؛ اما واقعیت این است که معمولاً «اپوزیسیون» در گذشته‌ها هم به تلاش‌های صلح ارزش زیادی نمی‌دادند و ناگفته نگذاریم که هیئت‌های صلح هم برنامه‌های شان بسیار عملی و جدی مطرح نمی‌شد، به همین اساس بود که کارها در نیمه‌راه می‌ماند.

من به این عقیده‌ام و به بعضی از این دوستان هم این مطلب را تأکید کردم که از نظر اسلامی معمولاً گروه‌هایی که به خاطر صلح تلاش می‌کنند، برنامه‌شان به کلی مشخص است. اول اینکه مصالحه و ایجاد صلح یکی از مسئولیت‌ها و وجایب مسلمانان است که وقتی نزاع در بین گروه‌های مسلمان و افراد مسلمان در بگیرد، باید صلح به میان بیاید، افراد و گروه‌هایی به عنوان مصلح تلاش بکنند؛ اما اینکه این تلاش‌ها و نحوه کارشان به چه شکل ادامه پیدا بکند، کاملاً مشخص است، چون اگر اصلاح‌گران وقتی در برابر یک طرف متنازع جنگ، به یک موضع کاملاً غیرشرعی بر می‌خورند، اینکه ایشان چه موضعی را باید انتخاب کنند، اسلام این مسئله را فیصله کرده است که وقتی دو طرف میان هم کشمکش می‌کنند، هیئت‌های صلح و مسلمانان باید دست به صلح بزنند؛ اما اگر ببینند که یک طرف پابند

روش‌های اسلامی نیست، به شریعت تن نمی‌دهد، دیگر گروه‌ها نباید به نام بی‌طرف باقی بمانند؛ بلکه باید در طرفی بایستند که آن طرف پابند احکام شریعت و پابند ارزش‌های اسلامی است.

حالا این ارتباط می‌گیرد به هیئت صلح که باید این‌ها همین قواعد و اصول اسلامی‌ای که بسیار روشن است و ضرورت به ابهام‌زدایی هم ندارد، ببینند که چه گروهی و یا از این دو جناح کدام یکی از این‌ها واقعاً خواهان صلح می‌باشند و خواهان تطبیق احکام الهی‌اند و جنگ را نمی‌خواهند.

مشکل در گذشته هم در همین نقطه خلاصه می‌شد که گروه‌های صلح وقتی که با دروازه‌های بسته روبه‌رو می‌شدند و با مخالفت مواجه می‌گردیدند و اطرافی که نمی‌خواستند که احکام اسلامی را بالای خودشان بقبولانند و سرپیچی می‌کردند، در آن وقت باز هم این‌ها به عنوان بی‌طرف باقی می‌ماندند و این چیزی بود که تمام حرکت‌های صلح را به ناکامی مواجه می‌ساخت و اگر این دستور قرآن عملی می‌شد که می‌گوید:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ...»^۱

ما امروز با این مشکل مواجه نبودیم.

ببینیم که قرآن کریم فیصله می‌کند: وقتی کشمکش و جنگی در بین دو گروهی از مؤمنان به میان می‌آید، شما به صلح دست بزنید، اگر می‌بینید که یک طرف باز هم سرکشی و بغاوت می‌کند، شما در برابر سرکش بی‌طرف نباشید و کوشش کنید به زور او را به جاده راست و مستقیم بیاورید.

به هر حال، ما از مصلحین در گذشته نخواستیم بودیم که در پهلوی دولت

۱. حجرات / ۹. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (و اگر دو طایفه‌ای از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند، بجنگید تا به فرمان الله باز گردد. پس اگر بازگشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که الله دادگران را دوست می‌دارد.) «مرکز تدوین»

بایستند و در سنگر جنگ قرار بگیرند؛ اما من همیشه خواسته‌ام که ما باید قضاوت عادلانه داشته باشیم و حق را باید بگوییم.

متأسفانه در گذشته‌ها هم به همین ترتیب این موضع‌گیری‌ها واضح نبود. موضع‌گیری مولوی صاحب محمدنبی همین گونه بوده است و البته ما در مورد او هیچ قضاوتی هم نداشتیم؛ زیرا او در طول عمر و زندگی‌اش یک قضاوتی داشته باشد که حق را حق بگوید و باطل را باطل، چنین چیزی را نداشته است.

در حالی که به‌نام رئیس هیئت صلح یکی وقتی آمده بود [کابل]؛ ولی تعجب این بود که با آمدن او یک شورای دیگری در هرات تشکیل شده و حتی مسئولیت اداره کمیسیونی را گرفته بود که همان کمیسیون را هم به کلی منحل ساختند.

به هر حال، ما در قسمت هیئت‌های صلح علاقه داریم که تلاش‌های‌شان ادامه پیدا بکند؛ اما اینکه این‌ها به کدام جا می‌رسند و چه نتیجه‌ای به دست می‌آورند، به خودشان و به تصمیم‌شان مربوط است.

من فکر می‌کنم «حرکت اسلامی» که موضعش همیشه خوب بوده، بتواند یک قدم سازنده‌ای را بردارد.

پوښتنه: محترم جمهور رئیس ددغو کوششونو او هلو ځلو په څنګ کې پرون مونږ د هغه هیئت له مشر سره چې د مشرقی ولایاتو څخه راغلی و هم خبری وکړی او هم مو د محسنی صاحب سره خبری وکړي، چې دوی دواړه جدا له یو بل څخه د سولې په لاره کښی هلی ځلی کوی نو اوس پوښتنه داده چې آیا د دوی خپله پروګرام هم سره توپیر لری او تاسو دواړو ته صلاحیتونه ورکړی دی چې دوی نظریې څنګه سره کولای شی یوه طرح جوړه کړی؟

ځواب: هیچاته داسی خاص صلاحیت ورکول شوی نده دواړه هیتونه چې راغلی اعلان یې کړی چې مونږ غواړو د سولې

په اړه هلی ځلی وکړو. دواړو ته ویل شوی دی چې د دولت لخوا هیڅ مانع نشته تاسو کولای شئ چې خپل کار ته دوام ورکړئ د مشرقی هیئت په متعلق دوی هم دلته راغلل ما دوی ته وویل چې تر اوسه پوری دولت سره داسی خاص پروگرام نشته، ولی مونږ سره احزاب او نور گروپونه شته دی چې دوی سره به دا خبری وکړو خپل مشترک پروگرام د دولت لخوا په راتلونکې کې مونږ تاسو ته درکړو، چې مونږ دریځ او نظر څه شئ دی، اما تاسو کولای شئ چې لارښی خبری وکړئ، اما داسی کوم صلاحیت لکه چې پخوا دا خبری وی چې واک اخیستل دی. دا واک اخیستل عملی خبره نده دا لدی کبله کوم صلاحیت نشته، صلاحیت دادی چې سوله رعایت شئ، پخوانه زمونږ همیشنی استراتژی او همیشنی پالسی همدا ده. دوی ته مونږ ویلی دی چې تاسی کولای شئ د سولی په اړه خپل نظریات وړاندی کړئ او هلی ځلی ولری زمونږ لخوا ډاډمن اوسئ چې مونږ دغو هلو ځلو سره متفق یو او مرسته ورسره کوو.

البته د دواړه هیئتونو په مینځ کې هماهنگی نشته که څه هم ما د مشرقی هیئت ته دا توصیه وکړه چې دلته د محسنی صاحب لخوا، د پیر صاحب گیلانی لخوا داسی یوه خبره او داسی هلی ځلی کوی که تاسو خپل کار مشترک کړئ خو د دوی نظر دا وه چې مونږ خپل کار بیل شروع کړئ او بیل یی پر مخ بیایو.

تر اوسه پوری داسی یو ګډ ټکي د دغو دواړو هیئتونو ترمنځ نشته او یواځی مشترک ټکي دادی چې دواړو هیئتونه د سولی هیئتونه دی، اما د دوی پروگرام څه شئ دی؟
دا کاری ندی کړی، د مشرقی هیئت ته ما په څرګنده وویل: چې یو ځل تاسو فکر وکړئ چې تر اوسه پوری تاسی په

قضایا ووکې جدی نه یاست، درې کاله دلته گروپونه راغلل د همدې شرقی ولایتونه د جنگ لپاره ما دوی ته وویل چې تاسو یوه ورځ هم ونه ویل چې آیا دا گروپونه، دا ټانکونه، د جشن لپاره ځی، کابل خو وران شوی دی همدغه قوماندانان وو چې په جنگ کې برخه درلوده یوځل تاسو دا خبره ونکړه بله خبره دوی وویل چې که سوله ټینګه نشی نو دا بهرنی لاسوهنه ده ما وویل چې دا ډیره بڼه خبره ده تاسو یوځل ځان نه پوښتنه وکړې کوم لوری د بهرنی لاسوهنی لپاره زمینه مساعد کړیده، کوم لوری د خارجیانو په لاس کې لویدلی او خارجیان یې ددی ملک، جهاد او اسلام پر خلاف استعمالوی، هغه تاسی تشخیص کړې چې دا کوم گروپ، کوم اشخاص دی حتی ما دا خبره وکړه چې اوس د ډیر افسوس خبره داده چې د افغانستان په شمال کې چې کوم بمبارد و شوه تاسو قوماندانانو لخوا د دغه عمل پر خلاف هیڅ کوم عکس العمل ونه ښودل شو، حتی ځینی ځانونه د شوری تفاهم په نوم، د دوی یو ځاین ددی بمباری استقبال وکړ او ویی ویل چې روسان حق لری بمبارد وکړی، اما تاسو لخوا داسی عکس العمل ونه ښودل شو چې تاسو ولی داسی خبره کوی داسی یو ځاین خبره کوی په ملک باندی د یو بهرنی ځواک بمبارد کپړی بیا هم داسی کسان شته چې شاید کله د تاسو سره تګ او راتګ هم ولری خو تاسو د دوی په مقابل کې څه ونه ویل. همدغسی تر اوسه پوری تاسو د تورخم او کابل د لاری په خلاصولو او پرانیستلو کې جدی کار ندی کړی، کله چې تاسی راځی د همدی ولایت یاست په طیاره کې راځی او په طیاره کې ځی، خو تاسو دومره کار ونشو کولای خو دا ډیره د شرم خبره ده.

پوښتنه: د دولت لخوا مستقل ارتباطات له مخالفینو سره

شته پرتله لدغو هلوځلو نه چې د دغو ډلو لخوا کپږی؟
 ځواب: هو! دولت مخالفینو سره ارتباط لری زمونږ غوښتنه
 هم داده چې یا مستقیم یا د هیئتونو په وسیله مخالفینو سره
 ارتباط ولرو. ددې لپاره کوم مخالفت چې دوی پخپل مینځ کې
 سره په صفا کې حل کړو لدی کبله حزب اسلامی سره هیئتونه
 زمونږ تبادله شوی دی او همداسی د طالبانو او زمونږ ترمنځ څه
 خبری سره روانی دی د شمال په متعلق مونږ غواړو چې خبری
 اتري وشي او څه خبری اتري هم شوی دی.

په هر حال زمونږ غوښتنه داده چې ټول لوری او ټول هغه
 کسان چې مخالفین دی او اپوزیسیون دی، د دوی او دولت
 ترمنځ ټولی خبری باید د خبرو او تفاهم له لاری حل شی.

سوال‌کننده: گزارش‌هایی در دست هست که دولت اسلامی به سلسله
 آغاز مذاکره با مخالفین هیئت‌ی را برای صحبت با جنرال دوستم تعیین کرده
 است، در حالی که پس از بغاوت ملیشه‌ها در ۱۱ جدی سال گذشته، توسط
 دولت اسلامی علیه ملیشه‌ها اعلام جهاد شده بود، آیا مذاکره با دوستم
 اعلام جهاد را نقض نمی‌کند؟

استاد: البته اعلام جهاد در برابر عناصر باغی یک امر شرعی است؛
 اما متارکه جنگ هم یک امر شرعی دیگری است. وقتی که احساس صلح و
 احساس تفاهم در مابین بوده باشد و جانب مقابل آماده به صلح بوده باشد،
 دولت اسلامی و مسلمانان در برابر مشرکین و در برابر مخالفین مکلفیت
 دارند که به پیام صلح جواب مثبت بدهند، این به کلی یک امر شرعی است.
 در این اواخر ما می‌بینیم که علاقه‌مندی به صلح، ترک جنگ و تفاهم
 از طرف شمال دیده می‌شود و در عین حال، «دولت» هیچ‌وقت جنگ را
 برای جنگ نخواسته است. ما اعلان جهاد را به خاطر این نکرده بودیم که
 جنگ برای همیشه ادامه پیدا بکند؛ بلکه به خاطر این بود که فتنه و فساد
 از بین برود. اگر فتنه و بغاوت از راه مفاهمه از بین برود؛ پس ما این را

مسئولیت اسلامی خود می‌دانیم که جنگ متوقف شود، صلح به میان بیاید و همه قضایا، به جای اینکه از راه جنگ حل شود و جنگ ادامه پیدا کند، از راه صلح، تفاهم و مذاکره حل شود.

به این اساس، نظر به همین حکم شرعی و اسلامی بعد از اینکه احساس صلح‌خواهی و تقاضای تفاهم از طرف جانب مقابل دیده شد، کار خود را آغاز کردیم، البته ما منتظریم که نتیجه به کجا می‌انجامد.

در گذشته دولت هرگز آغازگر جنگ نبوده، جنگ را دیگران آغاز کرده‌اند و دولت غرض ادای مسئولیت و دفاع از استقلال و مردم و به خاطر ادای وجبۀ شرعی خود، مجبور شده است که دست به سلاح ببرد و هروقت که دست صلح به‌سوی ما دراز شده است، ما جواب مثبت داده‌ایم.

سوال‌کننده: ترکیب جنبش شمال، عقاید و عملکردهای گذشته و فعلی‌شان و همچنان حرکتی که آن‌ها به‌نام صلح‌خواهی فعلاً ایجاد کرده، وقتی به وجود آمد که دوستم دید که مزاری کشته شده و نیرویش مضمحل شده و آقای حکمتیار از کابل فرار کرد و به شکست عمیق سیاسی و نظامی مواجه شد. امروز دوستم اگر همچو حرکت‌هایی را به وجود می‌آورد، به‌خاطر این است که متوجه شده که تنها مانده؛ ولی اگر من حیث یک‌طرف با او مفاهمه صورت می‌گیرد، آیا ارزش‌های جهاد اسلامی فدای همچون صلح‌خواهی‌ها نخواهد گردید؟

استاد: هیچ‌وقت دولت، آرمان‌های اسلامی و اهداف والای انقلاب اسلامی و جهاد اسلامی را قربانی هیچ‌نوع تفاهم نمی‌سازد. در تفاهم و هر مفاهمه مسئله‌ای که مورد بحث ماست، ترک مخاصمه و جنگ و وادار ساختن تمام اطراف به اینکه به شریعت اسلام و اهداف اسلام و جهاد تن بدهند، وحدت ملی به وجود آمده و حکومت اسلامی مستحکم شود، ویرانی‌ها و کشمکش‌های خونین به میان نیاید.

این‌ها ارزش‌هایی است که همیشه مورد نظر بوده و است و در هیچ مذاکره و تفاهمی و در هیچ مرحله‌ای، از اهداف اسلامی و جهادی و

مصالح ملي و اسلامي، دولت هرگز عقب‌گرد نکرده و نمی‌کند. بین مفاهمه و ایجاد فضای صلح و اینکه چه مطالبی در دوران مذاکرات مطرح می‌شود، فرق است. دولت در هر مذاکره‌ای بر تطبیق ارزش‌های اسلامی تأکید دارد، ما در هر مورد تأکید داریم که آرمان ملت مجاهد افغان باید تحقق یابد.

پوښتنه: د دغه تفاهم مقصد د دوستم د قواوو منحل کېدل دی او که هغه د دولت په چوکاټ کې راوستل شي او یا دا چې دا فقط د اوربند معنی لری؟

ځواب: مقصد دا ندی چې د هغه نظامي تشکيلات په خپل حال کې پاتې شي، مقصد د دغو هلوځلونه، دا دي چې يو مرکزي حکومت منځ ته راشي، جلا جلا اداري تشکيلات له منځه ځي او يو مرکزي قدرت منځ ته راځي او اسلامي ارزښتونه په ټولو ولاياتو په ټولو گروپونو تطبيق او تنفيذ کېږي. قصد دا ندی چې يو عبوري تفاهم يا عبوري سوله وي، بلکې مقصد دا دي چې په ملک کې يو اسلامي نظام په تمام معنی قايم شي. دا زموږ پخوانی هدف وو او اوس هم په همدې لاره کې هلې ځلې کوو چې په ملک کې مرکزي اردو منځ ته راشي او جلا جلا قوتونه له منځه لاړ شي.

پوښتنه: طالبانو په اړه دا سوال پيدا کېږي، کله چې د دوي تحريک منځ ته راغی هغه زياتره د دولت لخوا ملاتړ ورسره وشو اما کله چې دوی کابل ته ورسيدل د دولت سره خپل مخالفت اعلان کړ تاسو په دې ارتباط څه وایاست؟

ځواب: يقيني خبره داده چې د دولت همکاري او مرسته هغه مجاهدينو چې د قندهار نه دلته ددې حرکت نه مخکې راغلل البته د دوی په ډله کې د طالبانو حرکت يو تعداد کسان په کښې و. دوی کله چې راغلل ښه پيشنهادونه او وړاندیزونه يې درلودل، د دوی خواست دا و چې دولت موږ سره د دې بې

نظمی او پاتکونو، د قندهار د روانی وضعی په اړه مونږ سره مرسته وکړې او همدغسی په قندهار کښی د امن په قراری کښی کومی هلی ځلی چې لرو مونږ سره اسلامی دولت مرسته او تعاون وکړی مونږ دی غوښتنی ته لیبک ووايه ورسره مرسته وکړه البته زما قوماندانانو هم دوی سره مرسته وکړه البته دا د اسلامی دولت وظیفه ده چې د هر امر بالمعروف و نهی عن المنکر په هکله هری ډلی او هر فرد چې په هر ځای کښی هلی ځلی وکړی دوی سره تفاهم او مرسته وکړی په هغه دوران کښی مونږ خپل نظر د طالبانو په اړه اعلان کړ دا خبره موهم وکړ، چې تر اوسه پوری چې تر ځایه مونږ ته معلومه ده د طالبانو هلی ځلی یو دا ځلی ښه لری لیکن زه یریریم چې خارجی خلک پدې کښی لاس وهنه وکړی او منحرف یې کړی له دی کبله ما اعلان وکړ چې زما غوښتنه د ټولو طالبانو نه داده چې دوی کوم خارجی طاقتونو پوری ځان ونه تری او همدغسی غزنی کې د مجاهدینو دولت ورسره مرسته وکړه، بیا کله چې دوی لږ قوت پیدا کړ، په همدی دوران کې د قندهار د حرکت نه بعد د دوی په منځ کې یو تعداد کسان داخل شول او پروگرام دغسی تنظیم شو چې هغه اهدافو چې دوی درلود بالکل یې منحرف کړی هغه کسانو چې اسلام او هیواد سره ناپاک اهداف درلودل د دوی د رهبری په سطح او د دوی په منځ کښی داخل شول مونږ بیا هم دوی ته پیغام واستوه چې تاسو کوشش وکړی چې نور جنگونه پېښ نشی څه خبری چې کېږي دادې د ټولو احزابو سره د ټولو قوماندانانو سره د تفاهم په اساس حل شی همدغسی دولت ورسره حتی تر چار آسیاب پوری بیا هم ورسره ډیر زیات تفاهم او د سولی او همکاری په فضا کې معامله درلوده، لکن کله چې مونږ ته معلوم شوه چې د دوی تصمیمونه بالکل اسلام

سره مخالف دی او علماو، طالبانو اهدافو سره مخالف دی او کله چې دوی حمله وکړه، دولت مجبور شو ددی حملې په مقابل کېنې دفاع وکړې همدغسی وشول چې د کابل د شاوخوا نه وشرل شول او امید دی چې دوی مفسد طالبان له صف نه جلا کړي او هغه صادق طالبان دولت سره او نورو مجاهدینو سره لاس یو کړي، د تولو توطیو په مقابل کېنې دوی متحدانه دریغ ونیسی له همدی کبله ده چې یو سلسله تلاشونه او یو سلسله خبری د دولت او د ځینو هغه طالبانو چې واقعا طالب دی د دوی په منځ کېنې روانی دی او ما دوی ته توصیه کړې چې تاسو کوشش وکړي له خارجی توطیو او د اسلام ضد عناصرو له توطیو نه ځان خلاص کړي.

سوال: موضوعی که در میان افغان‌ها و خارجی‌ها بسیار شایع است، این است که طالب‌ها توسط کشورهای همسایه و بیگانه تمویل و تحریک و رهبری می‌شوند. رهبری مشخص و پروگرام مشخصی ندارند و همچنان خلقی‌های جناح‌تَنی با این‌ها همکاری‌اند، آیا همچو چیزهایی را دولت هم درک کرده و تأیید می‌کند؟

جواب: کشورهایی که البته نمی‌خواهم مشخص بگویم که کدام‌ها‌اند، مؤسَّسات خارجی و مؤسَّسات استخباراتی و عناصر کمونیست، عناصری که دشمن افغانستان‌اند، یقیناً در بین طالب‌ها داخل شدند و تلاش‌هایی صورت گرفت که طالبان و یا این حرکت را به‌عنوان یک حرکت ضد اسلام و ضد علما و به‌خاطر بدنام‌ساختن مجاهدین به کار بیندازند و ما امیدواریم که ان شاء الله قسمی که فعلاً این تلاش‌ها به ناکامی روبرو شده، در آینده هم این تلاش‌ها کاملاً ناکام بوده باشد، مجاهدین افغانستان، دولت اسلامی افغانستان و مردم مؤمن افغانستان بتوانند قسمی که تا به حال توانستند در برابر هر توطیه‌ای مقاومت بکنند و آن را سرکوب بکنند و از بین ببرند، در آینده هم هر توطیه‌ای را به ناکامی روبرو کنند.

سوال‌کننده: استاد محترم! می‌خواهیم بدانیم که کوشش‌های آقای مستری در سه هفتهٔ اخیر واضح نبوده، آیا این کوشش‌ها ناکام گردیده است و اگر ممکن باشد، بفرمایید که برنامهٔ دولت در رابطه با پروسهٔ انتقال قدرت یا مکانیزم تشکیل انتقال قدرت چیست؟

استاد: ما همیشه برای انتقال قدرت آمادگی داشته‌ایم، هدف ما از انتقال قدرت، تأمین امنیّت، تأمین صلح و ایجاد یک فضایی که در آنجا زمینهٔ همکاری‌ها به‌میان بیاید و از جنگ جلوگیری شود، بوده است و به همین اساس با ملل متحد همکاری داشتیم؛ اما اینکه ملل متحد بعد از این چه کاری کرده می‌تواند و چه پروگرامی را روی دست می‌گیرد تا هنوز برای ما روشن نیست؛ اما ما به این عقیده‌ایم که باید ملل متحد در روشنی اوضاع جدید یک سلسله برنامه‌هایی را با در نظر داشت واقعیت‌های کنونی در داخل افغانستان طوری برنامه‌ریزی کند که صلح تأمین شود و ملل متحد باید بعد از این، وقت خود را به کارهای حاشیه‌ای ضایع نکند.

اکنون به‌خاطر کمک به مردم افغانستان و بازسازی افغانستان مخصوصاً که پوهنتون‌ها^۱ و مکاتب در کابل و ولایات باز شده و فعلاً اطفال و نوجوانان نه چوکی دارند و نه کتاب و تعمیر؛ چون مکاتب یا کاملاً تخریب گردیده و یا هم به ترمیم نیاز دارد، باید به این‌ها کمک بکنند و ما همیشه این مطلب را گفته‌ایم که اگر حرکت بازسازی جدی و دل‌سوزانه از طریق کشورهای دوست و از طریق ملل متحد پشتیبانی و حمایت می‌شد و آغاز می‌گردید، تعداد زیادی از جوانانی که فعلاً سلاح برداشته‌اند، سلاح خود را می‌گذاشتند و می‌رفتند به درس خود آغاز می‌کردند و حالا که زمینه مساعد شده، باز هم ملل متحد در برابر یک امتحان واقعی قرار گرفته است و این سوال مطرح است که آیا واقعاً ملل متحد در افغانستان صلح می‌خواهد؟ آیا واقعاً کشورهای که همیشه از صلح دم می‌زنند، آن‌ها واقعاً صلح می‌خواهند و

اگر واقعاً طرفدار صلح‌اند، بهترین زمینه برای صلح هم اکنون مساعد گردیده است و مخصوصاً که جوانان کم‌کم دارند می‌خواهند به مکاتب و لیسه‌های خود بروند؛ بناءً باید به حرکت و بازسازی صلح کمک صورت بگیرد.

سوال‌کننده: پیام‌تان برای هم‌وطنان در خارج کشور و به‌خصوص قشر تحصیل‌کرده و تعلیم‌یافته که افغانستان برای‌شان ضرورت دارد، چیست؟

استاد: البته برای همه برادران آواره و مهاجر ما که دور از کشور، در کشورهای مختلفی به علت اوضاع بسیار بد سیاسی و نظامی‌ای که در کشورشان حاکم بود، به‌سر می‌برند، سلام ما را برای همه آنان برسانید، امیدوارم که هرچه زودتر به کشور خود برگردند و پیام ما به برادران ما قسمی که قبلاً گفته‌ام و اینک دوباره تکرار می‌کنم، این است که دولت آماده است با جبین گشاده از تمام عناصر متخصص و از تمام شخصیت‌های محترم کشور و جوانان تحصیل‌کرده صمیمانه استقبال کند.

این‌ها بیایند برای اعمار کشور و بازسازی وطن‌شان در سنگر بازسازی کشور قرار بگیرند، برنامه‌ها و پیشنهادها و نقاط نظر خود را برای به‌ساختن وضع اداری، وضع اقتصادی و وضع اجتماعی کشور مطرح نمایند، خودشان مستقیماً سهم بگیرند و ما امیدواریم که بعد از این از محاذ آرای‌هایی که اصلاً مفید نبوده و موضع‌گیری‌هایی که به نفع دشمن‌های افغانستان و به نفع دشمنان اسلام و مردم افغانستان تمام شده است، خود را دور نگه‌دارند. تقاضای ما از دوستانی که در خارج هستند، این است که بیایند نقاط نظر، پیشنهادها و سهم‌گیری مثبت و عملی خود را عملاً در داخل افغانستان مطرح نمایند، هیچ مانعی و هیچ مشکلی در برابرشان وجود ندارد. البته مشکلاتی که وجود دارد، مشکل کل ملت و مشکل کل کشور ماست.

برادران ما که به خارج از کشور هجرت کردند و تعداد زیادشان از عناصر تحصیل‌کرده، روشنفکر و متخصص‌اند، مردم منتظرند تا ببینند که آن‌ها به وطن‌شان چه می‌کنند، تنها حرف زدن و انتقاد کردن از راه دور هیچ دردی را دوا نمی‌کند. مشکلات ملت افغانستان و مشکلات کشور

به انتقادات غیرمسئولانه حل نمی‌شود، بهتر این است که بیایند مستقیماً سهم بگیرند و اگر حرف و گفتنی مثبت داشته باشند، آن را در داخل کشور بگویند.

امیدواریم که برادران آواره و مهاجر ما که دل‌شان و وجدان‌شان به کشورشان ارتباط دارد، هرچه زودتر بیایند و در آبادی و صلح کشور سهم بگیرند و اگر در بیرون هم هستند، تلاش‌های مثبت، مفید و ثمربخش‌شان به نفع مردم‌شان و به نفع کشورشان در داخل افغانستان تمام شود.

گفت‌وگوی چهلَم

با

عده‌ای از خبرنگاران پاکستانی و کشمیری

تاریخ مصاحبه: چهارشنبه، ۲۹ سرطان ۱۳۷۳ هـ.ش.

تاریخ نشر مصاحبه، الفتح؛ دور دوم نشراتی، شماره پانزدهم، پنجشنبه،

۳۰ سرطان ۱۳۷۳ هـ.ش، ص: ۵.



یادداشت فتح: رادیو افغانستان خبر داده است که در این دیدار خبرنگاران روزنامه‌های «جنگ»، «نوی وقت»، «خبرین» و «وحدت» چاپ مظفرآباد «کشمیر»^۱ اشتراک داشتند.

خبرنگار: دیدگاه‌تان در مورد «جنگ داخلی» چیست؟
استاد: به صراحت می‌گوییم که این جنگ در افغانستان، جنگ داخلی نبوده؛ بلکه از آغاز جنگ‌ها، این جنگ‌ها از خارج بر ما تحمیل شده که دلایل و شواهد زیادی در این رابطه وجود دارد.

با تأسف باید گفت که به‌طور ظالمانه و بی‌رحمانه، اسلحه و مهمات از خارج در اختیار مخالفان دولت گذاشته می‌شود و آنان به‌وسیله آن دست به کشتار بی‌رحمانه مردم مسلمان و تخریب منازل مسکونی و تخریب تأسیسات عام‌المنفعه دولتی می‌زنند.

خبرنگار: - آیا شما بر اساس فیصله اسلام آباد، برگزیده شده‌اید؟
جواب: من براساس فیصله شورای اهل حل و عقد به‌حیث رئیس جمهور انتخاب شده‌ام؛^۲ نه براساس فیصله اسلام آباد. در فیصله «اسلام آباد» من

۱. کشمیر: منطقه‌ای در شمال غربی شبه‌جزیره هند است که از ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند، ایالت گلگت و کشمیر آزاد تحت کنترل پاکستان و منطقه اقصای چین تحت کنترل جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. نگاه: ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان، ص: ۶۶. «مرکز تدوین»
۲. استاد شهید در ۲۹ - ۳۰ دسامبر ۱۹۹۲ م، توسط شورای اهل حل و عقد به‌حیث رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان انتخاب شد. نگاه: طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، چاپ اول،

به‌خاطر قطع جنگ و تأمین امنیت نظر به تقاضای دوستان مدت شش ماه از دوره کار خود تنازل کردم و حکمتیار را با وجود آنکه اهلیت و صلاحیت صدارت را نداشت، به‌هیئت صدراعظم پذیرفتم؛ اما هنوز مدتی از معاهده اسلام‌آباد سپری نشده بود که حکمتیار جنگ را در ده‌سبز^۱ و نگاب^۲ علیه حاکمیت اسلامی آغاز کرد و تمامی مواد معاهده «اسلام‌آباد» را - که شامل قطع جنگ، گشایش راه‌ها، جمع‌آوری اسلحهٔ ثقیل و غیره بود - نادیده گرفته و عملاً آن را نقض کرد؛ اما من پیش از ۸ سرطان اعلام کردم که حاضرم قدرت را به یک مرجع باصلاحیت که مُمَثِّل ارادهٔ مردم افغانستان باشد، تسلیم کنم؛ زیرا در اوضاع کنونی مصلحت نیست که پنج یا شش نفر به نمایندگی از تمام مردم دلیر و باشهامت افغانستان در مورد سرنوشت ملت تصمیم بگیرد.

این را هم باید بیفزایم که در این روزها اجتماع بزرگی از والیان ولایات^۳ و نمایندگان اقشار مختلف کشور در هرات باستان برگزار شده و باید تمام رهبران محترم تنظیم‌های جهادی در آن اجتماع بزرگ اشتراک کنند و همراه با نمایندگان ملت در مورد سرنوشت آیندهٔ کشورشان تصمیم بگیرند و من حاضرم فیصلهٔ آنان را بپذیرم.

۱۳۸۴ هـ ش، تهران، انتشارات عرفان. «مرکز تدوین»

۱. یکی از شهرستان‌های شهر کابل است که در قسمت شمال‌شرقی کابل موقعیت دارد. «مرکز تدوین»

۲. یکی از شهرستان‌های استان کاپیسا است. «مرکز تدوین»

۳. استان‌داران استان‌ها. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی چهل‌ویکم

با

خبرنگاران داخلی و خارجی

منبع: مجلهٔ فتح؛ دور دوم نشراتی، شمارهٔ نهم، ص: ۱۰، دوشنبه، ۲۶ ثور
۱۳۷۳ هـ.ش.



یادداشت فتح: هفته گذشته محترم استاد برهان الدین ربّانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان ضمن مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی در کابل، استراتژی^۱ و سیاست دولت را در رابطه با مسایل جاری سیاسی و نظامی کشور تشریح کردند که اینک بخش هایی از آن را جهت مطالعه خوانندگان به نشر می سپاریم:

خبرنگار: برای حل مسایل کشور غیر از راه جنگ، طریق دیگری هم وجود دارد و یا نه؟

استاد: استراتژی دولت، استراتژی صلح جویانه است. با وجود آنکه دولت توانایی دارد بسا مسایل را از طریق نظامی حل کند؛ ولی می خواهیم قضایا و مشاکل کشور ما از طریق تفاهم حل و فصل گردد.

- دولت استراتژی صلح فعال و تفاهم را تعقیب می کند و اما کسانی که بقای شان را در جنگ می بینند، راه جنگ را اختیار کرده اند؛ ولی با وجود آن وضع فعلی نظامی به نفع دولت اسلامی به پیش می رود و ما از این ناحیه کاملاً مطمئنیم.

گفت‌وگوی چهل‌ودوم با

مجله راه حسین

در مورد توطیه سوءقصد بر جان رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی
منبع: مجله راه حسین؛ شماره ۳، ص: ۱، ۶-۸، چهارشنبه، ۲۸ عقرب ۱۳۶۵ هـ.ش.



یادداشت مجلهٔ راه حسین:

این یک امرِ مسلّم و حقیقت پذیرفته شده است که زمانی دشمن توان مقابله و برخورد رویاروی را از دست داد و تلاش مذبحانه اش به بن بست نهایی کشد، خفاش گونه به ظلمت پناه می برد و در تاریکی ها، توطیه های سرّی می چیند و برنامه های شیطانی طرح می کند. آری، از همین نکته می توان به صراحت شکست ذلت بار و افتضاح کار دشمن را درک کرد و لمس و نمود.

روس های جنایت پیشه و سفاک و دست پروردگان ننگین و اوباش آن ها - که دیگر یارای مقابله و برخوردهای رویاروی با سنگر نشینان جان برکف اسلام را از دست داده اند و پوزه های کثیف شان با مشت پولادین دلیر مردان به خاک ذلت و یأس مالیده شده است - برای جبران این شکست مفتضحانه خویش، دست به توطیه و دسیسه می زنند؛ ولی تمام مکرها و افسون های شان به نصرت پروردگار نقش بر آب شده و رسوایی و افتضاح بیشتری دامن گیرشان می گردد که یکی از نمونه های بارز آن را در این اواخر به وضوح مشاهده کردیم.

چنانکه در این اواخر روس ها و مزدوران فرومایه و ننگین آنان (شبکه جاسوسی خاد) و به همکاری مزدوران دیگر خارجی خود در پاکستان، در صدد پیاده کردن فاجعه دردانگیزی بودند که بحمدالله با نصرت پروردگار

لایزال و پشت‌کار و جدّیتِ برادرانهٔ پولیس پاکستان، در نطفه خنثی گردید و یک‌بار دیگر چهرهٔ ناپاک دشمن و مزدوران بی‌وقار و ننگین آن برملا شد. چنانکه برادران و خواهران واقف‌اند که یک‌عده عناصر مزدور و خودفروختهٔ روس، می‌خواستند با گذاشتن بمب خطرناکی، منزل مسکونی یکی از شخصیت‌های مبارز کشور «پروفسور برهان‌الدین ربّانی» را منفجر ساخته و این زعیم عالی‌قدر را به شهادت رسانده و ملّت مظلوم ما را به عزا بنشانند که خداوند بزرگ با الطاف بی‌نهایت خویش دسایس دشمن را خنثی کرد.

ما برای بهتر روشن‌شدن قضیه و چگونگی این ماجرا، مصاحبه‌ای را با رهبر عالی‌قدر پروفسور ربّانی ترتیب داده‌ایم که اینک خوانندگان عزیز را در جریان آن قرار می‌دهیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

خبرنگار: با اجازهٔ رهبر عالی‌قدر و زعیم انقلابی کشور به خون‌نشتهٔ افغانستان!

چنانکه در روزنامه‌ها و جراید پاکستان انعکاس یافت و هم شایعاتی در رابطه با سوءقصد بر جان شما توسط یک‌عده عناصر مزدور، بر سر زبان‌هاست، آرزو مندیم برادران و خواهران هم‌رزم و هم‌سنگر خویش را در جریان تفصیلی این حادثه قرار دهید؟

استاد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * البته طوری که همه می‌دانیم، دشمن بزدل و مکار چون بر سنگرهای خون و شهادت در برابر مجاهدین، باکمال رسوایی، شکست‌های مفتضحانه می‌خورد و براساس رسوایی‌های مسلسل در جبهات جنگ، دشمن دست به یک سلسله دسایس وسیع و گسترده‌ای در

۱. به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. «مرکز تدوین»

جهت - به‌زعم دشمن - سرکوبی مجاهدین و از بین بردن رهبران مجاهدین و قوماندانان مجاهد ما می‌زند و به سلسله همین دسایس، این حادثه هم - که در جراید و مطبوعات خبر آن منعکس شد - جزء همان یک سلسله از فعالیت‌های ناروا و ننگین دشمن است که اخیراً به وقوع پیوست.

البته دست‌اندرکاران این فعالیت ننگین و بزدلانه دشمن، افرادی از شبکه «جاسوسی خاد» بودند که می‌خواستند با تعبیه مقدار زیادی از مواد منفجره در مسیر دفاتر مربوط جمعیت و در رهایشگاه بنده، انفجارات و تلفاتی به میان آورند؛ اما به موقع پلان‌شان نقش بر آب شد. جریان طوری بود که سه نفر از افراد مربوط به شبکه «کا. جی. بی»^۱ و افراد «خاد» که البته آنان هم از جمله مردم افغانستان نبودند؛ بلکه عناصر خارج از افغانستان بودند، به ساعت دو بجه شب در حالی که در حدود هشت کیلوگرام مواد منفجره و یک سلسله وسایل خیلی پیشرفته‌ای با خود داشتند، می‌خواستند همه را در نزدیک منزل جابجا بسازند و البته انفجار این مواد توسط امواجی از یک منطقه نسبتاً دورتری به میان می‌آمد، در حالی که کارشان تقریباً تمام شده بود، توسط دستگاه امنیتی کشور برادر ما پاکستان، در حینی که مواد را جابجا می‌ساختند، دستگیر شدند و البته کسانی که در آن سهم داشتند، افراد عادی هم نبودند، یک تعداد از انجینیرها و تحصیل کرده‌ها هم در آن شامل بودند و از جمله افرادی که در آن سهم داشته، داکتری بود که مکلف بود باید مواد را توسط امواج از جای دیگری منفجر بسازد که به لطف خداوند (این‌ها

۱. K.G.B: مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳ م، پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B همچنان به فعالیت‌های پشت پرده خود ادامه می‌دهد. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی متروخین. «مرکز تدوین»

به موقع و در محل، دستگیر شدند و همچنان سه تن دیگر از ایشان که در «فقیرآباد» محلی را انتخاب و جایی را سوراخ کرده و اخذ موقع کرده بودند تا هنگام توقف موتر بالای من تیراندازی می‌کردند، توسط پولیس دستگیر شدند و تحقیقات فعلاً جریان دارد و تفصیلات بیشتر آن تا هنوز به ما هم معلوم نیست.

تا جایی که من اطلاع دارم، فعلاً شش نفر از افراد آنان دستگیر شدند و افراد خیلی ورزیده‌ای در میان‌شان وجود داشت؛ چون روس‌ها می‌خواستند که این فعالیت‌شان از هر جهت باید موفقانه صورت بگیرد و اگر لطف و عنایت پروردگار نمی‌بود، کم مانده بود که آنان موفق شوند؛ زیرا این‌ها در فاصله شش متری دورتر از منزل جای را انتخاب کرده بودند که اصلاً محافظین متوجه موضوع نشوند.

از طرفی هم مواد به‌اندازه‌ای بود و طوری تعبیه‌شده بود که نه تنها خانه‌ای که ما به کرایه گرفته‌ایم؛ بلکه منازل چهار اطراف هم باید به‌کلی از بین می‌رفت و هیچ‌کسی زنده نمی‌ماند و به لطف خداوند (دشمن در این دسیسه خود ناکام شد و ما آن را جز لطف و عنایت الهی، چیز دیگری نمی‌دانیم).

خبرنگار: آیا می‌توانیم در مورد تدابیر امنیتی قبل از این توطیه و بعد از آن غرض اطمینان مبارزین و سنگرداران عزیز سوال کرده و توضیح خواست؟
استاد: به‌خاطر جلوگیری از همچون حوادث کاری که بسیار ضرور است انجام بدهیم، پیش‌بینی و آگاهی و احتیاط کامل به کار است؛ زیرا ما با دشمنی روبه‌رویم که فوق‌العاده بزدل و سخت‌مکار و بی‌رحم است؛ لذا داشتن یک سلسله پیش‌بینی‌ها یک امر ضروری و عمده است و ما باید در این باره پیش‌بین بوده باشیم.

البته فعلاً دشمن توجه جدی خود را به این طرف مبذول داشته است تا بتواند در میان صفوف مجاهدین و در میان کمپ‌های مهاجرین فعالیت‌هایی را انجام بدهد و ناکامی‌هایی را که در سنگرها متوجه‌اش شده است را به‌زعم

ناروا و ناکام خود در اینجا جیره کند؛ اما، ما یقین داریم که ان شاء الله دشمن کاری را پیش برده نخواهد توانست و دسایس دشمن یکی بعد دیگری خنثی خواهد شد؛ لیکن به همه حال، من به این نظرم که باید نه تنها ما؛ بلکه همه افراد مربوط به سنگرها، چه قوماندانان ما در داخل سنگرها و چه سرگروپ‌های ما در دار هجرت، باید متوجه دسیسه دشمن بوده باشند؛ زیرا روس‌ها یک دسیسه خیلی وسیعی دارند تا بتوانند سران مجاهد را چه در داخل سنگرهای شان و چه بیرون از سنگرهای شان در هر جایی ترور کنند و به خاطر جلوگیری از این کار باید به صورت وسیع فعالیت‌های احتیاطی و اطلاعاتی مجاهدین وسیع شود تا جلو دسایس ننگین دشمن گرفته شود.

خبرنگار: استاد محترم! قراری که گفته می‌شود، این شبکه دامنۀ وسیع و گسترده‌ای دارد، شما مطالب پیرامون جزئیات موضوع در اختیار خوانندگان عزیز قرار داده می‌توانید؟

استاد: بلی، به عقیده من این شبکه، شبکه خیلی وسیع است. این‌ها تا جایی که من معلومات دارم، در بعضی از شهرهای مرزی در پاکستان مرکزی دارند و در داخل پیشاور هم یک سلسله مراکز و یک سلسله جاهایی دارند و می‌خواهند از اینجاها فعالیت خود را اداره کنند و ضمناً مواد زیادی، از قبیل بم‌ها و ماین‌ها، به اشکال مختلفی از کابل به پاکستان فرستاده می‌شود تا آن‌ها را در اجتماعات مجاهدین و در دفاتر آنان... جای گذاری کنند؛ بدین وسیله فعالیت‌های شان را خیلی گسترده می‌سازند.

همچنان که شما آگاهی دارید، انفجارات اخیر که در شهر پیشاور و در بعضی از مناطق شهرهای دیگر پاکستان صورت گرفت، اصلاً جزئی از همین دسیسه وسیع دشمن است؛ چون یکی از برنامه‌های خطرناک دشمن، ایجاد اختلاف و ایجاد سوء تفاهم در میان «مهاجرین و انصار» است. مردم مسلمان پاکستان که برادران مهاجر خود را به حیث یک برادر می‌شناسند و جهادشان را یک جهاد برحق اسلامی می‌دانند، تلاش‌ها به راه افتاده تا بتوانند در بین «مهاجرین و انصار» سوء تفاهم ایجاد کنند و

در اینجا احساس ناامنی ایجاد شود و من یقین دارم که این دسیسه خیلی دسیسه خطرناکی است و اما من این مطلب را بار بار برای برادران انصار خود تکرار کرده‌ام و باز هم تکرار می‌کنم که اصلاً مجاهدین و مهاجرینی که پاکستان می‌آیند و رفت‌وآمدی که مجاهدین می‌کنند و مهاجرینی که در اینجا هستند، به خاطری است که پاکستان را به حیث پناهگاه و به حیث سنگر امن خود شناخته‌اند و به این اساس، این‌ها هرگز به کسی اجازه نخواهند داد که این سنگر امن را به صورت یک محل غیر مطمئن تبدیل بکنند و به قدری که برادران پاکستانی ما به امنیت پاکستان علاقه‌مندند، مردم افغانستان، مجاهدین و مهاجرین به اندازه برادران پاکستانی شان و حتی بیشتر از آنان به امنیت پاکستان علاقه‌مندند.

به همین اساس ما این موضوع را همیشه به برادران پاکستانی خود تأکید کردم و تأکید می‌کنم که این‌ها نباید شکار دسیسه دشمن شوند و به دشمن اجازه ندهند که دسایس آنان قسمی که در بعضی مناطق دیگری راه پیدا کرد، اینجا نیز راه پیدا کند.

طوری که ما شاهد کشمکش‌ها خونین در لبنانیم، اساس این کشمکش‌های خونین هم از همین جا آغاز شد. به خاطر سوء تفاهم در میان فلسطینی‌ها و مردم لبنان، دست‌های صهیونیست‌ها و دست‌های صلیبی‌ها، دست‌اندرکار شد و در میان فلسطینی‌ها و در میان مردم لبنان^۱ حوادث ساختگی‌ای را ایجاد کرد و بالاخره این حوادث منجر به یک جنگ خانمان‌سوز گردید و به ویرانی لبنان انجامید؛ اما تا جایی که به ما مربوط است، ما از دسیسه دشمن آگاهی داریم، ما هرگز به دشمن اجازه نمی‌دهیم که ایجاد سوء تفاهم و کشمکش در میان برادران مهاجر و انصار بکنند و ما یقین داریم که اصلاً ملت مسلمان افغانستان در اوضاع کنونی نه تنها از

۱. لبنان: در غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن لیره لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»

سرزمین کشور اسلامی و عزیز خود افغانستان، دفاع می‌کنند؛ بلکه دفاع ما دفاع از همه سرزمین‌های اسلامی و به‌خصوص دفاع از امنیت و آزادی پاکستان است و سنگرها در داخل افغانستان گویا یک خط دفاعی است، برای دفاع از پاکستان اسلامی و ما می‌دانیم که دشمن ما فعالیت خیلی گسترده و وسیع دارد، ایجاد ناامنی‌ها و ایجاد مشکلات و این چنین کارها را می‌خواهند انجام بدهند تا سرانجام ایجاد اختلاف در مابین مجاهدین و مهاجرین و انصار شود؛ امّا، ما امیدواریم که با بینش اسلامی ملت مسلمان پاکستان و برادران انصار ما متوجه این موضوع بوده باشند.

چنانکه ما متوجهیم تا جایی که به ما مربوط است، ما می‌خواهیم نه تنها در داخل به دشمن ضربه‌ای بزنیم؛ بلکه ما تصمیم داریم تا جایی که به توان و قدرت ماست، امنیت مرزی کشور برادر پاکستان را با قسمتی از کارهای امنیتی به دوش خود می‌گیریم و چه‌بسا از عناصر خاد که با خود مواد منفجره را به داخل پاکستان منتقل می‌ساختند، تعداد زیادی از آنان توسط برادران مجاهد در مرزها دستگیر شده و بعد از محاکمه به جزای‌شان رسانده شدند؛

لذا ما یک‌بار دیگر تأکید می‌کنیم که ما در برابر این حادثه و حوادث مشابه آن آرام نمی‌نشینیم تا جایی که به ما مربوط است، ما تلاش می‌کنیم دست‌های کثیفی که علیه مجاهدین در بیرون از افغانستان دراز می‌شود را قطع و دسیسه‌های ننگین و ناروایی را که توسط دشمن پیاده می‌شود، در نقطه خنثی بسازیم؛ امّا این را برادران ما ملتفت بوده باشند که دسیسه خیلی وسیع است و شبکه‌های زیادی دست‌اندرکارند و دشمن حالا می‌خواهد با چنین فعالیت‌های مکارانه و بزدلانه، ایجاد ناامنی و تشویش بکند؛ امّا، ما مطابق به فرموده خداوند جلّ جلاله:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱

۱. الصف / ۸. (می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه الله اگرچه کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گردانید.) «مرکز تدوین»

ما امیدواریم که اخوت ما با شور و شوق به پیش رفته و دشمن در نهایت به شکست مفتضحانه روبه‌رو شود.

خبرنگار: قرار معلوم در این اواخر باردیگر یک سلسله انفجارات و بمب‌گذاری‌ها در پیشاور و شهرهای دیگر پاکستان از سر گرفته شده است و روشن است که روس‌های جنایت‌کار به همکاری عناصر خاد و گماشتگان خارجی‌اش در پاکستان به چنین جنایتی دست می‌یازند و صدها انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند، آیا می‌توان پرسید که روس‌ها چه منظوری را از این دسایس تعقیب می‌کند و یا در نظر دارند؟

جواب: بلی، طوری که گفتم، روس‌ها تصمیم دارند در میان «انصار و مهاجرین افغان» فضای سوء تفاهم و اختلاف را ایجاد بکنند و هدف اساسی این انفجارات این است که بتوانند مردم پاکستان را علیه مهاجرین و مجاهدین تحریک کند که این کار خطرناک‌ترین دسیسه‌ای است که دشمن می‌خواهد آن را پیاده کند؛ اما، ما یقین داریم که فعالیت‌های اخیر دشمن طوری برملا شد که مردم پاکستان خود ملتفت شدند که این کارها کاملاً از جانب دشمن است؛ زیرا کشف دسیسه‌ی اخیر که علیه بنده صورت گرفته بود، این را نشان می‌داد که همه‌کسانی که در آن دست داشتند، عناصر مزدور بودند و هیچ‌کسی از مردم افغانستان از مجاهدین و مهاجرین در جمله آنان نبود؛ بلکه همه از مزدورهای روسی در پاکستان بود.

پس همان عناصر غدار و خائنی که دشمن پاکستان و دشمن ملت پاکستان و دشمن تمامیت ارضی و آزادی پاکستان‌اند، آن‌ها این کار را می‌کنند و به این اساس مردم پاکستان یقیناً ملتفت این قضیه می‌باشند که اصلاً این دسیسه‌های ناپاک توسط دشمن مردم پاکستان و ملت افغانستان انجام می‌یابد؛

لذا ما این دسیسه را به‌شدت محکوم می‌کنیم و ما یقین داریم که ملت برادر پاکستان این دسایس روس‌ها را قاطعانه محکوم می‌کند و این جزئی از تروریزم بین‌المللی روسی است.

روس‌ها فعالیت‌های تروریستی را به سطح خیلی وسیع در جهان شروع کردند و این فعالیت‌ها و انفجارهایی که تازه به وجود آمده است، تنها بعد از به میان آمدن مهاجرین نیست و ما شاهد تروریزم روسیه قبل از آمدن مجاهدین در افغانستانیم که تا هنوز مهاجرین اینجا نیامده بودند.

در سال‌های ۱۹۵۷ روس‌ها برنامه وسیع انفجارات را در داخل پاکستان داشتند و قسمی که در یادداشت‌های آقای بیک‌اوف، روسی که خودش اول عضو «کا.جی.بی» بود و بالاخره عضویت کا.جی.بی را ترک گفت و به کشورهای دیگری پناه سیاسی آورد، آمده است:

در سال ۱۹۵۷ به صورت خیلی وسیع تصمیم گرفته شده بود که در صوبه سرحد این کار را بکنند.

در آغاز دوران حکومت بوتو هم فعالیت‌های تروریستی روس‌ها خیلی وسیع شده بود؛ اما با آمدن مهاجرین و فعالیت‌های مجاهدین در داخل افغانستان، این فعالیت‌های تروریستی فروکش کرد؛ اما حالا روس‌ها می‌خواهند فعالیت‌ها را گسترده بسازند؛ اما، ما باور داریم که این‌ها به شکست و رسوایی روبه‌روشدنی‌اند.

خبرنگار: استاد محترم! باندها و یا گروه‌های دست چپی معلوم الحال که در قضیه افغانستان جانب روس را گرفته‌اند و موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی هماهنگ با روس‌ها دارند، آیا در این حوادث و انفجارات دست دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، چه تدابیری را می‌توان اتخاذ کرد؟

استاد: یقیناً عناصر دسته چپی و باندهای مزدور آن‌ها کاری جز فعالیت‌های تروریستی به نفع بادار روسی خود ندارند. اصلاً احزاب مزدور روسی هر جایی که هستند، عناصری‌اند که به اشاره روس فعالیت‌های ضد ملت‌های خود و ضد ملت‌های دیگر در همه‌جا انجام می‌دهند. البته به خاطر تدابیر با این عناصر مزدور و کثیف باندهای چپی که مربوط به افغانستان است، ما فعالیت‌های ضروری را انجام می‌دهیم، در برابر این‌ها تصمیم قاطع گرفته شده؛ اما باندهای دیگر که مربوط به افغانستان نیستند،

باید ملت‌های‌شان در مورد آن‌ها تصمیم بگیرند!
چرا که این باندها یقیناً جز جنایت و آدم‌کشی و جز تباه کردن ملت‌ها
کار دیگری ندارند و ما امیدواریم که ملت‌ها در همه‌جا ملتفت قضیه شده
باشند و جلو تروریزم روسیه را بگیرند.

خبرنگار: به خاطر انفجارهای اخیر در پیشاور، مهاجرین مورد آزار و
تکلیف پولیس پاکستان قرار دارند، شما در مورد چه تجویزی گرفته‌اید و آیا
با مقامات پاکستانی در مورد صحبت کرده‌اید؟

استاد: البته ما به این ارتباط چندین بار با مقامات رسمی پاکستان
صحبت کردیم، اصلاً روس‌ها پلان خطرناکی در جهت اجرای سوء
تفاهم در میان مهاجرین و انصار دارند و دست به یک سلسله فعالیت‌های
ناروایی می‌زنند، آن‌ها به‌خاطر ایجاد اضطراب، سوء تفاهم و خراب‌ساختن
امنیت در داخل پاکستان برنامه‌های روی دست دارند، ما برای آنان گفتیم
که باید یک سلسله فعالیت‌ها را به‌صورت مشترک انجام بدهیم تا جلو این
فعالیت‌های خطرناک روس گرفته شود و البته چون ما روس‌ها و مزدوران
روسی را که از افغانستان می‌آیند، خوب‌تر می‌شناسیم و مناطق مرزی هم
اکثراً تحت کنترل مجاهدین ماست، رفت‌وآمد این‌ها را خوب‌تر کنترل
کرده می‌توانیم؛ لذا یک همکاری و هماهنگی متقابل در میان قوای امنیتی
در پاکستان و مجاهدین بوده باشد.

البته آن‌ها بعضی از مطالب ما را پذیرفتند و ما امیدواریم گام‌های عملی
برداشته شود؛ اما، ما تا جایی که به خود مجاهدین ارتباط دارد و به ما مربوط
است، ما به تمام مجاهدین مرزها هدایت داده‌ایم که در قسمت فعالیت‌های
خاد - کا. جی. بی، در مرزها، رفت‌وآمدشان را جداً متوجه باشند.

براساس همین دستور بوده که طی تقریباً دو ماه اخیر تعدادی از عناصر
خاد وقتی می‌خواستند با وسایل باروت و یک سلسله مواد منفجره دیگر،
داخل پاکستان شوند، دستگیر شدند و بعد از محاکمه‌ای آبخیزی که لازم
بود، قوانین اسلامی در برابرشان عملی شد؛ اما این کار تنها کافی نیست،

ما باید در سطح وسیع و در داخل ارگان‌های دشمن در کابل، فعالیت‌هایی داشته باشیم تا تمام فعالیت‌شان را از سرچشمه و از منابع اساسی آن‌ها کشف بکنیم و بدین وسیله بتوانیم تا جلو فعالیت‌های وسیع و گسترده روس‌ها را - که می‌خواهند بعد از اینکه در سنگرها ناکام شدند، در اینجا کارهایی را انجام دهند - بگیریم و ما امیدواریم که همه برادران پاکستانی با ما در این قسمت هم‌نوا باشند و ما یقین داریم که تنها وظیفه مقامات امنیتی پاکستان نیست؛ بلکه وظیفه همه مردم مسلمان و متدین پاکستان و همه آنانی که به آزادی و امنیت خود علاقه‌مندند، این است که باید با مجاهدین و مهاجرین هم‌کار باشند تا بتوانیم به صورت دسته‌جمعی و هماهنگ ساختن همه فعالیت‌ها جلو تخریب‌کاری‌ها را بگیریم و ما امیدواریم که روی این فعالیت دوطرفه بین مهاجرین و انصار، همه دسایس خنثی شود.

در تاریخ اسلام چیزی که رمز پیروزی دولت اسلامی شد، همین بود که رسول اکرم Y در میان انصار و مهاجرین، اخوتی را به میان آورد که یهود نتوانست با تمام دسایس و نیرنگ‌هایش مشکلاتی را ایجاد کند و ما امیدواریم که این رویه در پاکستان هم تجدید شود.

خبرنگار: در جلسات ملل متحد باز هم موضوع رأی‌گیری در مورد خروج نیروهای اشغالگر روسی جریان دارد، آیا شما از آنچه در این مجالس می‌گذرد، راضی‌اید و در مورد قضیه ما، این جریان‌ها کدام اثرات مثبتی بجا خواهد گذاشت و یا خیر؟

استاد: اگرچه فیصله‌های ملل متحد هیچ قدرت اجرایی نداشته و به‌حیث یک نیروی فشار قوی نیست که بالای روس‌ها فشار زیادتری وارد بکند؛ اما به عقیده ما با وجود نداشتن عنصر تنفیذی و اجرایی هم، باز هم این قرارها و این فیصله‌ها ارزشی دارد که نشان می‌دهد که روس‌ها با همه نیرنگ‌ها و با همه نیروها، فعلاً در برابر محکومیت همه ملت‌ها و حکومت‌ها جهان قرار دارند.

چه‌بسا از کشورهایی که فعلاً به دفاع از قضیه افغانستان علیه

روس‌ها رأی می‌دهند، از جمله آن کشورهایی‌اند که حتّی روس‌ها شاید در آن کشورها نفوذ داشته باشند، مخصوصاً کشورهای افریقایی و بعضی کشورهای آسیایی؛ اما با این حال هم، آن‌ها در مسئله افغانستان در جهت پشتیبانی از مردم افغانستان قرار می‌گیرند و این قضیه خود نشان می‌دهد که روس‌ها نه تنها در بُعد عسکری و نظامی به شکست روبه‌رو شدند؛ بلکه در ابعاد سیاسی هم با افتضاح و رسوایی کشیده شدند و برای بار اوّل است که در سطح بین‌المللی یک صدوبیست‌ودو کشور علیه روسیه رأی می‌دهند و این یک محکومیت جهانی است که روس‌ها در گذشته چنین محکومیت جهانی را ندیده بودند.

به این اساس، با وجودی که این رأی‌گیری‌ها اهمیت زیادی از لحاظ اداری ندارد و فیصله‌های بی‌روح و بی‌جان است؛ اما با این هم، از لحاظ معنوی نشان می‌دهد که جهاد مسلّح افغانستان در ضمیر ملّت‌ها با وجود همه موانع و مشکلات راه خود را پیدا کرده، کشورها و سیستم‌های مختلف در جهان با وجود محدودیت‌هایی هم که دارد، باز هم قضیه افغانستان بالاتر از همه مسایل است که روس‌ها می‌خواستند از آن‌ها به حیث مانع در برابر ایجاد یک پشتیبانی از ملّت افغانستان ایجاد بکنند؛ اما عقیده ما این است که نه تنها در ملل متحد این محکومیت‌ها صورت بگیرد؛ بلکه در مابین همه ملّت‌ها و همه کشورها، روس‌ها محکوم شوند.

بعضی ملّت‌ها باید به خیابان‌ها بریزند و علیه سفارت‌خانه‌های روسی و ارتباطات روسی انزجارشان را نشان دهند، مخصوصاً در کشورهای مسلمان باید اجازه ندهند که روسیه با این عادت وحشت‌بار و با این طبیعت خون‌آشام و سفاکش باز هم در کشورهای اسلامی ارتباطات سیاسی پیدا بکند، قسمی که بدبختانه در بعضی کشورهای اسلامی توانسته با نیرنگی سفارتخانه‌های خود را باز بکند؛ اما، ما به همه حال، باور ما این است که این فشارهای بین‌المللی بالای روس‌ها بی‌تأثیر نیست و روس‌ها را مجبور می‌سازد که در قسمت جنایت خود در افغانستان روزی، دیر یا زود

تجدید نظر کنند.

خبرنگار: در مورد سرنوشت ایتلاف‌ها، آوازه‌ها و سروصداهایی شنیده می‌شود، بعضی‌ها گمان می‌برند که ایتلاف به‌سوی اضمحلال و نابودی روان است، نظر شما در این مورد چیست؟

استاد: البته تا جایی که به ما مربوط است، ما همیشه در راه توحید نیروهای مجاهدین در افغانستان با وجود مشکلات زیادی که در بعضی از گروه‌ها از گذشته وجود داشت و با وجود بعضی از تجاوزات آن‌ها علیه نیروها و سنگرهای مجاهدین، به‌خاطر مصلحت اسلام و مسلمانان و مصلحت انقلاب اسلامی، ما همه را نادیده گرفته و از توحید صفوف مسلمان‌ها طرفداری و موضع مستحکمی داشتیم و هنوز هم در این جهت حرکت می‌کنیم، ما با وجودی که می‌فهمیم، راستی هستند بعضی از گروه‌هایی که یک سلسله غوغاها و هیاهوی‌هایی را به راه انداختند و می‌خواهند که در میان مجاهدین ایجاد شکاف کنند و این شکاف نه تنها به‌حیث اختلافات لفظی، کلامی و سیاسی باشد؛ بلکه عمق این شکاف در داخل سنگرها راه پیدا کند و برادر در برابر برادر قرار گیرد؛ اما تا جایی که به ما مربوط است، ما امیدواریم و باور داریم که این بحث‌ها و کشمکش‌ها به داخل سنگرها کشانده نشود.

به همین اساس بوده که در برابر هر نوع عکس‌العمل‌های منفی باز هم به‌خاطر حفظ ایتلاف - که قدمی است در راه وحدت همه سنگرها و توجیه فعالیت‌های سیاسی و تمثیل سیاسی قبلی افغانستان - ما کوشیدیم که همه مشکلات را قبول کنیم تا ایتلاف فعلی ادامه پیدا کند و در عین حال بتوانیم قوّت هر چه بیشتری به‌دست بیاوریم.

به‌هر حال، باز هم می‌گوییم: تا جایی که به ما مربوط است، حالا دیگران هر چیزی که می‌کند، بکنند، ما تصمیم و اراده داریم که این ایتلاف حفظ شود و کسانی که خواسته باشند از این ایتلاف برآیند، اختیار دارند؛ اما من به این عقیده‌ام که همه مردم افغانستان و اکثریت قاطع شاملین این ایتلاف،

خواهان دوام و استحکام قدرت و نیرومندی آن‌اند.

خبرنگار: با استفاده از فرصت می‌خواهم از تأثیرات جنگ‌های هماهنگی که در ولایات شمال کشور به طراحی برادرانی چون احمدشاه مسعود، استاد آراین‌پور^۱ و سایر برادران صورت گرفته، در جهان انعکاس خوبی یافته، نظر شما را بدانیم؟

استاد: به عقیده من، از جمله ابعاد سازنده در انقلاب و در سنگرهای جهادی، همین فعالیت‌های هماهنگ جهادی است و تازه به ابتکار تعدادی از برادران که در رأس‌شان برادر احمدشاه مسعود، برادر عبدالحی حقجو^۲، برادر آراین‌پور و تعداد دیگری از سنگرداران عزیز و ورزیده قرار دارند، ایجاد شده است که این فعالیت‌ها، فعالیت‌های خیلی پرتیمی بوده و نتایج

۱. استاد غلام‌محمد آراین‌پور: از مجاهدان نامدار و مبارز سرزمین ماست که در سال ۱۳۲۵ هـ.ش، در روستای «کن‌گورچی» شهرستان کشم استان بدخشان زاده شد. تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت و بعد از فراغت از مکتب متوسطه کشم در سال ۱۳۴۷ غرض ادامه تحصیلات عالی ثانوی به کابل آمد و همین‌جا بود که استاد آراین‌پور با داکتر محمدعمر شهید و دیگر برادران همفکرش، مبارزه را علیه نظام الحادی آن‌وقت در افغانستان آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۸ رابطه فکری‌اش را با رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی برقرار کرد. این رزمنده مؤمن در اثر فشار نظام خونخوار وقت، در سال ۱۳۵۳ یکجا با دیگر برادران مجاهدش، به پاکستان هجرت کرد. در ۱۳۵۷ هـ.ش، از سوی رژیم وقت گرفتار و زندانی شد که بعداً در سال ۱۳۵۸ هـ.ش، از زندان رها گردید و سرانجام این مبارز بنام و قهرمان، بعد از مبارزات خستگی‌ناپذیر و دوامدار، در ۲۸ دلو ۱۳۷۱ هـ.ش، همراه با استاد سیف‌الرحمن سایف، صوفی قربان‌محمد قاصر... در یک سانحه هوایی در کوه «آب باریک» شهرستان ارگو، در استان بدخشان به عمر ۴۶ سالگی به شهادت رسید. نگاه: یادداشت قلمی استاد شهید، ارمغان زندگی غلام‌محمد آراین‌پور، ۱۳۶۴، مجله میثاق خون و جریده مجاهد، ارگان نشراتی جمعیت اسلامی، به نقل از قهرمانان آزادی نوشته مرتضی حامد و رساله وجیهه ما، سخنرانی استاد آراین‌پور، از استاد فضل‌الرحمن فاضل. «مرکز تدوین»

۲. عبدالحی حقجو: از فرماندهان خوش‌نام و امیر جبهات جهادی جمعیت اسلامی افغانستان در استان بغلان بود. مرحوم حقجو، در دوره‌های پرافتخار جهاد، از خود شهامت، دلیری و مردانگی‌های زیادی به خرج داده بود. مرحوم حقجو از شهرستان نهرین استان بغلان بود. او ارادت خاصی به شهید صلح پروفیسور برهان‌الدین ربانی داشت، کارنامه‌های درخشان او ثبت اوراق تاریخ است و از کارها و مدیریت و رهبری‌اش به نیکویی یاد می‌گردد. برای معلومات بیشتر در مورد زندگانی و کارکردهای مرحوم حقجو به مجله المجاهدون، العددان: ۱۱ - ۱۲، سال ۱۴۰۸ هـ.ق، مراجعه شود. «مرکز تدوین»

ارزشمند آن را ما در برخورد مسلحانه با دشمن دیدیم.

در حمله‌ای که بالای اِشْکَمِش^۱ صورت گرفت، با وجودی که روس‌ها با تعداد زیادی و با یک برنامه خیلی خطرناک می‌خواستند این تنظیم ارزشمند را در نطفه خنثی سازند و ضربت سختی بر آن وارد کنند؛ اما این نظم با ارزش توانست که این دشمن را با شکست خیلی رسواکننده‌ای روبه‌رو سازد که «فتح» نمونه‌ای از نتایج پرثمر این فعالیت‌های هماهنگ است.

در عین حال تا جایی که ما می‌دانیم و خبر شدیم، همه مردم در این مناطق از این حرکت مثبت و با ارزش استقبال می‌کنند و ما هم در حق برادران دعا می‌کنیم و توصیه می‌کنیم که این کار یک نمونه باشد برای همه مناطق مختلف کشور، تا آن به‌حیث یک سرمشق برای سنگرداران مؤمن قرار بگیرد.

ما امیدواریم که در شمال کشور این ابتکار هر روز با یک قاعده وسیع، ریشه‌های عمیق در برابر سنگرها پیدا کند و از نظر ما این کار خیلی مثبت و با ارزش بود و است.

خبرنگار: استاد محترم! در اخیر از اینکه جناب‌عالی به ما اجازه دادند، صحبت کوتاهی در رابطه با حوادث اخیر داشته باشیم، قلباً متشکریم و علاوه بر آن آرزو مندیم تا پیام و توصیه‌ای در برخورد با هم‌چوزمین‌ها و حوادث و موضع‌گیری و واکنش‌ها از طرف سنگرداران اسلام در داخل و خارج صادر فرمایید تا از طریق نشرات مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان، خدمت سنگرداران اسلام تقدیم داریم.

استاد: از همه برادران مجاهد در سنگرهای حماسه‌آفرین خون و شهادت در داخل کشور و از همه برادران آواره خود در دیار هجرت‌شان، امیدوارم و می‌خواهم که مطابق فرموده خداوند جل جلاله: «...خُذُوا حِذْرَكُمْ»^۲ باید احتیاط لازم را در برابر دسایس مزورانه، بزدلانه و سفاکانه

۱. یکی از شهرستان‌های استان تخار در شمال شرقی افغانستان است. «مرکز تدوین»

۲. نساء / ۷۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا» (ای کسانی که ایمان

دشمن پیش‌بینی کرده و تدابیر لازم را بگیرند؛ زیرا دشمن با یک دسیسه خیلی وسیع و گسترده به‌خاطر ترور و از بین بردن قوماندانان ارجمند و به‌خاطر از بین بردن رهبران مجاهدین افغانستان فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و در عین حال، می‌خواهد در میان کمپ‌های مهاجرین ناامنی، تشویش و خوف را ایجاد کند.

برادران مجاهد ما با کمال صبر و استقامت، با روحیه آرام در برابر این حوادث اعصاب خود را از دست ندهند و در برخورد با چنین حوادث با کمال احتیاط و قاطعیت اسلامی عمل کنند تا اجازه داده نشود که عناصر مزدور «خاد» و «کا. جی. بی» در میان مجاهدین ما نفوذ کنند تا فاجعه‌ای را به‌میان بیاورند.

همچنان اجازه داده نشود که عناصر «کا. جی. بی» در میان کمپ‌های مهاجرین راه پیدا کنند و ایجاد فتنه‌گری و ناامنی کنند. مهاجرین باید به برادران انصاری خود عملاً اطمینان بدهند که آنان پاسدار امنیت کشور برادرشان‌اند.

و ما یقین داریم که دشمن در همه دسایس خود یکی بعد دیگری به رسوایی و ناکامی روبه‌روشدنی است و این دسایس دشمن هم اگر مطلبی از آن گرفته شود و هدفی در آن بوده باشد که البته هدف‌های ناپاکی دارد، من فکر می‌کنم، چیزی که از این حادثه نتیجه‌گیری کرده می‌توانیم این است که دشمن هم با این کار، به شکست خود کاملاً اعتراف می‌کند و اعتراف می‌کند که دیگر نتوانست از راه لشکرکشی و کشتار بی‌رحمانه در افغانستان به هدف ناپاک خود برسد؛ بناءً به تروریزم خود به سطح خیلی وسیع دست می‌زند؛ اما ما یقین داریم که دشمن در این عمل بزدلانه و بی‌رحمانه‌اش به ناکامی روبه‌رو می‌شود و از این سودی به‌دست نمی‌آورد.

خداوند-جل جلاله- برادران مجاهد ما را در سنگرهای شان و مهاجرین

آورده‌اید [در برابر دشمن] آماده باشید [=اسلحه خود را بگیرید] و گروه‌گروه [به جهاد] بیرون روید یا به‌طور جمعی روانه شوید. «مرکز تدوین»

۱۰۳ / مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

ما را در دیار هجرت‌شان در پناه لطف و حمایت خود حفظ و نگهدارد.

گفت‌وگوی چهل‌وسوم با

نامه‌نگار المستقبل

متن مصاحبهٔ پروفیسور برهان‌الدین ربّانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان
که به تاریخ ۹ جون ۱۹۷۹ در شمارهٔ ۱۲۰ المستقبل چاپ فرانسه
انتشار یافت، اولین برخورد با رهبر انقلاب اسلامی افغانستان پروفیسور
برهان‌الدین ربّانی
منبع: ده مصاحبه با ده ژورنالیست.



یادداشت نامه‌نگار مجله‌المستقبل:

توضیح این نکته ضروری است که اگرچه افغانستان در یک نقطه دور از ما واقع است؛ ولی به همان اندازه در مشکلات با ما نزدیک است، مشکلاتی که از اقیانوس تا خلیج ادامه دارد. چند ماه می‌گذرد که از انقلاب اسلامی افغانستان بر ضد رژیم مارکسیستی آن کشور خبرهایی می‌شنویم، بعد از آنکه این رژیم معاهدات دوستی نظامی و همکاری با اتحاد شوروی منعقد ساخت، آتش انقلاب اسلامی شعله‌ور گردیده و در عین حال برای کشورهای عربی نیز اضطراب و ناآرامی ایجاد شد و در ایران شاه مجبور شد که احتیاط کند، بترسد و در مناسباتش تجدیدنظر کند.

به تعقیب این معاهدات، ورود سلاح روسی به افغانستان آغاز گردید و مشاورین روسی در این کشور مستقر شدند و در مقابل مسلمانان خداپرست افغانستان به تنظیم و توجیه صفوف خود شروع کردند و برضد رژیم حاکم به مقابله پرداختند که در نتیجه آن اکنون انقلاب اسلامی در افغانستان به جایی رسیده است که خطر بزرگی را در برابر این دولت ایجاد کرده و رژیم مذکور از مقابله با آن عاجز است.

حالا این سوال بزرگ متوجه گردیده که آیا آنچه در ایران رخ داد در

افغانستان نیز واقع گردیده و جمهوری اسلامی قایم می‌شود؟
در جریان این هفته در لندن با امیر جمعیت اسلامی افغانستان - که حالا انقلاب را در آنجا رهبری می‌کند - روبه‌رو شدم.
او شخصی است، آرام، هوشیار و دوست‌داشتنی، اسمش برهان‌الدین ربّانی است که نظر به دعوت مجلس اسلامی اروپا جهت اشتراک در کنفرانسی که تحت شعار «آزادی سرزمین‌های مقدّس اسلامی» دایر گردیده بود، در لندن آمده بودند. او در این کنفرانس اشتراک ورزید و تأثیراتی در نفوس اعضای این مجلس بجا گذاشت.

برهان‌الدین ربّانی وقتی که با صادق‌المهدی نخست‌وزیر اسبق سودان مدت زیادی صحبت کرد، توجّه مرا به خود معطوف نموده، وقتی که با او داخل مذاکره شدم، با خود گفتم: حالا این مرد، انقلاب را رهبری می‌کند یا انقلاب از طرف کس دیگری که نامش پوشیده است، رهبری می‌شود؟! با وجودی که من می‌دانستم گفت‌وگوی من با او گفت‌وگو با یک رهبر است. قبل از آنکه صحبت خود را با او عرض کنم، ضرور می‌دانم که کشور مسلمان افغانستان را در چند سطر معرفی نمایم؛

افغانستان از شمال به اتحاد شوروی به فاصلهٔ مرز ۱۱ کیلومتر از شمال شرق به چین،^۱ از شرق و جنوب به پاکستان و از غرب به ایران محاط است.

اسلام در زمان خلیفهٔ سوّم از خلفای راشدین، حضرت عثمان بن عفّان^۲

۱. جمهوری خلق چین: کشوری است که در شرق قارهٔ آسیا موقعیت دارد، جمعیت آن در ۴ اپریل ۲۰۱۳ م، در حدود ۱۳۵۶۸۸۰۰۰ نفر تخمین شده است که از پرجمعیت‌ترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود. مساحت آن در حدود ۹۵۹۶۰۰۰ کیلومتر مربع و پایتخت آن شهر «پکن» می‌باشد.

واحد پول آن یوان (رنمینی) بوده و زبان رسمی آن چینی ماندارین می‌باشد. «مرکز تدوین»

۲. عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ ~ : از جملهٔ آن اصحاب باصفای پیغمبر Y است که چون سایر مسلمانان در روزگار جوانی به اسلام مشرف گردید و در سنگر پرافتخار ایمان به خدا، شبیه دیگر یاران راستین رسول اکرم Y آمادهٔ هر نوع فداکاری شد. سرگذشت اسلام حضرت عثمان ~ چنین بود که روزی ابوبکر صدیق ~ او را در راهی دید، از او درخواست کرد تا مسلمان شود و برایش گفت: «تو انسانی‌ای که حق و باطل در نظرت مخفی نمی‌ماند؛ مگر این بتان از سنگ نیستند که قدرت نفع و

در این کشور - که نفوس آن در حدود ۲۰ میلیون نفر بالغ می‌گردد^۱ - داخل گردید.

قبل از اسلام اکثریت این مردم زردشت بودند که مرکز تمدّن زردشتیان در بلخ بود و در نواحی مرکزی و شرقی این سرزمین دینان بودایی رواج داشت که اکنون هم آثار آن به نظر می‌رسد، در قسمت‌های جنوبی و غربی این کشور مردم بت‌پرست بودند و یک تعداد دینان زردشت داشتند، قبل از حمله چنگیز خان، بلخ مرکز پخش و نشر اسلام و جایگاه فقها و فلاسفه بود که می‌توان از جمله بوعلی سینا^۲ و فارابی^۳ را نام برد.

مقاومت بت‌پرستان و زردشتیان در مقابل اسلام چندان زیاد نبود و افغانستان با گذشت زمان مرکز نشر اسلام در شبه‌قاره هند گردید.

ضرر را ندارند؟» عثمان ~ سخن او را پذیرفت و همایش به نزد پیغمبر Y رفته و مسلمان شد. از آن به بعد آزمون‌های بزرگ و حوادث حیرت‌انگیز به استقبالش شتافت، ایمان او مسرت فراوان را در میان مسلمانان و تأثیر عمیق را در صفوف مشرکان ایجاد کرد. نگاه: محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت. از شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی. «مرکز تدوین»

۱. نظر به آمار سال ۱۴۰۱ هـ.ش، اداره احصائی مرکزی افغانستان، جمعیت این کشور حدود ۳۴/۴ میلیون نفر تخمین شده است. «مرکز تدوین»

۲. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا: مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پورسینا، در سال ۳۵۹ خورشیدی در بخارا زاده شده و در سال ۴۱۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. این اندیشمند بزرگ مسلمان در عرصه‌های گوناگون نگاشته است؛ اما نبشته‌های او در عرصه پزشکی و فلسفه مشهور است. در حدود ۴۵۰ عنوان کتاب نگاشته که القانون فی الطب و شفا، از مشهورترین آثار اوست. نگاه: فتح‌الله مجتبابی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۴، مقاله ۱۳۵۶. «مرکز تدوین»

۳. ابونصر محمد بن محمد فارابی طرخان بن اوزلغ فارابی: در سال ۲۶۰ هـ.ق، در فاراب، کناره رودخانه جیحون در قراقستان امروزی چشم به جهان گشود و در ۳۳۹ هـ.ش، در دمشق درگذشت. او از بزرگ‌ترین فلاسفه و از دانشمندان عصر طلایی اسلام است. فارابی در علم، فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی، پزشکی و ریاضیات تخصص داشت. بیشترین آثار او در زمینه فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی و همچنین دانش‌نامه‌نویسی بود. او به مکتب نوافلاطونی تعلق داشت که سعی داشتند تفکرات افلاطون و ارسطو را با الهیات توحیدی هماهنگ کنند و در فلسفه اسلامی نیز از جمله اندیشمندان مشایی محسوب می‌گردد. او شرح‌های ارزشمندی بر آثار ارسطو نگاشته و از همین جهت به او «معلم ثانی» می‌گویند. فارابی آثار نظیر چون: الجمع بین الرأیین، اغراض مابعدالطبیعة ارسطو، فصول الحکم، احصاء العلوم و.. را از خود به یادگار گذاشته است. نگاه: ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی، از محمدرضا فشاھی، انتشارات کاروان، سال نشر، ۱۳۸۰ هـ.ش و نگرش نو در فهم قرآن، ص: ۱۴۸. «مرکز تدوین»

دین اسلام در افغانستان ریشه‌های عمیق دارد و اسلام قوی‌ترین سلاح مردم افغانستان در اخراج انگلیس از آن کشور بود که بریتانیا را برای اولین بار در جهان شکست دادند. در حالی که اکثریت قاطع این سرزمین مسلمان‌اند، در حدود پنج هزار نفر هندی نیز در این کشور سکونت دارد و به شغل بازرگانی مصروف‌اند.

مسلمانان افغانستان به دو بخش سنی و شیعه تقسیم شده‌اند که تعداد سنی‌ها ۱۵ میلیون و اهل تشیع به چهار میلیون نفر می‌رسید. این دو گروه مسلمان بدون کوچک‌ترین اختلاف زندگی می‌کنند. زبان رسمی در افغانستان فارسی است و زبان پشتو که از اردو و عربی و انگلیسی مخلوط است.

قانون اساسی افغانستان این دو زبان را رسمی می‌شناسد. یک گروه قلیل به ترکی نیز تکلم می‌کند و لسان عربی روی هم‌رفته بین اقشار جوان این کشور در حال پیشروی است و مدارس رسمی و دینی جهت آموختن عربی، کتب عربی تدریس می‌کنند.

مردم افغانستان برای اینکه عربی لسان حضرت پیغمبر Y است و قرآن کریم نیز به زبان عربی نزول یافته، به آن علاقه شدید دارند. طوری که در ایران امام‌ها وجود دارد، در افغانستان وجود ندارد؛ زیرا مذهب اهل سنت در این خصوص برخلاف مذهب تشیع است و امام در افغانستان، امام مسجد می‌باشد.

بعد از آنکه رژیم تره‌کی^۱ روی کار آمد و مارکسیست‌ها^۲ را در دولت جای داده و به کار گماشت، نهضت اسلامی رونق گرفت و در مقابل این رژیم به

۱. تره‌کی فرزند نظر محمد: در سال ۱۲۹۶ هـ.ش، در شهرستان ناور استان غزنی به دنیا آمد، بعد از به پایان رساندن دوره ابتدایی مکتب، در یک شرکت تجاری شامل کار شد و از آن طریق به هند رفت، او در چندین شرکت تجاری کار کرد؛ اما به علت خیانت در وظیفه از کار برکنار شد و مدتی به حیث اتشۀ مطبوعاتی افغانستان در واشنگتن مقرر گردید. به دلیل اینکه سخنان غیر مسئولانه زد، دوباره به افغانستان خواسته شد و در افغانستان دارالترجمه‌ای را تأسیس کرد که پول آن را روس می‌پرداخت، آغاز ارتباط تره‌کی با «K.G.B» را از همین نقطه دانسته‌اند؛ اما در سال ۱۹۶۵ م، که از جانب روس‌ها به عنوان سرمنشی حزب دموکراتیک خلق منصوب گردید، نام او ظاهراً از لیست جاسوسان «K.G.B» خارج ساخته شد؛ اما تره‌کی هنوز هم به فعالیت‌های مخفیانه خود برای مسکو ادامه می‌داد و تخریب کاری‌هایی را هم انجام داد. تره‌کی در ۱۹۶۵ م، طی نشست در خانه خود واقع کارته‌چهار، با عده‌ای از هم‌فکرانش به تأسیس حزب نامیون دموکراتیک خلق پرداخت، حزبی که بعد از به قدرت رسیدن، زندگی، خانه و کاشانه مردم مسلمان افغانستان را به تباهی کشانید، ارزش و موقعیت تره‌کی در میان بادرانش نیز مانند ارزش و موقعیت هر مزدوری دیگر، بسیار پایین و شرم‌آور بوده، به حدی که مسئولین «K.G.B» از وی به عنوان «مادرکیک‌ها» یاد می‌کردند. تره‌کی و پیروانش با کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ هـ.ش، به قتل و غارت و شکنجه مردم مسلمان افغانستان آغاز کردند و در نهایت وحشت و ظلم، مردم اصیل و آزاده افغانستان را تحت فشار و شکنجه قرار دادند و جلادان ماشه‌دست آن، روز و شب از خانه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها، مکاتب، فاکولته‌ها و ادارات، مردم را جمع می‌کردند و ایشان را بدون کوچک‌ترین حیث و برهانی به مسلخ‌های پل چرخ، صدارت و وزارت داخله می‌بردند و از تعذیب و شکنجه و کشتارهای دسته‌جمعی آنان بر کیف و بدمستی خود می‌افزودند. سرانجام این مزدور تاریخ بعد از جنایات بی‌حد و حصر، در حق ملت مسلمان و مجاهد افغانستان، توسط شاگرد وفادارش امین به واسطه بالش خفه‌شده و به قتل رسانده شد. «مرکز تدوین»

۲. مارکسیست‌ها: به کسانی گفته‌شود که پیرو مکتب مارکسیزم یا کارل مارکس می‌باشند و مارکسیزم، مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد، به معنای وسیع کلمه مارکسیزم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس پُلخانف و لنین‌اند. علامه شهید استاد سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیزم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به‌خاطر تلقی کردن آن به عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد. از ناحیه طرز فکر عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و درک مارکسیزم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم‌شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیربنا و مایه مباحث آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود. نگاه: نشانه‌های راه، ص: ۱-۲، اسلام یا مارکسیسم، از دکتر مصطفی محمود، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، چاپ نخست، ۱۳۹۰ هـ.ش، نشر احسان، ایران و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱. «مرکز تدوین»

مقابله پرداخت.

حالا صحبت را با رهبر انقلاب در افغانستان که به زبان عربی به صورت صحیح تکلم می‌کند، آغاز می‌کنم:

خبرنگار: آیا مبارزات انقلاب فعلی در افغانستان زاده تأثیر انقلاب ایران تحت رهبری آیت‌الله خمینی می‌باشد؟

استاد: انقلاب اسلامی افغانستان زاده تحولات اخیر در ایران نیست؛ بلکه ما فعالیت‌های انقلابی خود را بر ضد حکومت تره‌کی قبل از پیروزی انقلاب ایران آغاز کرده بودیم؛ اما پیروزی انقلاب ایران مطابق خواست ما باعث اطمینان قلبی ماست.

خبرنگار: آیا در میان مجاهدین افغانستان و حکومت انقلابی ایران رابطه وجود دارد؟

استاد: ما خواهان مناسبات متین و برادرانه با ملت ایرانیم و برای این مقصد، ما بعضی از نمایندگان خود را به ایران فرستاده‌ایم که ایشان با یک تعداد از رهبران ایران ملاقات کرده و با آیت‌الله خمینی نیز ملاقات خواهند کرد.

خبرنگار: آیا انقلاب ایران واجد تمام شرایط یک انقلاب اسلامی بوده و آیا این انقلاب به‌حیث نمونه تقلید برای کشورهای اسلامی دیگر شده می‌تواند؟

استاد: ما با انقلاب ایران پیوند عمیق اسلامی داریم؛ لیکن انقلابی که ما خواهان آوردن آنیم، از هر جهت جامع و کلی بوده و مطابق افکار و اندیشه‌های اسلامی خواهد بود.

خبرنگار: آیا شما افکار و نظریات خود را به شکل کتب به چاپ رسانیده‌اید؟

استاد: بلی، جمعیت اسلامی افغانستان افکار و نظریات خود را

به صورت کتب به چاپ رسانیده است.^۱ هدف ما آوردن انقلاب اسلامی در روشنائی قرآن و سنت می‌باشد. ما خواهان نجات افغانستان از تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای خارجی می‌باشیم.

خبرنگار: در دل افغان‌ها شوق نجات بیت المقدس و سایر سرزمین‌های اشغالی عربی موج می‌زند، هم اتحاد شوروی و هم دیگر کشورهای کمونیستی! در مورد این قضیه روش حقیقت‌پسندانه اختیار کرده و از موقف اعراب حمایه کامل کرده‌اند، با در نظر داشت حقایق فوق، شما بدون برداشت کدام قدم بر ضد منافع جهان غرب علیه شوروی مصروف فعالیت‌اید و آن کشور را تقبیح می‌کنید، چرا؟

استاد: از نظر ما کشورهای سرمایه‌داری و کمونیستی هر دو خواهان تسلط بر کشورهای ضعیف و عقب‌مانده می‌باشند. این به جای خود درست است که طریقه رسیدن به هدف نزد این دو قدرت مختلف می‌باشد؛ ولی استراتژی آنان یکی است. کشورهای سرمایه‌داری^۲ ذریعه شرکت‌ها و مؤسّسات اقتصادی، فرهنگی و تجارتی خود، خواهان در بند کشیدن کشورهای عقب‌مانده‌اند؛ در حالی که قدرت‌های کمونیستی این کار را از راه انتظامات کارگری و قوای مسلح به انجام می‌رسانند. این نیروهای دست‌نشانده در کشورهای عقب‌مانده به جز از تعمیل اوامر مسکو کار دیگر ندارند، اکنون در افغانستان نیز همین حالت حکم فرماست.

خبرنگار: آیا جنگ شما جنگ مذهبی است و یا جنگ رهایی‌بخش؟

۱. به گونه نمونه می‌توان از: «افشردۀ هدف و مرام، اصول بیعت و مسئولیت‌های عضو در جمعیت اسلامی افغانستان» که ضمن کتاب وثیقه ارجمند از سوی مرکز تدوین نشر شده و نوشته «ما کیستیم و چه می‌خواهیم» که ضمن همین نام از سوی مرکز تدوین چاپ و نشر شده است، نام گرفت. «مرکز تدوین»

۲. به کشورهای گفته می‌شود که از نظام سرمایه‌داری یا کپیتالیزم پیروی می‌کنند و اصطلاح سرمایه‌داری عبارت از نظام اجتماعی است که در آن وسایل تولید، توزیع و مبادله به طور کامل و اساسی در مالکیت خصوصی افراد است. نظام سرمایه‌داری در بریتانیا در قرن هجدهم توسعه یافت و بعدها به شمال غربی اروپا و امریکای شمالی راه یافت، این مسئله همراه و هم‌زمان با انقلاب صنعتی بود. نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۱۳ - ۳۱۶. «مرکز تدوین»

استاد: جنگ ما جنگ مذهبی و آزادی‌بخش، هردوست.

خبرنگار: سرحد مشترک میان روس و افغانستان (۱۱۰۰) کیلومتر طول دارد و یک طیاره این فاصله را در ۳ ساعت طی می‌کند، آنچه را که در چکوسلواکی گذشت،^۱ به یاد شما خواهد بود؟ آیا شما به حالتی مثل چکوسلواکیا دچارید؟

استاد: روس خواهان تبدیل کردن افغانستان به یک ویتنام^۲ دیگر است؛ اما باید روس این را به‌خاطر داشته باشد که در افغانستان به‌سرنوشتی دچار خواهد شد که امریکا قبلاً در هند و چین به آن مواجه شده بود.

مردم افغانستان مسلمان‌اند و روس‌ها را چنان درس خواهند داد که هرگز آن را فراموش نخواهند کرد. ما مسلمانیم و هرگز تسلط بیگانگان را برداشت نخواهیم کرد. جهان نظام‌های استعماری و امپریالیستی را به‌کلی رد کرده است. این را نیز به‌خاطر باید داشت که افغانستان نه چکوسلواکیاست و نه آنگولا و نه حبشه. افغان‌ها برای آزادی خود تا آخرین رمق حیات خواهند

۱. چک‌سلواکی: نام کشوری بود که از ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۲ م، در اروپای شرقی وجود داشت و سپس به دو کشور جمهوری چک و اسلواکی تقسیم شد. این کشور در پایان جنگ جهانی اول با فروپاشی امپراتوری (اتریش - مجارستان) از اتحاد چهار منطقه موراویا، بوهم، اسلواکی و بخشی از روسینیا کارپات، تشکیل شد. مساحت آن ۱۲۷۹۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۱۵۶۰۰۰۰۰ تخمین شده بود. پایتخت آن پراگ، زبان رسمی آن چکی و اسلواکی و واحد پولی آن کرون «چک‌سلواکی» است. علاوه بر آنچه گفته شد: چک‌سلواکی، یکی از اعمار روسیه و عضو سازمان نظامی بلوک کمونیزم به‌نام «پیمان ورشو» بود. سال‌ها قبل جنبشی نسبتاً اصلاح‌طلبانه و بازی، توسط رهبر وقت «آقای دوپچک» به نام «بهار پراگ» تازه داشت شکل می‌گرفت که این جنبش زیر زنجیرهای تانک‌های غول‌پیکر روسی به خزان تبدیل شد و به اصطلاح به اتم‌های اولیه تجزیه شد و ترکیبی را که تازه در حال شکل گرفتن بود، هرگز ساخته نشد و خود آقای دوپچک شخصیت درجه‌یک چک‌سلواکی در ۱۹۶۸ م، بی‌رحمانه سرکوب گردید. برای مطالعه بیشتر نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۵، شماره ۲۰، سه‌شنبه ۶ جدی ۱۳۶۷ ه.ش. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری سوسیالیستی ویتنام: کشوری است که در قسمت شرقی شبه جزیره هند و چین در منطقه جنوب شرقی آسیا واقع شده است. مساحت آن ۳۳۰۳۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۸۶۹۳۰۰۰۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن شهر «هانوی» است، زبان رسمی آن ویتنامی و واحد پول آن «دونگ» می‌باشد. البته ویتنام از جمله کشورهایی است که مانند افغانستان که از سوی شوروی اشغال گردیده بود، آن کشور توسط امریکا مورد تجاوز قرار گرفت. «مرکز تدوین»

جنگید و در اثنای جنگ علیه حکومت دست‌نشانده روس در افغانستان مجاهدین به اثبات رساندند که آن‌ها با تانک‌ها ذریعه سنگ و در برابر طیاره‌ها با تفنگ‌های یک تیره مقابله کرده می‌توانند.

خبرنگار: آیا مسئله الحاد نیز جزء جنگ شما را تشکیل می‌دهد؟

استاد: روس این حق را دارد که در داخل سرحدات خود هر مذهبی را که بخواهد اختیار کند؛ لیکن اگر آن کشور بر کشورهای همسایه و مناطق دیگر خواهان سلطه و پخش نظریات خود باشد، این عمل او یک اقدام استعماری تلقی خواهد شد.

خبرنگار: لیکن در افغانستان نیروهای دوست شوروی موجودند و اگر آن‌ها نمی‌بودند، حکومتی را تشکیل داده نمی‌توانستند؟

استاد: روزی که روس از حمایت دولت فعلی دست بکشد، آن روز آخرین روز عمر این حکومت خواهد بود.

خبرنگار: آیا تعداد کمونیستان در افغانستان را گفته می‌توانید، در مقابل آن به چه تعداد مجاهدین وجود دارند؟

استاد: در افغانستان تعداد کمونیستان خیلی محدود است و تعدادشان فقط به چند هزار می‌رسد، اگر روس در میان ارتش افغان، افسران خود را داخل نمی‌کرد، کودتای شور هرگز به پیروزی نمی‌رسید.

خبرنگار: بعد از سقوط رژیم فعلی رویه شما در مقابل مخالفین تان از چه قرار خواهد بود، آیا این‌ها مثل مخالفین ایران به دار آویخته خواهند شد؟

استاد: نزد ما اسامی افراد جنایت‌پیشه موجود است، بعد از به قدرت رسیدن با آن‌ها مطابق به «عدالت اسلامی» رفتار خواهد شد.

خبرنگار: آیا شما افغان‌های ملحد در میان ارتش را نیز کشته‌اید؟

استاد: از این قبیل نظامی‌ها بسیار کشته شده که در میان‌شان قوماندان بزرگ و افسران‌شان نیز شامل است.

خبرنگار: تعداد مجاهدین در جنگ چه اندازه است؟

استاد: بسیار زیاد است، اکنون اکثریت مردم به صفوف ما پیوسته‌اند.

نزد هرکس که تفنگ است، با ما شانه‌به‌شانه علیه دولت می‌جنگد؛ مثلاً: نه ماه قبل وقتی که در منطقه نورستان^۱ ما به فعالیت‌های نظامی خود علیه دولت آغاز کردیم، با ما فقط به تعداد چهارصد نفر مجاهدین در آنجا بود. اکنون در این منطقه تنها تعداد مجاهدین به ده هزار نفر رسیده است.

خبرنگار: آیا شما با مجاهدین فلسطین ارتباط دارید؟

استاد: تا اکنون نه.

خبرنگار: آیا شما از طرف کدام مملکت عربی کمک شده‌اید؟

استاد: نه خیر.

خبرنگار: آیا شما از عربستان سعودی^۲ و لیبیا درخواست کمک نموده‌اید، این دو کشور به تمام گروه‌هایی که علیه تسلط روس می‌جنگند، کمک فراهم می‌کنند؟

استاد: ما برای دریافت کمک با کشورهای عربی تماس گرفته‌ایم تا اکنون از هیچ طرفی جواب مثبت داده نشده است؛ لیکن به این تندی که اوضاع افغانستان در حال تغییر است، ممالک عربی به تجدیدنظر در پالسی‌های خود نسبت به افغانستان مجبور خواهند شد؟

خبرنگار: اگر شما علیه ارتش افغانستان نه؛ بلکه تنها علیه افراد روس در افغانستان می‌جنگیدید، بسیار مؤثر می‌بود؟

استاد: به جهت معلومات شما باید گفت: تنها در شهر هرات^۳

۱. نورستان: در شرق افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۹۲۶۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹م، ۱۳۴۱۰۰ نفر تخمین شده است و تا کنون از آمار جدید نفوس آن بر اساس داده‌های احصایه مرکزی چیزی به دست نیاوردیم و مرکز این استان شهر «پاژون» است. «مرکز تدوین»

۲. عربستان سعودی: کشوری است که در قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع است و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، به ۲۵۷۳۲۰۰۰ نفر می‌رسید. پایتخت آن شهر ریاض است و شهرهای مهم این کشور عبارت‌اند از: مکه مکرمه - که بیت‌الله الحرام در آن موقعیت دارد - و مدینه منوره - که مرقد مطهر رسول گرامی انسانیت در آن هست - و شهر ریاض پایتخت آن می‌باشد. واحد پول آن «ریال سعودی» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

۳. هرات باستان: در شمال غرب افغانستان موقعیت دارد و مرکز آن شهر هرات است. مساحت آن

سه‌صد نفر روس به قتل رسانیده شدند، شوروی به‌جز تردید این خبر کدام عکس‌العمل دیگری از خود نشان نداده است. بعد از این حادثه مشاورین روسی شهرهای دیگر را ترک گفته و بر پایتخت رو آوردند و زن و فرزند خود را روانهٔ وطن خویش کردند.

خبرنگار: اگر شما تصاویر مشاورین روسی را پخش می‌کردید، یک دلیل خوب برای ادعای تان شده می‌توانست، آیا تا کنون کدام مشاور ارتش را دستگیر نکرده‌اید، شما ادعا دارید که یک‌تعداد زیادی افراد نظامی بغاوت کرده و با شما ملحق شده‌اند، آیا آن‌ها کدام نفر روسی دستگیر کرده نزد شما نیاوردند؟

استاد: در هفتهٔ گذشته دونیم هزار افراد نظامی به صفوف ما پیوستند، همچنین وقتی که یک هلیکوپتر به فرود آمدن مجبور ساخته شد، با تعجب دیده شد که ۱۲ افسر روسی در آن موجود بود.

خبرنگار: از بیان شما چنین معلوم می‌شود که نزد شما اسیر روسی موجود است؛ ولی شما از اظهار علنی آن ابا می‌ورزید؟

استاد: مجاهدین دوازده نفر روس را جابه‌جا هلاک کردند؛ چون مجاهدین زمانی که روس‌ها را در مقابل چشم خود ایستاده دیدند، حوصله را از دست داده، همه را کشتند؛ ولی ما به آنان هدایت دادیم که بعد از این روس‌ها را نکشند؛ بلکه زنده دستگیر کنند.

خبرنگار: سرحدات چین با افغانستان اتصال دارد، در میان روس و چین مخالفت نیز وجود دارد، شما چرا از این وضع بهره‌برداری نکردید؟ شما باید از چین برای سرکوبی روس‌ها کمک نظامی می‌خواستید، آیا شما به این خاطر از چین کمک نمی‌خواهید که چین یک دولت کمونیستی است

۵۵۸۶۸،۵۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیة سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۶۷۶۰۰۰ هزار نفر تخمین شده است که از این احصائیة حدود ۹ سال می‌گذرد و ممکن تغییراتی در آمار جمعیت این استان به وجود آمده باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲-۹۰۷. «مرکز تدوین»

و شما مخالف کمونیستان اید؟

استاد: سرحدات چین که با افغانستان وصل می‌باشد، قابل استفاده برای گرفتن کمک نیست، این منطقه کوهستانی و خیلی صعب‌العبور است، از سوی دیگر ما به این خاطر از این کار ابا ورزیدیم که نمی‌خواستیم پای ما در اختلافات روس و چین کشیده شود. علاوه بر آن اگر دولت چین در قسمت مداخله روس‌ها در افغانستان یک موقف روشن اختیار کند، باعث اطمینان ما خواهد شد؛ اما چین به خاطر بعضی منافع خود خاموش نشسته و تماشا می‌کند.

خبرنگار: شما چرا از قدرت‌های بزرگ تقاضای کمک مالی و نظامی نمی‌کنید؟

استاد: افغانستان یک کشور کوچک است، ما قدرت‌های بزرگ را برای زورآزمایی در کشور خود دعوت نمی‌دهیم، ما به جنگ آزادی‌خواهی دست زده‌ایم و ایمان به خداوند (مؤثرترین وسیله ماست.

خبرنگار: شما از روس‌ها چه می‌خواهید؟

استاد: خواهش ما از روس این است که آن کشور به حیث یک قدرت بزرگ تعلقات دوستانه خود را با «مردم مسلمان افغانستان» برقرار کرده و برخلاف میل مردم، از یک‌مشت جنایت‌کار حمایت نکند؛ بلکه از حمایت و تحفظ از آنان دست بردارد!

روس با حمایت خود از حکومت دست‌نشانده فعلی در افغانستان دشمنی مردم افغانستان را کسب کرده و این دشمنی روزبه‌روز در حال گسترش است.

والسلام.

گفت وگوى چهل و چهارم با

خبرنگار جريده اتحاد

تاريخ: دوشنبه، ۹ جون ۱۹۷۹ م، ص: ۲ جريده اتحاد.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورناليست.



یادداشت:

راشد عقلان در صفحهٔ دوّم جریدهٔ اتحاد که به تاریخ دوشنبه، ۹ جون ۱۹۷۹ انتشار یافت، می‌نویسد:

«پروفسور برهان‌الدین ربّانی زعیم انقلاب اسلامی افغانستان، دیروز به این کشور مواصلت ورزید که در میدان هوایی بین‌المللی، توسط جلال‌مآب صقری المری معاون وزارت امور اسلامی و اوقاف و همچنین سیداحمد ناصر تمیمی مدیر امور خارجی آن وزارت از او و همراهانش استقبال به عمل آمد.

پروفسور برهان‌الدین ربّانی ضمن این مسافرت به کشورهای اسلامی، در یک مصاحبهٔ خاصی با جریدهٔ اتحاد، [به مباحث و قضایای پرداختند که اینک در ضمن آن سخنان] گفتند:

- هدف من از مسافرت به این کشور و ملاقات با مسئولین و در رأس آن‌ها ملاقات با جلال‌مآب رئیس دولت، توضیح و تشریح آن چیزی است که انقلاب افغانستان با آن روبه‌روست.

- انقلاب اسلامی افغانستان فعلاً در مقابل حکومت کمونیستی تره‌کی قدعلم نموده است، کمونیزم جهان‌خوار نه تنها افغانستان را تهدید می‌کند؛ بلکه به‌نوبهٔ خود جهان اسلام را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد.

- ما اکنون در دروازه‌های فتح و پیروزی قرار داریم، اگر اندکی از سلاح مادّی برخوردار می‌بودیم، انقلاب اسلامی ما این حکومت متجاوز را ماه‌ها

قبل سقوط می‌داد.

- مجاهدین انقلابی افغانستان اکنون پنج ولایت کشور را تصرف کرده‌اند و ۸۰ فیصد از قرای افغانستان در دست مجاهدین است، با وجودی که آن‌ها از سلاح ناچیز مادی برخوردارند؛ ولی با نیروی ایمان‌شان به خداوند و حقانیت آیین خویش با طیارات میگ ۲۱،^۱ تانک‌ها و توپ‌های ثقیل مقابله می‌کنند و چنان شکست و ترس را در قلوب مزدوران شوروی انداخته‌اند که تره‌کی و همراهانش مجبور شدند فامیل‌های خویش را به روسیه انتقال دهند و تعداد زیادی از افسران و اردوی افغانستان همراه با سلاح خویش با انقلابیون پیوستند.

- منظور من از مسافرت به کشورهای اسلامی، جلب پشتیبانی و تأیید کردن مردم بی‌دفاع افغانستان از جانب همه برادران مسلمان‌شان است.

- انقلاب اسلامی افغانستان با انقلاب ایران پیوند عمیق برادری دارد؛ اما ادعای رادیو کابل مبنی بر اینکه ایران بر مبارزین ضد دولت تره‌کی سرباز و اسلحه می‌فرستد، رد کرده و آن را تکذیب می‌کنم و هدف از این تبلیغات این است که جهان در برابر آنچه در افغانستان می‌گذرد، ناآگاه و بی‌تفاوت باقی بماند.

اکنون مردم مظلوم و بی‌دفاع افغانستان از طرف حکومت الحادی کابل و روس‌ها به شدیدترین اعمال ضد انسانی، تعذیب و شکنجه می‌شوند.

تنفر مردم و تجاوزات بی‌رحمانه حکومت را می‌خواهم ضمن یک مثال، چنین توضیح دهم: در قریه‌ای به نام «کیرال» قوماندان نظامی آن منطقه همه مردم را جمع کرده، برای‌شان گفت: حالا من رونده کابل، آیا می‌خواهید از شما به نور محمد تره‌کی رئیس دولت چیزی بگوییم و مطالب و پیغام‌تان چیست؟

همه مردم اعم از مرد و زن، پیر و جوان به یک آواز جواب دادند: ما

۱. میکویان-گورویچ میگ-۲۱: جنگنده مافوق صوت، سبک ساخت شرکت میگ در اتحاد جماهیر شوروی است که توانایی پرواز با سرعتی بیش از ۲ برابر سرعت صوت یا دو ماخ را دارد. «مرکز تدوین»

خواهان آنیم که روس‌ها از وطن ما خارج شوند، در این وقت بلافاصله حاکم امر نمود تا آن محل را زیر آتش بگیرند، صدها تن زن و مرد و اطفال معصوم به خاک و خون یک‌سان شدند و باقی آن‌ها به مسجد پناه بردند، به امید اینکه مسجد حرم خداوند است؛ ولی حاکم و عساکرش با بی‌حرمتی تمام داخل خانه خدا گردیدند و همه آن مردم را به قتل رسانیدند.

- من از وسایل آگاهی و دستگاه‌های خبررسانی دُول اسلامی در مورد شرح اهداف انقلاب افغانستان - که جهاد و مبارزه را علیه دولت کمونیستی آغاز کرده است - آرزو مندم که قضیه افغانستان را به همه جهانیان انعکاس دهند. همچنان که بسیاری از کشورها، انقلاب نیکاراگوا^۱ را به تعقیب تشدید بر خورده‌ها پشتیبانی نموده، حکومت موقتی او را به رسمیت شناختند و به آن کمک و مساعدت نمودند، در حالی که ما از هیچ‌یکی این مساعدت‌ها برخوردار نیستیم.

اگر ما از تأیید و پشتیبانی دُول اسلامی برخوردار می‌بودیم، ضروراً یک دولت اسلامی را در کابل مستقر می‌ساختیم و چون نهضت ما یک نهضت عقیدتی است، پشتیبانی و تأیید از آن بر هر مسلمان واجب است.

- ما با روس‌ها که ملت ما را به زنجیر اسارت کشیده و توسط مزدوران لئیم خویش با ارتکاب اعمال ضد کرامت انسانی ملت ما را تعذیب و شکنجه

۱. انقلاب نیکاراگوه / نکاراگوا: شامل مخالفت‌های فزاینده علیه دیکتاتوری سوموزا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م، بود که تحت رهبری جبهه آزادی‌بخش ملی ساندینیستا (FSLN) برای سرنگونی دیکتاتوری در ۱۹۷۸-۱۹۷۹ م، برای حکومت نیکاراگوا بود. بعد از آن جنگ کنترال بین دولت نیکاراگوا تحت رهبری ساندینیستا و کنتراهای تحت حمایت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ به راه افتاد. انقلاب دوره مهمی در تاریخ نیکاراگوا را رقم زد و این کشور را به‌عنوان یکی از میدان‌های جنگ نیابتی اصلی جنگ سرد نشان داد و توجه بین‌المللی زیادی را به خود جلب کرد. انقلاب نیکاراگوا و سرنگونی رژیم سوموزا در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ و جنگ کنترال در دهه ۱۹۸۰ جان ده‌ها هزار نفر از مردم نیکاراگوا را گرفت و موضوع بحث‌های شدید بین‌المللی بود و در نهایت به دلیل آشفتگی سیاسی، اقتصادی، دولت نیکاراگوا رو به زوال رفت. برای معلومات بیشتر نگاه شود: وب‌سایت www.abadis.ir. «انقلاب نیکاراگوا ۱۹۶۱»، تاریخ دریافت مطلب: ۰۵:۲۹ بعد از ظهر، ۴ سنبله ۱۴۰۲ ه.ش. «مرکز تدوین»

می‌نمایند، هیچ‌وقت سر سازش نداریم. ما اکنون حکومت اسلامی موقتی را به‌منظور ادارهٔ امور در مناطق آزادشدهٔ کشور خویش تأسیس کرده‌ایم، آرزومندیم که همهٔ جهان حکومت موقت ما را به رسمیت بشناسند و از لحاظ سیاسی، تبلیغاتی و نظامی با ما مساعدت کنند تا آن را به‌صورت یک حکومت اسلامی کامل استقرار بخشیم. ما می‌خواهیم یک اردوی عسکری مسلح و نیرومندی را تشکیل دهیم.

رهبر انقلاب افغانستان گفتارش را با این جملات خاتمه بخشید:

من استجابات و احساسات نیک سران کشورهای را که ضمن این سفر از آنان دیدن به عمل آوردم، در مورد کمک و تأیید انقلاب اسلامی افغانستان و آزادی مردم مسلمان افغان از تحت سلطهٔ حکومت تره‌کی عملاً مشاهده کردم.

والسلام.

گفت وگوي چهل و پنجم

با

جريدة اتحاد

تاريخ: سه شنبه ۱۰ جون ۱۹۷۹.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورناليست.



یادداشت جریده اتحاد:

پروفسور برهان الدین ربّانی، به روز سه‌شنبه ۱۰ جون ۱۹۷۹ در مصاحبه‌ای با جریده اتحاد ضمن ملاقات مفصلی با محمّد عبدالرحمن البکر وزیر عدلیه امور اسلامی ابوظبی.

روز گذشته جلالت مآب عبدالرحمن البکر وزیر عدلیه و امور اسلامی و اوقاف کشور ابوظبی، اجتماعی را با نمایندگان انقلاب اسلامی افغانستان - که از این کشور دیدار به عمل آوردند - تشکیل داد و معلومات مفصلی راجع به موفقیت‌های چشمگیر انقلاب اسلامی افغانستان برضد رژیم کمونیستی تره‌کی به دست آوردند.

چنانکه پروفسور برهان الدین ربّانی، توضیح داد که انقلاب اسلامی افغانستان خواهان منسجم ساختن صفوفش در یک جبهه واحد به نام «جبهه اسلامی مردم افغانستان» علیه کمونیزم می‌باشد.

ایشان بعد از جواب به سوالات زیادی در جواب سوالی از مصادر اسلحه گفتند:

- ما به خاطر دریافت اسلحه‌ای که علیه حکومت تره‌کی از آن استفاده می‌کنیم، دو مصدر اساسی داریم که از جمله مصدر اولی خیلی‌ها نیرومند و پرثمر است که آن عبارت از سلاحی است که ما آن را از دشمن به دست

می‌آوریم و آن به مثابهٔ مصدر اساسی و اوّلی می‌باشد.

مصدر دوّمی ما عبارت از سیّاحی است که از قدیم نزد مردم ما وجود دارد و همچنین ما از سیّاحی استفاده می‌کنیم که آن را با لوازم ضروری زندگی خود به مشکلات زیادی خریداری می‌کنیم، در غیر آن، ما هیچ مصدري نداریم که از آن، در جهت تقویت انقلاب استفاده کنیم.

با وجود این همه بی‌وسیلگی، تعداد زیادی از پیلوت‌ها و صاحب‌منصبان عسکری به ما می‌پیوندند و عساکر زیادی همراه با اسلحهٔ خود در صف مجاهدین قرار می‌گیرند که این امر را جزء غیرت ایمانی و حُبّ وطن چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد.

رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در مورد وسایل تبلیغاتی و نشراتی که از آن‌ها پرسیده شد، گفتند: ما در داخل نشرات و بیاناتی داریم که به مردم خود می‌رسانیم و ما از این طریق کمک بزرگی را به انقلاب در جهت تقویت و برقراری ارتباطات و برانگیختن حماسه‌های انقلابی بجا می‌گذاریم و مردم مسلمان خود را که به ندای جهاد مقدّس لبیک می‌گویند، اطمینان می‌دهیم؛ ولی در خارج با تأسّف باید بگوییم که تا هنوز به تأسیس یک دستگاه اعلامی و تبلیغاتی جهت آگاهی مردم جهان موفق نگردیده‌ایم و کشورهای خارجی هم صدای ما را به گوش جهانیان نمی‌رسانند، به‌استثنای بعضی مجلات و نشریات اسلامی که با وجود قیودات و خطرهای زیادی از طرف دشمنان اسلام پاره‌ای از وقایع انقلاب ما را پخش می‌نمایند و بس.

رهبر جمعیت اسلامی افغانستان بعد از پاسخ به سوالات متعدد و شرح اهداف و تاریخ مبارزات جمعیت اسلامی افغانستان، به چنین سوالی برخوردند.

سوال: آیا شما فکر می‌کنید که انقلاب اسلامی شما به یک جهتی مواجه گردیده و خواستار کمک و معاونت شود؟

جواب: ما از همه کشورهای اسلامی آرزو داریم که انقلاب ما را از لحاظ سیّاح و دیگر ضروریات و مهمات - که یک مجاهد و مبارز به آن ضرورت

دارد و به‌خاطر دفاع از دین، وطن و شرف خود از میکروب کثیف کمونیزم قتل می‌نماید- مساعدت و همکاری نمایند.

پروفیسور ربّانی، در باره آغاز انقلاب گفتند: جمعیت اسلامی افغانستان که تاریخ مبارزاتش به ۲۳ سال می‌رسد، امروز حیثیت هسته مرکزی انقلاب اسلامی افغانستان را دارد.

جمعیت بعد از روی کار آمدن داود به انقلاب مسلحانه دست زد، چون می‌دانست که حکومت محمد داود فرمان برادر بی‌چون و چرای کمونیزم است، افراد زیادی از جمعیت محبوس گردیدند و سلاحی که از آن کار می‌گرفتیم، سلاح همه مردم افغانستان بود، وقتی که ما اندکی درنگ کردیم، گروه‌های زیادی به ما پیوستند و ما از همان آوان به حرکت آغاز نمودیم، سلطه محمد داود و فشار و اختناق او صحنه را برای من و دیگر رهبران تنگ ساخت و من مجبور شدم که پایتخت را ترک بگویم و به مناطق سرحدی بروم، ما بعداً در آن مناطق انقلاب مسلحانه را آغاز نمودیم و به تشکیل اساسی جمعیت دست زدیم تا بتواند انقلاب اسلامی را رهبری کند، از این راه ما دگرگونی و پریشانی

۱. سردار داود خان پسر سردار محمد عزیزخان فرزند محمد یوسف خان پسر سردار یحیی خان فرزند سلطان محمد خان طلایی و اولاد سردار پاینده محمد خان محمدزایی می‌باشد که در ۲۷ سرطان سال ۱۲۸۸ هـ.ش، در شهر کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱ م، وارد دانشکده افسران اردو گردید. در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م، وی در پست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد. در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور بود. ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳ م، برکنار کرد. در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ هـ.ش، با توسل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک ناسیونالیست بود. از این‌رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد. پس از پیروزی برای کادرهای این جناح، پست‌های مهم و کلیدی داده شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپی‌ها فاصله گرفت. به‌رحال، پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، حزب دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. در مورد داود خان می‌توانید، به کتاب‌های ذیل نگاه کنید: سردار داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک»، (pdf)، نشر سال ۱۴۰۱ مرکز تدوین، ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان، از استاد شهید، افغانستان در پنج قرن اخیر از میر محمد صدیق فرهنگ و اکرم، عاصم، نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست‌های سردار محمد داود، سال چاپ ۱۳۸۰ هـ.ش، انتشارات میزان. «مرکز تدوین»

زیادی را به کمونیزم مواجه ساختیم.
در پایان پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، در مورد تأثیر زن در انقلاب اسلامی
افغانستان گفتند:

زنان در پیشبرد انقلاب نقش فعالی را ایفا می‌کنند، آن‌ها با مجاهدین
همراهی نموده، در تظاهرات ضد رژیم تره‌کی شرکت می‌نمایند، مجروحین
را تداوی نموده و بعضاً در جنگ اشتراک می‌ورزند، همچنان که مسجد امروز
در تنظیم و انسجام‌بخشیدن صفوف مجاهدین در پیشبرد انقلاب تأثیر بسزایی
دارد.

گفت وگوى چهل و ششم

با

خبرنگار جريده المدينه

جريدة المدينه چاپ مدينه منوره، شماره ۴۶۱۵، سه شنبه ۱۷

رجب المرجب.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورناليست.



یادداشت جریده المدینه:

فضیلت مآب برهان الدین ربّانی رهبر جهاد اسلامی در افغانستان و زعیم جمعیت اسلامی افغانستان، چوکی خود را که به حیث استاد فلسفه اسلامی در پوهنتون کابل ایفای وظیفه می کردند، ترک گفته، همراه علما، دانشجویان و دهاقین با حمل تیر و تفنگ در مقابل نظام کمونیستی به صف آرایی آغاز کردند.

ایشان طی گفت و گوی خاصی با جریده المدینه، اوضاع افغانستان را

چنین بررسی کردند:

- افغانستان از لحاظ تقسیمات اداری به ۲۹ ولایت^۱ بالغ می گردد که همین اکنون در ۱۵ ولایت آن جنگ و انقلاب بر ضد سلطه رژیم مارکسیستی ادامه دارد و دامنه آن به تمام ولایات دیگر به استثنای پنج ولایت وسعت یافته است و این امر عملاً ثابت می کند که انقلاب اسلامی مجموعاً ۲۴ ولایت را در بر گرفته است که در نتیجه دامنه جنگ تا نواحی نزدیک کابل مرکز افغانستان رسیده است.

- جنگ های شدید و پیروزی های چشمگیر مسلمانان چنان رعب و ترس را در قلب رژیم تره کی ایجاد کرده است که تره کی، صدراعظم و دیگر وزرای شان توأم با اعضای فامیل های شان از کابل خارج گردیده و به

۱. اکنون افغانستان (۱۴۰۲ هـ ش) داری ۳۴ ولایت / استان می باشد. «مرکز تدوین»

قشله‌های عسکری پناه برده‌اند و در این روزها امور دولت توسط مستشاران روسی اداره می‌شود.

- شدت انقلاب اسلامی و وسعت آن چنین نتیجه را بار آورده که در ولایات مختلف افغانستان موظفین دولت خویشان را پنهان و فرار نمایند و اکنون ولایات شش‌گانه کنرها، ارزگان، بامیان، قسمت اعظمی از ولایات پکتیا، زابل، هلمند و مناطق وسیعی در ولایات هرات، از اداره دولت مرکزی خارج گردیده، همچنان قسمت‌های زیادی از ولایات لوگر خارج از اداره دولت تره‌کی به صورت مستقل، حیات‌شان را به سر می‌برند.

- روی هم رفته اتحاد جماهیر شوروی دخالت خویش را توسط صادر نمودن سلاح به دولت تره‌کی، ورود روزافزون مشاورین نظامی و جنگ آزمودگان خود به افغانستان هرچه بیشتر تشدید نموده است تا جایی که به صراحت باید گفت: جنگی که فعلاً در افغانستان جریان دارد و تاکتیک‌هایی که آن را رهبری می‌کند، یک جنگ داخلی نبوده؛ بلکه شوروی این فشار را وارد نموده است و در حقیقت جنگ اجنبی می‌باشد؛ زیرا طیارات روسی روزمره در این جنگ اشتراک می‌ورزند، تانک‌ها و دافع هواهای شوروی همه‌روزه در کار است، سلاح‌های فاسفوری - که استعمال آن‌ها در صحنه بین‌المللی ناجایز است - هر آن به افغانستان وارد و علیه مسلمانان آن کشور استعمال می‌شود و حتی بم‌هایی که قبل از انفجار در زمین فرو می‌رود و تخریب مدش و هولناک ایجاد می‌کند، استعمال می‌گردد.

یک خبرنگار امریکایی که صحنه‌های مختلف جنگ ویتنام را مشاهده کرده بود، ضمن دیدار از مناطق جنگ در افغانستان با دهشت زیادی اظهار داشتند که جنگ خانمان‌سوزی که فعلاً در افغانستان جریان دارد، نه در ویتنام نظیری داشته و نه در جنوب لبنان. بسیاری قریه‌ها کاملاً نیست و نابود شده‌اند و حتی یک خانه هم در آن‌ها باقی نمانده است. برخورد آن قدر وحشتناک است که گویی بین دو دولت متخاصم جنگ در گرفته که نه

اصول و قوانین حرب مراعات می‌شود و نه در بین مردم فرقی می‌گذارد. در ولایت کنر قریه‌ای به نام «ننگلام» یک‌سره نابود گردیده است و همچنین در «دره صوف» قریه‌هایی تدمیر گردیده و در ولایت مزارشریف هم جوار شوروی عین فجایع صورت گرفته است.

در ولایت هرات بعد از اینکه مسلمانان به تعداد حدوداً ۳۰۰ نفر مشاورین روسی را به قتل رسانیدند، شوروی به منظور انتقام جویی، شهرهای زیادی را در این ولایت خراب و بمباردمان کرد؛

بلی به حدی نیروهای اتحاد شوروی طی چند روز متوالی، با حملات مسلسل، شهر و ده هرات را بمبارد و به خاک یک‌سان کردند که شهر هرات و نواحی آن کاملاً تخریب گردیده است؛ ولی با این همه مجاهدین اسلامی اطراف نزدیک در حدود پنج الی ده کیلومتری مرکز هرات را در دست گرفته‌اند.

اتحاد شوروی در این جنگ خونین مستقیماً شرکت می‌ورزد و برای اثبات این امر، دلایل و شواهد زیادی موجود است:

۱- ما می‌دانیم که پیلوت‌های ورزیده افغانی به جز ۲ الی ۳ نفر آن‌ها همه در زندان‌ها به‌سر می‌برند و آن‌هایی که خارج از زندان هستند، فقط قدرت قیادت طیارات میگ-۲۱ و طیارات سوخو-۳۵^۱ را دارند و بس و در مشق‌های جنگی مهارت ندارند؛

۲- طیاراتی که ولایت هرات را مورد حمله قرار دادند، از نوع طیارات جدیدی بودند، نه طیارات میگ-۲۱، چون طیارات میگ-۲۱ نمی‌تواند در یک پرواز واحد از میدان هوایی کابل، ولایت هرات را بمبارد کنند و بعد مسافت بین کابل و هرات اجازه نمی‌دهد که طیارات میگ-۲۱ بالای هرات حمله کرده و بدون اخذ مواد سوخت دوباره به کابل مراجعه کند و

۱. سوخو-۳۵: یک جنگنده چندمنظوره ابرچابک تک‌خلبان ساخت کشور روسیه با قابلیت مانور بالاست که به‌عنوان یک جنگنده برتر هوایی طراحی شده است. سوخو-۳۵ در سازمان ناتو با نام «فلانکر-E شناخته می‌شود. «مرکز تدوین»

ما یقین کامل داریم که نزدیک‌ترین میدانی که این طیارات پرواز می‌کردند، میدان هوایی تاجیکستان شوروی می‌باشد و همچنین پیلوت‌هایی که بالای هرات بمب می‌انداختند، موقعیت مجاهدین را تشخیص داده نمی‌توانستند، از همین سبب بالای لشکر دولتی نیز بمبارد می‌کردند و دیگر اینکه آن‌ها به لسانی که افغانی‌ها تکلم می‌کنند، سخن گفته نمی‌توانند و هم اسلوب غیرانسانی را که در تخریب و تدمیر در پیش گرفته بودند، فطرت و طبیعت یک افغان هیچ‌وقت آن را قبول کرده نمی‌تواند و ما طوری که مخابره پیلوت‌ها را ثبت نموده‌ایم و مطابق اسناد دست‌داشته ثابت می‌سازیم که پیلوت‌های روسی مناطق افغانستان را بمبارد مان می‌کنند.

ما تنها در هرات هفت طیاره میگ را سقوط دادیم، عساکر مسلمان با وسایل دست‌داشته خویش با ما پیوستند و دافع‌هواهای ضد طیارات را در مقابل حملات فضای دولت در خدمت مردم قرار دادند.

- ما به‌منظور نجات افغانستان و به‌سررسانیدن این مقاومت تا سرحد پیروزی می‌رزمیم و در این راه جان و مال خویش را قربان می‌کنیم.
- رژیم مارکسیستی تره‌کی در راه تغییر افغانستان به یک نظام کمونیستی در قوانین تربیه و تعلیم و قضا، در ساحات مختلف شروع نموده و کشور را در محور مسکو می‌چرخاند.

در ساحه اقتصاد، دولت تره‌کی دارایی‌های تجار و صاحبان کارخانه‌ها را ملی ساخت و به توزیع اراضی اقدام نمود که در نتیجه این پالسی به شکست و رکود مواجه گردید.

دولت فابریکه‌های کوچک را ملی کرد و از محصول باز ماندند، اموال تجارتی را ملی ساخت و بر آن قیوداتی وضع کرد که در نتیجه راه تجارت با خارج قطع گردید، زراعت را ملی ساخت که بدین ترتیب زراعت کشور سقوط کرد.

در افغانستان ده‌ها قین از ناحیه زمین مشکلی احساس نمی‌کردند، چون در افغانستان اراضی وسیعی وجود دارد که برای زراعت آماده می‌باشد.

از همین سبب بسیاری از دهاقین ملی ساختن زمین را حرام دانسته و از تصاحب شدن آن‌ها ابا می‌ورزند.

در ناحیه فرهنگی، حکومت برنامه‌ها و پروگرام‌های زیادی را بر ابعاد گوناگون دینی پی‌ریزی کرده که تاریخ افغانستان را تغییر خواهد داد و همه نهضت‌های افغانستان را به انقلاب بلشویکی کمونیستی پیوند می‌دهد و از همین سبب تاریخ مصنوعی دولت تره‌کی قیام آزادی خواهی مسلمانان افغانستان را علیه انگلیس تأثیر حرکت‌های کمونیستی جهان معرفی می‌کند. تره‌کی می‌خواهد افغانستان را مسخ نماید و تاریخ آن را با تاریخ کمونیزم پیوند دهد، دین و فرهنگ کشور را نابود سازد و افغانستان را در همه شئونش به اقتصاد مربوط دانسته و ثروت‌های طبیعی و معادن آن را در خدمت روس قرار دهد، مواد خام را به شوروی صادر نماید و دارایی‌های باقی‌ماندهٔ تجار را به واردکردن اموال از روس مجبور نماید. دولت تره‌کی مسئولیت پلان‌گذاری افغانستان را در عرصهٔ اقتصادی به مشاورین روسی واگذار کرده‌است.

شکی نیست که اکنون همه معاهدات تسلیحاتی به اتحاد شوروی منعقد گردیده و افغانستان نمی‌تواند سلاح را به جز از اتحاد شوروی از هیچ دولت دیگری وارد کند و حتی برای نظامیان خارجی اجازه داده نمی‌شود تا از مؤسّسات عسکری دیدن نمایند تا جایی که رژیم تره‌کی به تغییر دادن اوضاع قضایی کشور شروع نموده، همین حالا به تعداد ۴ نفر از مشاورین روسی در شورای قضا جهت پی‌ریزی برنامه‌های جدید مشغول بررسی می‌باشند.

رژیم تره‌کی به تعداد ۱۰۰ نفر افغانی را جهت آموختن امور قضایی به وزارت دفاع اتحاد شوروی فرستاده و شخصی به نام عبدالرحمن اوف - که از تاجیکستان^۱ شوروی می‌باشد - امور وزارت عدلیهٔ افغانستان را در دست

۱. تاجیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن شهر دوشنبه، زبان

دارد.

پروگرام‌های درسی را تغییر داده‌اند، فعلاً در مکاتب و مدارس افغانستان اندیشه‌های مارکسیستی در مراحل مختلف تعلیم و تربیه تدریس می‌شود. پروگرام‌های شامگاهی‌ای را به‌عنوان امحای بی‌سواد۱ تشکیل نموده و همچنان مردان و زنان مسلمان به‌خاطر آموزش فرهنگ کمونیسم جبراً به کورس‌ها سوق داده می‌شوند.

مسئله است که دولت در عملی ساختن این اهداف به مقاومت‌های شدیدی روبه‌رو می‌شود و ابداً نمی‌تواند این برنامه‌پی‌ریزی‌شده را عملی نماید و چنانکه بعد از آنکه چوکات جنگ وسعت پیدا کرد و مقاومت‌های اسلامی از هرسوزبانه کشید، این همه پلان‌ها نقش بر آب گردید و حتی حکومت، رژیم تجارتي و زراعتی کشور را در سایه نظام کمونیستی شوروی به حرکت انداخت، همکاری‌ها و حیات اجتماعی مردم را به نام «کالخوز و سالخوز»^۱ تغییر داد.

قسمی که در اتحاد شوروی مجموعه‌ای از کارگران و دهاقین به نام کالخوز یاد می‌شود که سر رشته امور آن‌ها به حزب کمونیست ارتباط دارد. - این همه ناروایی‌ها از یک طرف و از طرف دیگر رژیم مستبد تره‌کی در جهت تصفیة کامل علمای اسلامی از افغانستان حمله شدیدی را

رسمی آن تاجیکی و واحد پول آن سامانی است، دین بیش از ۹۰٪ مردم این کشور اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. ولی در این روزگار این کشور اسلامی جزو اتحاد جماهیر شوروی بود. «مرکز تدوین»

۱. کالخوز: مزرعة اشتراکی گونه‌ای مزرعه‌داری اشتراکی در اتحاد شوروی سابق بود که به‌عنوان روش تازه در کنار روش مزرعه‌داری دولتی (سوخوز) برپا شده بود. واژه کالخوز درهم‌کشیده‌ای از عبارت «کُلِکتیوَنه خوزیا ئِستوو» به معنای «خانه‌داری اشتراکی» است. اعضای کلخوزها را کلخوزی‌ها به روسی: مردان را کلخوزنیک و زنان را کلخوزنیتسا می‌نامیدند. این اعضا به تعداد روزهای کاری سهمی از محصول و سود مزرعه دریافت می‌کردند، در حالی که سوخوزها یعنی کشتزارهای دولتی، کارگران دستمزد مشخص داشتند. امروزه بیشتر کلخوزها در منطقه شوروی پیشین نابود شده و اصطلاح کلخوزی معنی‌ای مشابه «دهاتی» و «عمله» در فارسی پیدا کرده است. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: وب‌سایت www.abadis.ir، واژه «کلخوز»، تاریخ دریافت: ۵۶:۵۵، شنبه ۴ سنبله ۱۴۰۲ هـ. ش. «مرکز تدوین»

آغاز کرده، همه مدارس دینی را موقوف و مسدود نمود، مدرسهٔ تره‌خیل را تخریب کرده، مدرسهٔ دینی لوگر و مدارس هرات را منهدم ساخت، به تعداد حدوداً دوصد نفر از دانشجویان مسلمان مدرسهٔ محمدیهٔ قندهار را -که در برابر این اعمال شنیع بغاوت کرده بودند- همه را در موتر انداخته و تحویل زندان نمود و به تعداد حدوداً ۲۰۰ دانش‌آموز دیگر مسلمان را از مدرسهٔ «نجم‌المدارس» زندانی کرد و هم از جملهٔ ۳۵۰ نفر محصل مدرسهٔ مزارشریف ۱۲۰ نفر آن‌ها را محبوس ساخت.

هم‌اکنون هزارها تن از رهبران مذهبی افغانستان به‌صورت نامعلومی در زندان‌ها به‌سر می‌برند و تعداد عظیمی از آنان را به کشورهای هم‌جوار پاکستان و ایران و کوه‌های شامخ و جنگلات سرحدی مجبور به هجرت نمودند.

چنانکه ۲۰ روز پیش حکومت مارکسیستی تره‌کی حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان علوم اسلامی را در منطقهٔ «سپین بولدک» گرفتار و زنده پوست کرده و چون گوسفندان ذبح نموده و تعداد زیادی از آنان را پیش روی مردم در ولایت قندهار قرار داده و بر گردن‌های‌شان میخ‌های آهنی را کوبیدند.

دولت تره‌کی در نتیجهٔ عملیات ضد دینی‌اش در افغانستان در بسیاری از مساجد اذان‌دادن را منع قرار داده و از ادای نماز با جماعت در اکثر مساجد جلوگیری به عمل آورده و حتی بسیاری از مردگان مسلمان بدون ادای نماز جنازه دفن گردیدند و از همه فجیعانه‌تر اینکه عساکر تره‌کی تعداد زیادی از مساجد باشکوه را توسط بمب‌ها تخریب نمودند که از جمله مسجد تره‌خیل در کابل و مسجد پای منار و مسجد جامع بزرگ هرات را می‌توان نام برد و بدتر از آن اینکه، فعلاً در افغانستان مسجد به دو بخش تقسیم گردیده، در یک قسمت آن تعلیم نظریات مارکس^۱ برای زنان جریان دارد که حین ادای

۱. کارل مارس: در ۵ می ۱۸۱۸ م، در یکی از شهرهای آلمان زاده شد و در ۱۴ مارچ ۱۸۸۳ م، به‌عمر ۶۴ سالگی در لندن درگذشت. مارکس یهودی‌تبار بود. این فیلسوف آلمانی در باب اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و.. نظریات قابل‌بحثی دارد. برای معلومات بیشتر در مورد زندگی و نظریات کارل

نماز منسوبین فاسد رژیم تره‌کی اعم از مرد و زن داخل صفوف نمازگزاران گردیده و برای آن‌ها تشویش خلق می‌نماید، همچنان دولت جلو وعظ و خطابه‌های ائمه را گرفته و آنان را به جرم ادای نماز در اماکن عبادت و ضد دولتی بودن گرفتار و به زندان تحویل می‌دهد.

و از جمله موضوعات مضحک و در عین حال رنج‌دهنده و گریه‌آور اینکه اکنون به تعداد حدوداً صد هزار (۱۰۰۰۰۰) نفر مسلمان افغان در زندان‌ها محبوس‌اند و وقتی که اقارب محبوسین برای زیارت آن‌ها می‌روند، برای شان اجازه داده نمی‌شود تا از آنان دیدن کنند و در آنجا تاپه‌ای به عنوان ذیل نقش گردیده که با نشان دادن آن برای اقارب محبوسین، ایشان مسترد می‌شوند: «ما صحت داریم، شما پریشان نباشید!»؛ در حالی که کسی خبر ندارد که محبوسین زنده‌اند و یا نه و اکثریت آنان علمای دین، رهبران مذهبی و بزرگان قوم می‌باشند.

و از گناهان شنیع و ضد انسانی رژیم تره‌کی اینکه مردم را زنده زیر خاک می‌نماید که از جمله آن می‌توان منطقه «سرکانو»^۱ را نام برد.

در محیط افغانستان این وقایع جریان دارد و ما در مقابل رژیم مارکسیستی تره‌کی که در عقب آن بزرگ‌ترین قدرت جهانی (اتحاد شوروی) قرار دارد تا پای جان مبارزه و جهاد می‌کنیم، اگرچه ما از نگاه وسایل مادی از امکانات ناچیزی بهره‌مندیم؛ ولی ما با ایمان نیرومند و عقیده راسخ و خلل‌ناپذیر خود تا آخرین نفس، در مقابل این رژیم می‌جنگیم، هرچند جنگی که با آن روبه‌رویم، اشخاص زیادی در آن شهید می‌شوند، بیوه‌زن‌ها

مارکس و نقد دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه و اقتصادی او به کتاب‌های: نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص: ۱۹۰، اثر جورج ریتزر، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ دهم، ۱۳۸۴ ه.ش، انتشارات علمی، تهران، ایران و کتاب اسلام و سوسیالیسم از شیخ عبدالحلیم محمود، مترجم: رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ دوم، ۱۳۹۹ ه.ش. مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۱. سرکانو: یکی از شهرستان / ولسوالی‌های ولایت کنر در قسمت شرق افغانستان است. «مرکز تدوین»

و یتیمان خویش را بی‌سرپناه می‌گذارند، چنانکه در این جنگ کسان بی‌شماری مجروح می‌گردند و هزاران انسان بی‌دفاعی که اصلاً قدرت مقاومت را ندارند، به‌دست این رژیم بی‌خدا محکوم به مرگ می‌گردند. تعداد زیادی از برادران مجاهد ما در هفته‌های اخیر به‌خاطر نداشتن مواد غذایی از اوراق درختان تغذیه می‌نمودند تا جایی که در بعضی از این مناطق مجاهدین برای سه روز متوالی بدون غذا به‌سر می‌بردند و از برگ درختان استفاده نمودند.

با این همه دشواری‌ها و بی‌وسیلگی‌ها، خبرنگاران خارجی از مناطق آزادشده دیدن نمودند، اعتراف دارند که ۷۵ فیصد سرزمین افغانستان از تحت تسلط حکومت مرکزی آزاد گردیده است. اینجاست که نورمحمد تره‌کی به عواقب شوم و خطیر خود پی برده و دم‌به‌دم دولت‌های ایران و پاکستان را متهم به مداخله در امور داخلی افغانستان می‌نماید، در حالی که یقیناً تره‌کی می‌داند که ایران و پاکستان و چین حتی یک کارتوس هم برای مجاهدین مسلمان کمک نمی‌کند و اتهاماتی که در این مورد از منابع تبلیغاتی شوروی پخش می‌گردد، سرپای بی‌اساس و واهی است؛ ولی آن‌ها می‌خواهند به جهان چنین وانمود کنند که اگر رژیم تره‌کی در افغانستان سقوط می‌کند، نتیجه مداخلات دول خارجی می‌باشد.

شرایط فعلی افغانستان خود اتحاد شوروی را به لرزه درآورده است، چون روسیه می‌داند که تره‌کی و رژیم فاسدش در آستانه سقوط و نابودی به‌سر می‌برد، از همین جهت است که می‌خواهند غوغا و شوری را ایجاد نمایند و به نفع خود بهره‌برداری نمایند.

در صورتی که حتی یک نشانه هم برای اثبات کمک از هیچ دولت خارجی در دست نیست که برای انقلابیون همکاری نمایند. سلاحی که ما با آن در مقابل دولت تره‌کی می‌جنگیم، غالباً کلاشینکوف روسی است که از رژیم مارکسیستی تره‌کی که به رهبری مشاورین نظامی روسی با ما می‌جنگند، به غنیمت می‌گیریم و هم سلاحی که مورد استعمال ماست،

اسلحه بسیار قدیمی بوده که قبل از جنگ جهانی دوم^۱ از آن کار می‌گرفتند. یک خبرنگار فرانسوی با تعجب زیادی می‌نویسد که تفنگ زنگ‌زده قدیمی بر طیاره میگ جدید غالب می‌شود. این خبرنگار می‌افزاید که من این همه موفقیت‌های چشمگیر را جز قوت ایمان مردم مسلمان افغانستان چیز دیگری تعبیر کرده نمی‌توانم؛ زیرا هیچ‌کس تصور کرده نمی‌تواند که تفنگ قدیم در مقابل تانک و میگ روسی مقابله نماید.

در نتیجه این فتح و پیروزی آشکار که در صحنه‌های مختلف نبرد نصیب مسلمانان گردیده، ما می‌کوشیم تا یک تشکیل اسلامی وسیع را تحت رهبری یک نظام واحد قایم نماییم، ما تشکیل جبهه‌ای را می‌خواهیم که در آن همه میهن‌دوستان مؤمن، غیور و فداکار - که در راه نابودکردن میکروب کثیف کمونیسم از وطن‌شان به‌خاطر کسب رضای الهی سرومال را قربان می‌کند - سهیم شوند. ما در این راه مساعی به خرج دادیم و ارتباطات خود را با گروه‌های اسلامی افغانستان هرچه بیشتر مستحکم ساختیم.

مجلس آخری ما با عناصر و شخصیت‌های اسلامی افغانستان چهار ماه قبل صورت گرفت و با شخصیت‌های پاک و مسلمان تماس‌های قایم نمودیم و چنین فیصله‌ای را تصویب نمودیم که همه مردم افغانستان تحت یک بیرق مبارزه نمایند، چون دشمن همه آن‌ها مشترک و واحد است.

ما از جهان اسلام آرزو داریم که در این جهاد مقدس با ما شریک شوند و با مقتضای دین، عقیده و ایمان‌شان موقف مقاومت را علیه این دشمن اسلام اتخاذ نمایند.

۱. جنگ جهانی دوم: بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ م، به وقوع پیوسته بود. این جنگ بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرد تا جایی که دودسته از کشورهای مختلف به‌نام‌های متحدین و متفقین به وجود آمد. این گسترده‌ترین جنگ جهان است که در آن بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جنگیدند. در طول این جنگ؛ کشورهای مختلف تمام توان اقتصادی و علمی خود را بر محور ساخت تسلیحات جنگی متمرکز کردند. این جنگ همچنین باعث کشتارهای جمعی و حمله گسترده هوایی به شهرهای آلمان و بمباران هسته‌ای «هیروشیما» و «ناگازاکی» در جاپان شد. در طول جنگ جهانی دوم، بیش از ۷۰ میلیون نفر کشته شدند که این آمار خونین‌ترین درگیری انسان در طول تاریخ بشریت است. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۳۵ - ۲۳۷. «مرکز تدوین»

ناگفته نباید گذاشت که در این صحنهٔ پیکار، جنگ اوّلی و آخری بین اسلام و کمونیزم است. اکنون ما سلاح برداشته‌ایم تا در افغانستان تنها خدای یگانه پرستش شود و رژیم مارکسیستی تره‌کی که می‌خواهد مسلمانان را به‌سوی بردگی و بندگی بکشاند، نیست و نابود گردد.

والسلام.

گفت‌وگوي چهل وهفتم

با

خبرنگار جريده الهدف چاپ كويت كه متن عربي آن به تاريخ پنجشنبه

۱۵ جون انتشار يافته است.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورناليست.



یادداشت جریده الهدف:

از چند ماه به این طرف اخبار افغانستان را از لابه لای جراید و دستگاه‌های خبرگزاری جهان مطالعه می‌نمودیم که انقلاب اسلامی بر ضد رژیم کمونیستی نور محمد تره‌کی و حفیظ‌الله لعین^۱ که در سال ۱۹۷۷ قدرت را به‌دست گرفت، رو به اوج‌گیری و پیشرفت است. اگرچه حرکت اسلامی به‌صورت مخفی و زیرزمینی از چند سال به این طرف فعالیت می‌نمود؛ ولی در این اواخر جمعیت اسلامی افغانستان - که انقلاب اسلامی را برضد رژیم تره‌کی رهبری می‌کند - روی صحنه ظاهر شد.

کشور افغانستان که نفوس آن به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد و بعد از ایران

۱. حفیظ‌الله امین فرزند حبیب‌الله در سال ۱۹۲۹ م، در روستای «قاضی خیل» شهرستان پغمان به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۵ م، به عضویت حزب خلق درآمد و در مدت کوتاهی مسئولیت شاخه نظامی حزب را به کمک آموزگارش؛ یعنی تره‌کی به‌دست گرفت و بر اساس همین موقف بود که به گفته بعضی‌ها طرح کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هـ.ش را ریخت و داود خان را سرنگون کرد. امین بعد از قتل رهبر کبیرش با شعار «مصونیت، قانونیت و عدالت» به‌عنوان فرد شماره‌یک حزب، امور کشور را به‌دست گرفت و تمام جنایات گذشته خود و اعضای دیگر احزاب «خلق و پرچم» را به گردن تره‌کی انداخت. گفته می‌شود که امین باوجود ادعای روسی‌تر بودن خود، از دیگران، در زمان تحصیلات خود در دانشگاه کولمبیا، کمک‌های غیرمستقیم «CIA» را نیز دریافت می‌کرد و نقش یک جاسوس چندجانبه را بازی می‌کرد، پلان قتل امین که به‌وسیله جنرال «پاپوتین» و «تابیف» سفیر شوروی تحت‌نظر «مارشال سکولوف» معاون اول وزارت دفاع شوروی طراحی گردیده بود، در قصر خودش عملی گردید. روس‌ها بر اساس این طرح در ابتدا او را با سوپ مسموم کرده و به تعقیب آن با یک یورش برق‌آسای را به قتل رسانیدند، با نابودی امین و پایان حکومت صدروزه‌اش، روس‌ها بیرک را که از آن به‌عنوان «یابوی لجام‌گسیخته» یاد می‌کردند، در افغانستان به قدرت رسانیدند. نگاه: افغانستان در پنج قرن اخیر، ص: ۱۰۱۱ - ۱۰۲۷. «مرکز تدوین»

در دروازه شرقی کشورهای عربی قرار دارد، از طرف شمال به اتحاد شوروی، از شمال شرق به چین، از شرق به پاکستان محاط است.

یک هیئت چندنفری به نمایندگی از انقلاب افغانستان جهت شرح قضیه افغانستان به کویت موصلت ورزیدند که جریده الهدف با رئیس این گروه و رهبر انقلاب افغانستان پروفیسور برهان الدین ربّانی ملاقات نمود. رهبر انقلاب افغانستان جوانی است که حدود چهل سال عمر دارد، در اوصاف یک عالم به امور دینی نمایان است، چهره بشاش و جبین کشاده دارد، او ماستری خود را در رشته عقیده و فلسفه اسلامی در سال ۶۸ از «جامعه اظهر»^۱ به دست آورده و در همان سال دوباره به کشورش عودت نموده است.

بعد از آمدن به افغانستان در فاکولته شرعیات پوهنتون کابل به حیث استاد مقرر گردید و در پهلوی اجرای مسئولیت تدریس، اداره مجله ای به نام «شرعیات» را مدتی به دوش داشت و در سال ۷۲ به حیث امیر «جمعیت اسلامی افغانستان» که اکنون قیام مسلحانه مردم افغانستان را رهبری می‌کند، انتخاب گردید.

خبرنگار: از پروفیسور برهان الدین ربّانی، پرسیدم: چه وقت مفکوره ایجاد یک حرکت سرّی پیدا شد و تا کدام اندازه در بین مردم نفوذ کرد؟

۱. جامع الأظهر: یکی از معتبرترین نهادهای علمی و دانشگاهی دنیاست که در کشور مصر قرار گرفته که قدامتی بیش از هزار سال دارد و به عنوان نخستین مؤسسه دینی، علمی و اسلامی در قاهره - پایتخت مصر در دوران فاطمیان - ساخته شد و بعدها این نهاد علمی توسط «صلاح الدین ایوبی» وسعت و برنامه داده شد و تا اکنون به منظور اشاعه اعتدال و میانه‌روی، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهد. البته جامعه الأظهر (دانشگاه اظهر) بخشی از جامع الأظهر است که مساحت آن در حدود ۱۲ هزار متر مربع است و دارای ۵ مناره می‌باشد. البته این مؤسسه علمی در کنار مدارس و دیگر نهادهای علمی، دانشگاه آن دارای ۶۰ دانشکده بوده که ۴۳ دانشکده برای پسران و ۱۷ دانشکده برای دختران است. الأظهر مصر دارای مراکزی چون مرکز بیماری‌های خاص، مرکز میکروبیولوژی، مرکز بین‌المللی اسلامی، تحقیقات و مطالعات محیط زیست و مرکز اقتصاد اسلامی است. نگاه: الأظهر فی ألف عام، از محمد عبدالمعظم خفاجی، ناشر: عالم الکتب، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۸ هـ.ق، نوبت چاپ: دوم. «مرکز تدوین»

استاد: این انگیزه سال‌ها قبل در پوهنتون کابل نزد عده‌ای از استادان و در میان بعضی مدرسان و علمای اسلامی به وجود آمد.

خبرنگار: مجله شرعیات^۱ که شما آن را در سال‌های ۶۸-۶۹ تأسیس کردید و بعداً با آمدن انقلاب محمد داود، متوقف گردید، روی کدام منظور تأسیس گردیده و چه اهدافی را دارا بود؟

استاد: مجله‌ای که ما در پوهنتون کابل نشر می‌کردیم، بیانگر اهداف و افکار اسلامی بوده، این مجله در بین جوانان و اقشار مختلف مردم رول بس ارزنده را بازی می‌نمود. از همین جهت بود، وقتی که کودتای محمد داود به وجود آمد،^۲ این مجله به نام اینکه ارگان نشراتی حرکت اسلامی است، از نشر باز ماند.

خبرنگار: حین به وجود آمدن انقلاب‌های محمد داود در سال ۷۳ و انقلاب تره‌کی سال ۱۹۷۷ انقلاب اسلامی در افغانستان چه موقف داشت؟

استاد: ما آنان را انقلاب نمی‌نامیم؛ بلکه کودتاهاى مزدوران بودند که در جهت تحقق بخشیدن اهداف استعماری و توسعه جویانه کمونیزم در منطقه صورت گرفت، استعمار سرخ با بی‌شرمی کامل خواست استقلال جامعه مسلمان ما را مورد تهدید قرار داده و از راه افغانستان خود را به آب‌های گرم هند نزدیک برساند و افغانستان نخستین کشوری است که با

۱. مجله شرعیات: نشریه دانشکده شرعیات دانشگاه کابل است که در سال ۱۳۴۹ هـ.ش، به فعالیت آغاز کرده بود و به اثر تحولات سیاسی و کشمکش‌های داغ فکری، در سال ۱۳۵۲ هـ.ش، از همراهی کاروان مطبوعات کشور بازمانده بود. این مجله بعد از توقف دست کم ۳۷ سال، بار دیگر، به کاروان مطبوعات کشور پیوست و فعالیت‌های پژوهشی و علمی خویش را از سر گرفت. گفتنی است که استاد شهید نخستین مدیر مسئول این مجله بوده است. «مرکز تدوین»

۲. این کودتا در تاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ.ش که برابر است با ۱۷ جولای ۱۹۷۳ م که به وقیع پیوست. سردار محمد داود توسط کودتای نظامی، رژیم شاهی افغانستان را سرنگون کرده و [به اصطلاح] جمهوریت را اعلان کرد، رژیم مذکور توسط بیانیه رادیویی محمد داود خان به میان آمد. نگاه: کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، دکتر جمیل الرحمن کامگار، ص: ۲، استاد شهید G خود در این مورد نوشته‌ای دارند تحت نام «فاجعه ۲۶ سرطان» که تا هنوز از این مرکز به نشر نرسیده است. «مرکز تدوین»

استعمار^۱ جدید روبه‌رو می‌گردد و ملت افغان ملتی است بی‌دفاع که جز تفنگ‌های شکاری و بعضاً تفنگ‌های قدیمی که مردم افغانستان آن‌ها را در سال ۱۹۱۷ - سال حصول استقلال کشور خود- از انگلیس‌ها به‌دست آوردند، چیزی در اختیار ندارند.

خبرنگار: پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، بعد از شرح کشتارها و اعدام‌های وحشیانه دولت کمونیستی تره‌کی، چنین اظهار کرد:

یک خبرنگار فرانسوی که در جنگ ویتنام اشتراک ورزیده بود، زمانی که از مناطق جنگی ما با دشمن دیدار به عمل آورد، چنین گفت:

همه کشتارهایی که در جنگ ویتنام صورت گرفته بود، به مراتب ناچیز و محدودتر از آن چیزی است که در قرای افغانستان صورت می‌گیرد، در افغانستان از بمب‌های ناپالم^۲ و بمب‌های آتش‌زای کیمیاوی و گازهای مسموم‌کننده مردم در جهت سرکوبی انقلابیون کار گرفته می‌شود.

۱. واژه استعمار یا استعمارگری: در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگرش که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد: ۱- «إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشانند). ۲- «وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذًى» (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکل، تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن البنا و دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰. «مرکز تدوین»

۲. ناپالم: بمبی است آتش‌زا که آن را می‌توان با درنظرگرفتن محتویات امروزی اش جنگ‌افزار شیمیایی نیز نامید. ناپالم عموماً متشکل است از بنزین یا نفت، به علاوه مواد افزودنی که به این مایعات سوزنده خاصیت ژلاتینی و چسپندگی می‌دهند، مواد آرام‌سوز و چسپنده بدنه اجسام (یا انسان) را به تدریج و به طرز فجیعی می‌سوزانند. چند قطره از مایع بمب ناپالم کافی است تا جسمی در ابعاد تقریباً دو متر مکعب را بتوان نابود کرد. مواد ناپالم ضد آب‌اند و آتش ناپالم را نمی‌توان به راحتی با آب خاموش کرد. ناپالم قادر است، بدون تماس مستقیم نیز با حرارتی بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد اجسام را نابود کند. برای معلومات بیشتر نگاه شود: «آشنایی با انواع بمب‌ها - بمب ناپالم»، نویسنده: دکتر امیر حسین کشاورز، وب‌سایت، cph-theory.persianguig.com تاریخ دریافت مطلب: ساعت: ۱۸:۰۴ بعد از ظهر، ۳ سنبله ۱۴۰۲ ه. ش. «مرکز تدوین»

جای خیلی‌ها تعجب است که چرا دستگاه‌های نشراتی جهان در مورد قضیه شما مُهر خاموشی بر لب نهاده است!

با این همه، کشتارهای بی‌رحمانه دشمن، باز هم مشاهده نمودم که شما با تفنگ‌های قدیمی خود بر میگ‌های روسی حمله می‌برید و همراه سنگ‌ها با تانک‌ها مقابله می‌کنید.

هیچ تفسیری برای من وجود ندارد، جز اینکه بگویم تنها خداوند است که شما را همراهی و پشتیبانی می‌کند.

خبرنگار: اخباری از رفقای شما شنیدیم که در این عصر تعجب‌آور است و در آن کمک و مساعدت خداوند-جل جلاله- به صورت ملموس احساس شده است، آیا شما قسمتی از آن اخبار را یادآور می‌شوید تا مردم جهان و مسلمانان ما را از آن مستفید سازید؟

استاد: زمانی که جهاد مقدّس بر ضد حکومت کمونیستی اعلان شد، هیچ چیزی در دسترس نداشتیم، نه ما و نه دشمن ما فکر می‌کرد که ما به این درجه کامیابی‌های بزرگ نایل می‌شویم. در ابتدا که ما حرکت را به راه انداختیم، به تعداد ۴۰ نفر فدایی داشتیم که مجموعاً پنج میل تفنگ و ۴ عدد بمب دستی و بعضی تفنگ‌های شکاری در دست داشتند.

آن‌ها با وسایل دست‌داشته بالای قشله عسکری که در مرز میان چین و پاکستان واقع بود و به تعداد شش صد نفر عسکر مسلّح در آن قشله وجود داشت، حمله نمودند. فداییان قشله عسکری را محاصره نمودند و هرکدام یک یک فیر تفنگ نمودند، در این وقت دولت توسط توپ‌های هاوان به تیراندازی آغاز کرد و طیارات هوایی از بمباری کار گرفت که فیر آن‌ها یک ساعت طول کشید، بازهم فداییان از هرجهت یک یک فیر دیگر نمودند که بازهم طرفداران دولت به همان سلاح قبلی به طور متوالی به آتش‌بازی دوام دادند، با فرار سیدن شب، مجاهدین به قشله عسکری نزدیک شدند و یک نفر فدایی به نام «عبدالله» بالای دیوار قشله مذکور برآمده، یکی دو بمب دستی را به داخل قشله انفلاق داد و همراه با انداختن گرنیت سوّم، خودش

هم در بین قشله عسکری خیز گرفت و بعد از صدای «الله اکبر» آواز مدهشی صدا نمود که مجاهدین شما را محاصره نموده‌اند، هرچه زودتر تسلیم شوید، هیچ راهی برای تان باقی نمانده؛ در این وقت آمر نظامی آن‌ها که از کمونیستان بود، فرار نموده و باقی شش صد عسکر به مجاهدین بدون مقاومت تسلیم شدند، مجاهدین در این منطقه به تعداد ده هزار ماشیندار کلاشینکوف، بیش از هشتاد عراده موتر عسکری، اسلحه مختلف ثقیل، تانک‌ها و غیره تجهیزات را به غنیمت گرفتند و همچنین در این جنگ یک جنرال هم به قتل رسید.

طیارات و پرندگان، اینجا خبر دیگری است که نصرت خداوند را به مؤمنان نشان می‌دهد. طیاره‌ها، بم‌های آتش‌افزایی را حمل می‌کردند که اگر آن‌ها منفجر می‌شد، منطقه بزرگی را آتش می‌گرفت؛ ولی پرندگانی بودند که خود را با طیارات حمله‌ور یکجا می‌ساختند، وقتی که طیارات بارهای خود را فرو می‌ریختند، پرنده‌ها هم با بمب‌ها و مرمی‌ها یکجا پایان می‌شدند که در این وقت یا بالای عساکر خود دولت انفجار می‌نمود یا در نقطه بعید از مجاهدین سقوط می‌نمود و یا هیچ منفجر نمی‌شد.

و همچنین خبر دیگری است که صاحب‌منصبانی که به مجاهدین تسلیم شدند، می‌گویند که ما در میان شما لشکری مشاهده می‌نمودیم که از حساب بیرون بود و لباس‌های سفید در تن داشتند، اکنون آن‌ها کجا هستند که ما آن‌ها را نمی‌بینیم.

خبرنگار: هدف از آمدن شما چیست؟

استاد: ما آمدیم تا قضیه افغانستان را برای برادران خود در کویت، خلیج و عربستان سعودی تشریح کنیم و آن‌ها را آگاه سازیم که هدف اساسی کمونیسم تنها افغانستان نبوده؛ بلکه کمونیسم تلاش دارد تا بالای منابع پترول و دیگر ذخایر منطقه هجوم آورد. اگر افغانستان خدای نخواسته در دهان کمونیسم سقوط کند، رسیدن آن بر کشورهای اسلامی هم جوار خیلی‌ها آسان است.

بناءً ما از جوانان و مسئولین کشورهای منطقه رجاء نمودیم که مسئولیت خویش را درک نمایند و رسالت‌شان را در برابر انقلاب اسلامی افغانستان - که در شرف فتح و پیروزی است - انجام دهند. علاقات و ارتباطات خویش را با دولت کمونیستی کابل قطع نمایند و با انقلابیون ارتباط عمیق اسلامی را برقرار سازند.

خبرنگار: انقلابیون اکنون در کدام مناطق وجود دارند؟
استاد: مجاهدین هشتاد درصد قریه‌جات و شهرهای کوچک را به دست آورده و همچنین مجاهدین از جمله ۲۹ ولایت، اکنون بر ولایات: کنرها،^۱ نورستان، ارزگان، بامیان، پکتیا^۲ و بدخشان^۳ تسلط دارند.

والسلام.

۱. کنر یا کنرها: یکی از ولایت‌های مشرقی افغانستان است. مساحت آن ۴۹۲۵,۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۴۲۸,۸ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «اسعدآباد» است، علامه سید جمال‌الدین افغانی یکی از شخصیت‌های نامدار و معروف کشور، دانشمند و بیدارگر شرق، از این اُستان / ولایت می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۲۶. «مرکز تدوین»

۲. پکتیا: از ولایات جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۵۵۸۳,۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۵۲۵ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر گردیز است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۴۲ - ۱۱۴۷. «مرکز تدوین»

۳. بدخشان: در انتهای گوشه شمال شرقی افغانستان واقع گردیده است. مساحت آن ۴۴۸۳۵,۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۹۰۴,۹ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر فیض‌آباد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱ - ۴۱۶. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی چهل‌وهشتم

با

نامه‌نگار نشریه انترنشنل امپکت

این مصاحبه در شماره ۲۲ جون ۱۹۷۹ انترنشنل امپکت به نشر رسیده
است.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورنالیست.



خبرنگار: پروفیسور ربّانی! چرا قیام مسلّح در افغانستان صورت گرفت؟ با داشتن حق اختلاف آراء و مخالفت، آیا فکر نمی‌کنید که اقدام شما به جنگ مسلّح یک راه افراطی در اظهار این اختلاف باشد؟

استاد: ما با یک رژیم کمونیستی ملحد افراطی و سرسخت مواجهیم، این ما نیستیم که بغاوت کرده‌ایم، باغی‌ها، گروه کوچکی از مارکسیست‌هایند که علیه اسلام و همه ارزش‌های عالی آن - که افغان‌ها به وجود آن افتخار دارند - بغاوت نموده‌اند. آن‌ها می‌خواهند اسلام را ریشه‌کن ساخته و افغانستان را به حیث یک قمر شوروی تبدیل کنند، ما افغان‌ها می‌خواهیم به این بغاوت پایان داده و از آزادی خود دفاع کنیم.

خبرنگار: آیا شما با نسبت دادن رژیم فعلی افغانستان به الحاد و کفر تا اندازه‌ای، از سختی کار نمی‌گیرید؟

استاد: نه هرگز! در حالی که کمونیستان شوروی در دشمنی خود در برابر مذهب تا اندازه نرم شده‌اند، کمونیست‌های ما در افغانستان قوس صعودی خود را می‌پیمایند. آیا باور می‌کنید، کسی که می‌خواهد به عضویت حزب خلق^۱ پذیرفته شود، باید بالای قرآن کریم پا گذاشته و در برابر مجسمه

۱. حزب خلق / خلق و پرچم: حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به نام «حزب وطن» یاد می‌شد. کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و تجاوز وحشیانه و ددمنشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دونیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی

«لنین»^۱ سجده نماید؟

این چیزی است که صورت می‌گیرد!

چیزی را که خلقی‌ها می‌خواهند، چیزی است که از آن به نام سوسیالیسم^۲ عملی و ماتریالیسم دیالکتیک^۳ تعبیر می‌کنند، این در نوشته‌های آن‌ها وجود دارد و اسنادی نزد ما موجود است که آن‌ها خواهان تطبیق

در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست‌محمد خان تا ببرک، از دکتر شیراحمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

۱. ولادیمیر ایلیچ اولیانوف معروف به لنین: در ۲۲ اپریل ۱۸۷۰ م، زاده شد و در ۲۱ جنوری ۱۹۲۴ م، به عمر ۵۳ سالگی درگذشت. لنین نظریه‌پرداز مارکسیست و انقلابی کمونیست روسی، رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بنیان‌گذار دولت اتحاد جماهیر شوروی بود و از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ م، نخست‌وزیر روسیه شوروی و از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ م، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. لنین نظریه کمونیستی-بلشویکی را بنیان گذاشت و این دیدگاه را به جایی رساند که به انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ م، انجامید و نخستین حکومت سوسیالیستی جهان را بنیان گذاشت. هسته مرکزی حکومتی که لنین به وجود آورد، به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبدیل شد که به‌رغم همه مشکلات و موانع دوام آورد. لنین و رهبران کمونیست کشور، روسیه را از جنگ جهانی اول بیرون کشیدند و در جنگ داخلی روسیه پیروز شدند. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: نقد لنینیسم از منظر مارکسیسم یا سوسیال دموکراسی؟ از محسن حیدریان، ۱۷ عقرب ۱۳۸۱ هـ.ش. <http://archiv.iran-emrooz.net/heydarian/1381/heydar810817.html>. «مرکز تدوین»

۲. سوسیالیسم یا جامعه‌باوری: این اصطلاح که از واژه «سوسیال» فرانسوی گرفته شده است، معناهای بسیاری دارد؛ اما تعریف معمول این اصطلاح را در واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، چنین می‌توان یافت، «سوسیالیسم تیوری یا سیاستی است که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید - سرمایه، زمین، اموال و جزء آن‌ها - به‌طور کلی و اداره آن‌ها به سود همگان است.» اصطلاح «سوسیالیسم» در ۱۸۳۲ م، در نشریه ارگان پیروان سن‌سیمون، برای عقاید سن‌سیمون، به کار برده شد و پس از آن در فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا رواج یافت. نگاه: دانشنامه سیاسی، از داریوش آشوری، ص: ۲۰۴-۲۰۵. «مرکز تدوین»

۳. ماتریالیسم دیالکتیک / Dialectical Materialism یا ماده‌باوری دیالکتیکی: نظریه فلسفی در زمینه مابعدالطبیعه است که این فلسفه با دستکاری‌هایی به‌صورت فلسفه رسمی حزب‌های کمونیست و مکمل «ماتریالیسم تاریخی» درآمده است. این فلسفه مدعی است که بنیان هستی «ماده» است و همه صورت‌های هستی بن و منشاء مادی دارند و صورت‌هایی از دگرگونی و توسعه ماده‌اند. برای فهم و مطالعه بیشتر این مفهوم و نقد آن، به این کتاب‌ها مراجعه شود: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۸۹، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ.ش، از داریوش آشوری، انتشارات مروارید، ایران و اسلام یا مارکسیسم، از دکتر مصطفی محمود، ترجمه سیدهدای خسروشاهی، چاپ نخست، ۱۳۹۰ هـ.ش، نشر احسان، ایران. «مرکز تدوین»

کمونیسم در افغانستان می‌باشند.

خبرنگار: آیا آن‌ها نمی‌گویند که به اسلام احترام دارند؟

استاد: اصل مسئله در همین جاست. آنان نمی‌گویند که ما به اسلام عقیده داریم، آن‌ها به اسلام طوری احترام دارند که در روسیه احترام گذاشته می‌شود. در این اواخر در لهجه آن‌ها تغییری به مشاهده می‌رسد. تره‌کی حالا می‌گوید که هرگز مخالف اسلام نبوده‌اند، آن‌ها می‌خواهند که نوشته و اسناد خودشان را تکذیب کنند؛ لیکن می‌دانند که حقیقتاً آن‌ها از اسلام دورند.

خبرنگار: آیا رژیم از حمایت «جمعیت العلماء» برخوردار نیست؟

استاد: در افغانستان چیزی به نام «جمعیت العلماء» وجود ندارد. بعد از کودتای خونین ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، اعضای جمعیت العلماء به فزونی‌ترین شکل از وزارت عدلیه اخراج گردیده و در عوض آن‌ها چندتن از خلقی‌هایی که سابقه بسیار طولانی و بلدیت با حفیظ‌الله امین داشته به موافقه خود امین، استخدام گردیدند.

اعضای نام‌نهاد فعلی «جمعیت العلماء» اشخاصی‌اند که نه موجودیت مستقل دارند و نه نفوذ مردمی. باید گفت: هیچ عالم واقعی از رژیم تره‌کی حمایت نمی‌کند، آن‌هایی که به نام عالم در آنجا موجودند، همه قلابی‌اند، آن‌ها یا اعضای حزب خلق‌اند و یا جزء دستگاه پولیس.

رژیم یک کورس سه‌ماهه را آغاز کرده است تا به کسانی که از رژیم خلق حمایت می‌کنند، سند عالم بودن بدهد، این چیزی است که ارزش ندارد.

خبرنگار: علت سقوط رژیم سردار محمد داود چه بود؟

استاد: علل سقوط رژیم محمد داود، طبیعی و سازشی، هر دو بود. رژیم داود یک رژیم فاسد بود، داود یک شخص فریبکار و تشنه قدرت بود، او به هیچ‌کس اعتماد نداشت، او توسط یک گروهی از عناصر چاپلوس محاصره شده بود که به او وفادار هم نبودند.

از جانب دیگر او روی آشتی به عناصر اسلامی در داخل حکومت و یا در میان اجتماع نداشت، شرایط ایدئالی برای یک دسیسه بین‌المللی مساعد بود تا جایی که نزد کمونیست‌ها مطرح است: داود یک مرحله‌ای از پلان عمومی آن‌ها را تشکیل می‌داد، آن‌ها از داود استفاده کرده و در میان قوای مسلح و نقاط دیگر قدرت نفوذ کردند و بعد از استعمال او را مثل یک کاغذ باطله به دور انداختند.

خبرنگار: آیا واقعاً چیزی وجود داشت که کودتای سال ۱۹۷۷ را به‌زودی به‌میان آورد؟

استاد: من چنین فکر می‌کنم؛ لیکن ما دقیقاً در این باره معلومات نداریم، واضح است که داود می‌خواست که از سرخ‌هایی که در لحاف وی درآمده بودند، نجات حاصل کند، او قبلاً وزرای طرفدار روسیه چون: معارف، زراعت و داخله را از کار برکنار کرد.

خبرنگار: آیا شما دست خارجی‌ها را در کودتا می‌بینید؟

استاد: فکر می‌کنم که روس در عقب دسیسه بود که رژیم داود را سقوط داد، حتی قبل از کودتا سفیر روسیه و اعضای سفارت آن کشور با بعضی از عناصر قوای مسلح نیز رابطه داشتند، از جانب دیگر چون روس‌ها در فعالیت‌های مختلف نظامی شامل بودند، عناصر دست‌نشانده خود را در جاهای حساس مقرر کردند.

خبرنگار: با وجود این همه، کمونیستان یک اقلیت بود، پس چگونه توانستند که به‌تنهایی خود دست به کودتا بزنند؟

استاد: قسمی که قبلاً گفتم: رژیم داود به‌دست خود قبرش را می‌کند، مورد نفرت عامه قرار گرفته بود و کمونیست‌ها نقشه کودتا را طرح و از عناصر نامنظم؛ ولی ناراض مسلمان و نشنلیست استفاده به عمل آوردند، حتی بعضی از پیلوت‌هایی که قصر داود را بمبارد کرد، اشخاص نشنلیست عادی بودند که با کمونیست‌ها فاصله بعید دارند.

به‌عین ترتیب تا وقتی که اسمای اعضای شورای انقلابی اعلان نشده

بود، در میان آن‌ها افراد مسلمان و ملی هر دو شامل بود؛ اما زمانی که اولین جلسه شورای انقلابی آغاز شد، شخصی که خود یک مسلمان بود و «معین‌الله» نام داشت، او وقتی دید که در میان اعضای شورای انقلابی افراد کمونیستی شامل‌اند، سوال کرد که کمونیست در آنجا چه می‌کند؟ مگر جوابی نشنید و روزی بعد با یک تعداد عناصر ملی دیگر اعدام شدند. واضح است که گروه اقلیت کمونیستان نمی‌توانستند به‌تنهایی خودشان این را کار بکنند؛ لیکن آن‌ها توانستند از یک‌عده کثیری از عناصر اسلامی و ملی استفاده کنند. ارتش نیز نمی‌دانستند که کودتا تحت قیادت کمونیستان صورت گرفته؛ ولی وقتی که دانست، دیگر دیر شده بود.

خبرنگار: ایالات متحده باید دشمنی حاد با کمونیستان داشته باشد و مخالف سرسخت توسعه‌طلبی با کمونیست‌ها باشد، از نظر شما رول آن کشور در قضایای افغانستان از چه قرار بوده است؟

استاد: خیلی عجیب! یا به سبب پالسی و یا کدام چیز دیگری، از دیرزمانی بود که امریکا در قسمت قضایای افغانستان چندان دل‌چسبی نمی‌گرفت. گفته می‌شود که سفیر امریکا در کابل در آن وقت از طریق رادیو خبر کودتا را شنید، آن‌ها نه متعجب بودند و نه تشویش برای‌شان پیدا شد. بعضی از مردم احساس می‌کنند که رژیم تره‌کی روابط امریکایی دارد. آنان می‌گویند: رقابت‌های دو ابرقدرت به هر ترتیبی که باشد آن دو در مقابل کشورهای اسلامی در خفا متحدند... از این طریق است که امریکا^۱ برای اشغال کشورهای اسلامی توسط روس راه را هموار می‌کند. در غیر آن، فهم سیاست امریکا در این زمینه خیلی مشکل است.

۱. به لحاظ موقعیت جغرافیایی ایالات متحده امریکا؛ کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد. مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۱۰۰۶۲۰۰ نفر تخمین شده‌است و پایتخت آن شهر واشنگتن است. زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن دلار امریکایی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹ و کتاب: امریکا چگونه امریکا شد، تاریخ ایالات متحده امریکا، تألیف: فرانک ال. شونل، ترجمه: ابراهیم صدقیانی، چاپ: چهارم، ۱۳۸۷ هـ ش، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

خبرنگار: به نظر شما پس چرا آن‌ها سفیر امریکا را در کابل به قتل رسانیدند؟

استاد: برخلاف سَلَف خود، آقای دابس،^۱ در شناخت منطقه مهارت داشت. عقیده بر آن است که دست روس در این قتل دخیل است. فکر می‌شود که سفیر جدید امریکا زیاد از حد در مسایل کنجکاوی می‌کرده و حدودی را که روس‌ها در نظر داشته بودند، شاید از طرف دابس مدنظر گرفته نشده باشد!

یک چیز مهم دیگر در میان بود و آن اینکه دولت خواست تا مسئولیت این قتل را به عهده گروه‌های اسلامی قرار دهد؛ ولی موفق نشد.

خبرنگار: با درنظر داشت اینکه مردم افغانستان به شدت مذهبی بودند و نظام موجود از هرنوع اظهارنظر منظم و پلان‌گذاری شده جلوگیری می‌کرد، ما حرکت اسلامی را در افغانستان باید بشناسیم؟!

استاد: جمعیت اسلامی افغانستان^۲ که من عضو آنم، از بیست سال به

۱. آلفرد دابس / Adolph Dubs: دیپلمات و سیاست‌مدار و سفیر امریکا در افغانستان بود. او در ۴ اگست ۱۹۲۰ در شیکاگو، ایلینوی امریکا زاده شده بود که در ۱۴ فبروری ۱۹۷۹ توسط افراد ناشناس در افغانستان ربوده شد و در جریان درگیری بین گروگان‌گیران و نیروهای امنیتی افغانستان در همان زمان کشته شد. «مرکز تدوین»

۲. جمعیت اسلامی افغانستان: یکی از احزاب سیاسی قدرتمند در افغانستان است که در سال ۱۳۳۶ هـ.ش، فعالیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی خویش را با رهبری جمعی از شخصیت‌های مطرح چون شهید پوهاند استاد غلام محمد نیازی... شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی، استاد محمد موسی توانا، استاد عبد رب الرسول سیاف و... شروع کرد و بعدها رهبری این حزب به اساس رأی اعضای مؤسسين نهضت اسلامی به پروفسور برهان‌الدین ربّانی، سپرده شد و تا زمان شهادت استاد برهان‌الدین ربّانی (۲۹ سنبله ۱۳۹۰ هـ.ش) رهبری این حزب قدرتمند سیاسی را به عهده داشت. این حزب در تاریخ معاصر افغانستان تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم داشته است و پس از سقوط حکومت دکتر نجیب تا سقوط طالبان در مجامع بین‌المللی به عنوان حاکم افغانستان شناخته می‌شد و در تاریخ ۷ ثور ۱۳۸۴ هـ.ش، مجوز رسمی فعالیت خود را از وزارت عدلیه دولت جمهوری افغانستان گرفت و پس از شهادت پروفسور برهان‌الدین ربّانی در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ م، فرزند ارشد استاد شهید، محترم صلاح‌الدین ربّانی رهبری این حزب را برعهده گرفت و شورای رهبری را از ۹ نفر به ۶۴ نفر توسعه داد، علاوه بر آنچه رهبر شهید در فوق در مورد چگونگی شکل‌گیری ای جریان فکری و اهداف مبارزاتی آن توضیح جامع و مانعی نیز گفتند، مزید بر آن، برای معلومات بیشتر در مورد جایگاه فکری جمعیت اسلامی، مرامنامه، اهداف و برنامه‌های آن، به نوشته‌های از نویسندگان

این طرف عرض اندام کرده است، نهضت در میان استادان پوهنتون و علما آغاز شد و زود در میان متعلمین و غیره قشرهای روشنفکر ریشه دوانید.

مردمانی در میان قوای مسلّح و سایر دواير دولتی بودند که عضویت این حرکت را داشتند؛ لیکن هستهٔ اساسی حرکت در میان روشنفکران متمرکز بود. کار این حرکت در آن زمان در ساحهٔ فرهنگی بود. کوشش می‌شد تا جوانان، اسلام را درک کنند و مطابق به آن زندگی خود را عیار سازند. ما حلقه‌های مطالعوی را تنظیم کرده و بر پخش و نشر مطالعهٔ اسلامی زیاده‌تر کار خود را متمرکز ساختیم، ما از کتب اسلامی که در پاکستان، ایران، مصر^۱ و غیره کشورهای اسلامی به چاپ می‌رسید، استفاده می‌کردیم.

اعضای حرکت، کتب و نظریات کمونیستی عصر و غیره نظریات غیردینی غرب را نیز مطالعه می‌کردند، نهضت در زمانی که حکومت ظاهرشاه سقوط کرد و داود به شکنجه و سرکوبی حرکت اسلامی پرداخت، به وضاحت مشاهده می‌کرد: نیرویی که داود را به قدرت رسانید، یک فرمول برایش داده بود و آن اینکه اسلام را باید درهم کوبید و راه را برای کمونیسم هموار کرد، به خاطر ظلم و شکنجه‌هایی که بر جمعیت صورت می‌گرفت و مطابق به اوضاعی که ما در آن قرار داشتیم، جمعیت تصمیم گرفت تا به اعضای خود تربیهٔ نظامی بدهد.

هدف مهم جمعیت را برقراری نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی در افغانستان تشکیل می‌دهد. ما مسلمانیم و طبیعی است که

نام‌آشنای جمعیت اسلامی چون مرحوم استاد محمدنسیم فقیری و دکتر عنایت‌الله خلیل هدف و نوشته‌های از استاد شهید مراجعه کنید: یادى از دو شهید، سال چاپ ۱۳۹۴ هـ.ش، ما کیستیم و چه می‌خواهیم، سال چاپ ۱۳۹۷ هـ.ش، وثیقهٔ ارجمند (خاستگاه، هدف و دیدگاه‌هایی فکری جمعیت) در حال چاپ، ۱۴۰۰ هـ.ش و سخنرانی‌ها و نوشته‌های دیگری از استاد شهید و اعضای ارشد جمعیت اسلامی افغانستان. «مرکز تدوین»

۱. مصر: کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۹۹۷۷۳۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۸۴۴۷۴۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن لیرهٔ مصر و پایتخت آن شهر «قاهره» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۱۰. «مرکز تدوین»

جامعه ما نیز به اساس اسلام باید تنظیم شود.

خبرنگار: ساختمان حرکت رهایی‌بخش افغانستان از چه قرار است و در کجا قرار دارد؟

استاد: البته جمعیت اسلامی افغانستان و حزب اسلامی افغانستان - که توسط یک همکار سابق ما انجینیر گلبدین رهبری می‌شود - وجود دارند. ما هم چنین حرکتی را به نام حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمدنبی می‌شناسیم، حرکت دیگری به نام جبهه ملی نجات - که توسط صبغت‌الله مجددی که یکی از علمای مشهور است - رهبری می‌شود، نیز وجود دارد.

خبرنگار: آیا این گروه‌ها باهم مختلف بوده و یا تحت یک چتر - که در آن گروه‌های وطن‌دوست دیگر نیز شرکت داشته باشند - فعالیت می‌کنند؟

استاد: واقعاً میان جمعیت اسلامی، حرکت انقلاب اسلامی و جبهه ملی نجات، همکاری قریب وجود دارد. ما اکنون در فکر ایجاد جبهه وسیع اسلامی‌ایم که به شما خاطر نشان گردید، ما توانسته‌ایم خطوط کلی آن را تعیین کنیم، قدم بعدی طرح یک پروگرام عملیاتی مشترک و تشکیل حکومت است. با این همه، مبارزه ملت افغان، از قید حدود و چوکات‌های تنظیمی خارج شده و در میان همه طبقات ملت نفوذ پیدا کرده است.

خبرنگار: حرکت رهایی‌بخش چه کمک‌هایی را از خارج دریافت می‌کند؟ دولت افغانستان بارها تکرار نموده است که گروه‌های شورشی از پاکستان، عربستان سعودی، چین و امریکا کمک دریافت می‌کنند؟

استاد: این ادعا کاملاً بی‌اساس است. ما هیچ‌نوع کمک سیاسی، تربیه نظامی و وسایل جنگی از کشورهای نام‌برده و یا یکی از کشورهای دیگر به‌دست نیاورده‌ایم.

واقعاً کسانی که به مارکس عقیده داشته باشند، از درک این مطلب که ایمان به خدا نیروی فوق‌العاده در انسان ایجاد می‌کند، عاجز می‌باشند.

ما وقتی که به جنگ شروع کردیم، فقط چند میل تفنگ قدیمی داشتیم، در نورستان ما، مردم زیورات زنان، تیپ‌ریکاردها، قالین و غیره اشیای

ضروری خود را فروختند. هر چیزی که داشتیم، فروختیم تا اسلحه و «کارتوس» بخریم، با مقایسهٔ چند تفنگ، اکنون مجاهدین ما ده هزار تفنگ در اختیار دارند. ما راکت‌اندازی نداشتیم، اکنون هشتاد میل آن در اختیار ماست، ما توپ نداشتیم، اکنون ۲۱ میل در اختیار مجاهدین قرار دارد، ما اسلحهٔ چینی و یا امریکایی نداریم، اسلحهٔ ما همه روسی‌اند؛ بدین ترتیب منبع اسلحهٔ ما خود روسیه است، ما با دشمن با اسلحهٔ خودش می‌جنگیم. کمک به نهضت اسلامی از طرف مردم ما تهیه می‌شود، چین با سیاست روس مخالف است؛ ولی به هیچ صورت با نهضت ما رابطه ندارد. ایران با قضیهٔ ما کمک اخلاقی نموده؛ لیکن کدام کمک سیاسی و نظامی ننموده است. در مورد عربستان و کشورهای دیگر عین سخن صدق می‌کند. پاکستان به زیاده از یک لک نفر ما را پناه داده و ما از این کمک انسانی و برادرانهٔ دولت پاکستان با در نظر داشت مشکلات خودشان از ته دل شکرگزاریم. ما هیچ آرزو نداریم که بر مشکلاتشان بیفزاییم و یا روابط آن کشور با قدرت‌های دیگر ناسازگار بسازیم.

در این اواخر از ما درخواست شده تا مصاحبه‌های مطبوعاتی برگزار نکنیم و ما این کار را نمی‌کنیم، به جز یک تعداد چپی‌ها، مردم پاکستان و حرکت‌های اسلامی با قضیهٔ عادلانهٔ ما هر نوع کمک اخلاقی خود را ابراز نموده‌اند، افغان‌ها مردم قدرشناسی‌اند و این شاءالله این قرض را واپس ادا خواهیم نمود.

اکنون که کشورهای اسلامی به ما کمک نمی‌کنند، امریکا چطور کمک کند؟ به امید پیروزی نهضت رهایی‌بخش افغانستان، امریکا می‌خواهد در آن نفوذ نموده و نفر خود را در رأس آن قرار بدهد، مطبوعات امریکا زعامت نهضت انقلابی مردم افغانستان را مطابق میل خود معرفی می‌نماید؛ اما می‌دانم که حقیقت آن طور نیست که مطبوعات امریکایی می‌نویسد.

خبرنگار: اگر پاکستان سرحد خود را با افغانستان ببندد و اگر حتی مهاجرین را به افغانستان رفتن مجبور کند، چه واقع خواهد شد؟ دیده

می‌شود که پاکستان تحت فشار شدید روس قرار دارد. استاد: از فشاری که بالای جنرال ضیاء الحق^۱ وارد می‌شود، باخبریم، این فشارها هم از خارج و هم از بعضی گروپ‌های غیر مذهبی داخل وارد می‌شود.

ناگفته پیداست که سالمیت و خوشحالی پاکستان مورد علاقه شدید قلبی ماست، ما بار سنگینی را که از ناحیه مهاجرین به پاکستان افتاده است، احساس می‌کنیم؛ لیکن هیچ‌کس به میل خود نمی‌خواهد، مهاجر شود. مسئله مهاجرین مولود نهضت انقلابی نیست؛ بلکه توسط بمباران قریه و تخریب خانه و قتل عام بیشتر از پنج صد هزار (۵۰۰۰۰۰) افغانی که شامل زن و اطفال می‌شود و در تاریخ کشور سابقه ندارد، به وجود آمده است.

رهبران رژیم در چندین موضع اظهار کرده‌اند که ما به ۱۲ میلیون نفوس ضرورت نداریم؛ به آن چیزی که ضرورت داریم و نزد ما مهم است، خاک افغانستان است.

در حالی که نمی‌توان در باره حالات فرضی اظهار نظر کرد؛ لیکن مسلم است که تغییر اوضاع، مبارزه‌رهای بخش ما را کند نخواهد ساخت، برعکس این تغییر باعث شدت و توسعه این مبارزه می‌شود.

خبرنگار: شما از روسیه و کمونیزم انتقاد زیاد می‌کنید، چطور می‌توانید با دشمنی با چنین یک قدرت بزرگ امید پیروزی داشته باشید! در صورت موفقیت روابطتان با شوروی از چه قرار خواهد بود؟

۱. شهید جنرال محمد ضیاء الحق: رئیس ستاد ارتش پاکستان و رئیس جمهور آن کشور بود - که در ۱۲ اگست ۱۹۲۴ زاده شد و در ۱۷ اگست ۱۹۸۸ مطابق ۲۷ اسد ۱۳۶۷ ه.ش، روز چهارشنبه، در یک سانحه هوایی پس از معاینات تمرینات اردوی پاکستان در بهاولپور که به طرف اسلام‌آباد پرواز می‌کردند، با انفجار هواپیمای حامل شان به شهادت رسید. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد؛ سال یازدهم، شماره ۴، ۲۹ اسد ۱۳۶۷ ه.ش و کتاب «کودکان سنگ به دست»، مجموعه مقالاتی از استاد شهید، مقاله «پس از ضیاء الحق چه خواهد شد؟»، ص: ۱۳۷، با ترجمه فضل‌ی آماج، نشر سال ۱۴۰۱ ه.ش، مرکز تدوین آثار رهبر شهید.

استاد: کامیابی و موفقیت به کمک و همکاری این و یا آن ابرقدرت وابسته نیست؛ بلکه وابسته به رحم و کرم خداوندی است که از همه طاقت‌ها بلندتر است. تا زمانی که ما در راه او می‌جنگیم، نصرت او نصیب ماست و شکست مفهومی ندارد تا جایی که انتقاد از شوروی مطرح است، ما بر بعضی از پالیسی‌های آن کشور انتقاد می‌کنیم، دشمنی و نفرت خاصی نسبت به آن کشور نداریم، اگر مردم شوروی می‌خواهند که کمونیزم را به حیث راه زندگی خود قبول کنند. این مربوط به میل خودشان است؛ همان قسمی که داشتن «جامعه اسلامی» در افغانستان حق ما و وظیفه ماست.

در گذشته‌ها روابط میان روسیه شوروی و افغانستان دوستانه بوده، این روابط از این هم بیشتر دوستانه خواهد شد، به شرط اینکه رهبران روس از تحمیل ایدیولوژی^۱ و سیستم سیاسی و اقتصادی خاص بالای مردم ما دست بردارند.

خبرنگار: آیا می‌توانید ضرورت و مشکلات خود را در این مرحله‌ای از مبارزه به طور خلاص بیان کنید؟

استاد: اولین مشکل ما کفالت و سرپرستی مهاجرین است که وطن خود و همه چیز خود را رها کرده‌اند. مهاجرین ما به حالت خیلی تشویش‌ناک مواجه‌اند. پاکستان کمک‌های انسانی خود را به مهاجرین می‌کند؛ لیکن بار خیلی سنگین است، باید این بار را تمام جهان اسلام مشترکاً بردارند تا جایی که ضرورت‌های ما مطرح بحث است، ما به پول، کارتوس، اسلحه، سامان، سیم و وسایل پخش رادیویی ضرورت داریم. ما

۱. ایدیولوژی: در فرهنگ فارسی معین، به انواع و اقسام سیستم‌های فکری و فلسفی و من‌جمله مذهب که به‌نوعی در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسایل سیاسی - اجتماعی مؤثر باشد، گفته شده است و ایدیولوگ، لغت فرانسوی است، به‌معنای «ایده‌شناسی» یا کسی که در یک ایدیولوژی صاحب‌نظر است و مرجعیت دارد. در برخی از کشورهای کمونیست «مؤسّسات ایدیولوژیک» برپاست و فیلسوفان حزبی را معمولاً «ایدیولوگ» می‌نامند. مارکسیسم - لنینیسم نمونه عالی و کامل یک ایدیولوژی است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۵۴ - ۵۵ و نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی از حمیدرضا جلالی‌پور و جمال محمدی، ص: ۴۸۸، چاپ ششم، ۱۳۹۴، نشر نی، تهران، «مرکز تدوین»

همچنین به کمک وسایل اطلاع‌جمعی و سیاسی کشورهای مسلمان و غیره
عدالت‌پسند جهان، هر زمان نیاز مبرم داریم.

والسلام.

گفت‌وگوی چهل‌ونهم

با

خبرنگار جریده السیاسة

استاد برهان‌الدین ربّانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان ضمن دیدارش از کشورهای شرق‌میانه در ملاقات خویش با جریده السیاسة چاپ کویت که به تاریخ سه‌شنبه، ۳/۷/۱۹۷۹ انتشار یافت.

منبع: ده مصاحبه با ده ژورنالیست.



فایز کرکوتلی می‌نویسد :

پروفسور برهان‌الدین ربّانی، رهبر انقلاب اسلامی افغانستان روز گذشته اعلان نمود که مجاهدین و مبارزین افغانی به‌خاطر سقوط رژیم کمونیستی و بیرون‌راندن مشاورین روسی از افغانستان تا نواحی پایتخت کابل پیشروی نموده‌اند.

نویسنده مذکور علاوه می‌کند:

پروفسور برهان‌الدین ربّانی که ۴۰ سال عمر دارد و ماستری خود را در رشته فلسفه اسلامی به‌دست آورده، در اثنای بازدیدشان از کویت^۱ و بعد از حضور در کنفرانس «الندوة العالمية للإسراء والمعراج» که در مملکت اردن هاشمی برگزار شد، فرمودند:

وسایل آگاهی و خبررسانی در جهان سوّم^۲ و دُول اسلامی فاقد استقلال

۱. کویت: کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۳۵۲۴۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن دینار کویت و پایتخت آن شهر «کویت» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام و شریعت اسلامی منبع اصلی برای قانون‌گذاری در آن است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۷. «مرکز تدوین»

۲. اصطلاح جهان سوّم: برای اولین بار توسط یک اقتصاددان فرانسوی به‌نام «آلفرد سووی» به کار رفت. منظور از آن، کشورهایی است که از لحاظ سطح توسعه در وضعیتی پایین‌تر از قدرت‌های بزرگ و متوسط جهان قرار گرفته‌اند، اکثر این کشورها، مدت‌زمانی تحت تسلط قدرت‌های استعمارگر زیسته‌اند و هنوز نتوانسته‌اند، آثار این سلطه را از بین ببرند، تلقی جهان‌سوّمی بودن باعث شده که ملت‌های ساکن در این جغرافیا، از کاروان توسعه بشری نسبت به کشورهای جهان اول عقب بمانند و همیشه مورد دست‌اندازی کشورهای شرور و توسعه‌طلب، قرار گیرند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۵۰. «مرکز تدوین»

و پیشرفت است و این به خاطر آن است که صهیونیزم^۱ در غرب و کمونیزم در شرق تأثیرات شوم استعماری خود را تحمیل نموده‌اند. از شکنجه‌ها و تعذیب‌های ناروایی که حکومت کمونیستی در کابل مرتکب می‌شود، هیچ‌کس سخنی نمی‌گوید، مجاهدین و انقلابیون افغانستان را از جمله خبرنگاران اسلامی، کسی از نزدیک دیدن نمی‌کند، تنها «جریده عکاظ» عربستان سعودی خبرنگاری فرستاد تا از مناطق آزادشده به‌دست انقلابیون اطلاع حاصل کند و همچنین یک خبرنگار فرانسوی که جنگ بنیان‌برانداز تخریبات و حملات شب‌اروزی طیارات را بالای اطفال، موسفیدان و زنان بی‌دفاع افغان به چشم سر مشاهده نمودند.

خبرنگار فرانسوی، وقتی که مقاومت شدید انقلابیون را در مقابل دولت کمونیستی مشاهده نمود، خاموشی و بی‌تفاوتی جهان را در برابر قضیه افغانستان تعجب‌آور خواند.

رهبر انقلاب اسلامی افغانستان علاوه نمود:

انقلاب نجات‌بخش در افغانستان بی‌درنگ به‌پیش می‌رود و همه‌روزه قسمتی از اراضی افغانستان از چنگال الحادی کمونیزم آزاد می‌گردد و به‌جز مراکز بزرگ و پادگان‌های مرکزی، همه قریه‌جات و شهرها آزاد گردیده است. زعیم انقلاب اسلامی افغانستان فرمود:

دولت تیره‌کی از پشتیبانی کامل اتحاد شوروی برخوردار است، روش‌های مختلفی را جهت سرکوبی انقلابیون در پیش می‌گیرد؛ اما من

۱. صهیونیزم: یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپاکردن دولت یهود در فلسطین می‌باشد. دولتی که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند. این اسم را از کوه «صیون» که در قدس واقع است، گرفته‌اند. کوهی که گروه صهیونی می‌خواهند بالای آن هیکل حضرت سلیمان Z را درست کنند و دولتی به خود برپا کنند که قدس پایتخت آن باشد. حرکت صهیونی به شخص نمساوی «هرتزل» یهودی مرتبط می‌باشد. شخصی که داعی اول به‌طرف فکر صهیونی شمرده شده است. حرکت صهیونیزم در تمام جهان بر آرا و افکار وی بنا نهاده شده‌است. گروه‌های تندرو و متعصب یهودیان صهیونیست، خواهان به وجودآوردن یک کشور یهودی از راه قهر و سلطه نظامی‌اند که به‌اصطلاح «از نیل تا فرات» ادامه داشته باشد. نگاه: دانشنامه سیاسی از داریوش آشوری، ص: ۲۲۷. «مرکز تدوین»

می‌گوییم: دخالت نظامی و عسکری شوروی در افغانستان به مفاد آن دولت تمام نخواهد شد، فقط شوروی است که به تَره‌کی قدرت بقا و دوام داده است.

پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، در بارهٔ تصفیۀ کمونیست‌ها از مناطق آزادشده گفتند:

مردم مسلمان و مجاهد وقتی که در منطقه داخل می‌شوند و آن را آزاد می‌سازند، کمونیست‌هایی را که قبلاً می‌شناختند، به قتل می‌رسانند و عده‌ای از آن‌ها فرار می‌کنند. تعداد شهدای جنگ در مقایسه با کمونیست‌های کشته‌شده بسیار ناچیز است، تَره‌کی در روز اوّل انقلاب خونینش هشتاد هزار مسلمان افغانستان را به قتل رسانید تا اینکه کوچه‌ها از جثه‌های مردگان مملو گردید.

ما بر قشله‌های عسکری و مراکز اسلحهٔ دشمن حمله بردیم و اسلحهٔ زیادی را از دولت کمونیستی به‌دست آوردیم که انقلابیون ما آن را به‌خوبی استعمال کرده می‌تواند.

پروفیسور ربّانی، بعد از تشریح موضوعات مختلف گفتند: انقلابیون اسلامی در این جنگ غنایم زیادی را به‌دست آوردند که می‌توان به‌قسم نمونه از آن‌ها نام برد:

- ۱- ده هزار ماشیندار کلاشینکوف همراه با مرکز ذخیرهٔ آن؛
- ۲- بیست و دو عدد دافع‌هوا، ضد طیارات بمب‌افکن؛
- ۳- هجده عدد دافع زمینی ثقیل؛
- ۴- ده عدد تانک؛
- ۵- تعدادی از وسایل و لوازم جنگی؛
- ۶- تعداد زیادی از بمب‌های دستی و بمب‌های مختلف‌النوع دیگر؛
- ۷- تعداد زیادی از وسایل ارسال حمل و نقل.

بعد از شرح و توضیح مسایل زیاد، پروفیسور برهان‌الدین ربّانی گفتند: من می‌خواهم انقلاب افغانستان از جانب ملت برادر خلیج، به رسمیت

شناخته شود و آن را تأیید نمایند.

چون شوروی از عقب پاکستان، چشمه‌های نفت خلیج را هدف قرار داده است و روس به خاطر رسیدن به پترول و دیگر ثروت‌های خلیج، تلاش‌های مذبحانه می‌نماید و همچنین باید بگویم که تأیید و پشتیبانی انقلاب اسلامی افغانستان یکی از واجبات مسلمانان است.

اگر افغانستان در لجنزار کمونیزم سقوط کند، بدبختی نصیب دُول خلیج^۱ و قاره عربی خواهد شد؛ زیرا این خطرناک‌ترین واقعه‌ای است که متوجه عالم اسلامی می‌شود.

همچنان پروفیسور ربانی ارتباطات دولت‌های اسلامی را با انقلابیون افغانی مطالبه نمودند و گفتند:

باید کشورهای اسلامی در برابر لشکر کمونیزم صف‌آرایی نمایند.
این ایشان علاوه کردند:

ما انقلاب اسلامی ایران را تمجید می‌کنیم و انقلاب افغانستان تکمیل‌کننده نهایی انقلاب ایران است. ارتباطات ما با انقلاب ایران براساس پیوند برادری، حُسن هم‌جواری و مصالح مشترکه استوار است.

آن‌ها در تردید امدادهای مردم کویت از طریق ندای جمعیت اسلامی آن کشور و همچنین ردّ سوال ارتباط حرکت انقلاب اسلامی افغانستان با حرکت اخوان المسلمین،^۲ گفتند:

۱. دُول خلیج: به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس را دارند. معمولاً به این کشورها، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود که عبارت‌اند از: عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و عمان. فرهنگ کشورهای عربی خلیج، علاوه بر اشتراک دینی و فرهنگی برگرفته از دین مقدس اسلام، یک‌سری روابط قبیله‌ای و زبانی متمایزی در میان کشورهای عربی خلیج وجود دارد. کشورهای خلیج عربی، در سه خصلت مشترک‌اند: ۱. درآمد سرشار و انبوه از طلای سیاه (نفت و گاز)؛ ۲. جمعیت انبوه غیر بومی؛ ۳. و رشد اقتصادی سریع. «مرکز تدوین»

۲. جنبش جهانی اخوان المسلمین: یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای اسلامی بزرگ‌ترین جریان اپوزیسیون به شمار می‌رود و مواردی و در کشورهایی وقتی هم که از طریق انتخابات قدرت را به‌دست گرفتند، کودتا علیه‌شان به راه انداخته شد و در کشورهایی هم یا

ما با تمام نهضت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی ارتباط برقرار کرده‌ایم؛ ولی افغانستان نسبت بُعد موقعیت جغرافیایی‌اش در نشاطات جهان اشتراک نداشت.

زعیم اسلامی در اخیر سخنانش، در مورد همکاری با کارگران افغانی گفتند: من از دولت کویت مطالبه می‌نمایم که به عوض کارگران کوریا، کارگران افغانی را به کار گمارد.

اقتدار سیاسی به دست هواداران این جنبش است و یا هم هواداران آن سهمیم در قدرت‌اند. این جریان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اسلامی معاصر به شمار می‌رود که در مارچ ۱۹۲۸ م، در شهر «اسماعیلیه» توسط امام حسن‌البنّای شهید W بنانهاده شد، مراحل دعوت در اخوان سه‌اند*: ۱. تعریف؛ ۲. ساختن؛ ۳. اجرا کردن؛ اما ارکان بیعت اخوان ده است: فهم؛ اخلاص؛ عمل؛ جهاد؛ قربانی؛ ثبات؛ تجرد؛ برادری؛ اطاعت و اعتماد. و شعار اخوان این‌هاست: «الله (هدف ماست؛ رسول‌الله Y رهبر ماست؛ قرآن قانون ماست؛ جهاد راه ماست؛ شهادت در راه الله (از بزرگ‌ترین آرزوهای ماست». برای معلومات بیشتر، نگاه شود: اخوان المسلمین هفتادسال دعوت، تربیت و جهاد، از دکتر یوسف قرضاوی و اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، از استاد جابر. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی پنجاهم
با
خبرنگار روزنامه الفجر
تاریخ: ۱۰/۰۷/۱۹۷۹ م.
منبع: ده مصاحبه با ده ژورنالیست.



یادداشت احمد عبدالقادر خبرنگار الفجر:

صحبت با کلمه لا اله الا الله و ایمان راسخ و عمیق آغاز گردید. هستند مردانی که با نیروی ایمان و عقیده در مقابل قوی ترین سلاح مدرن و بنیان برانداز روسی مقابله می کنند و با تفنگ های کهنه و زنگ زده خویش جلو حملات بی رحمانه و ضد انسانی طیارات میگا و تانک های نیرومندی که مجرد ظهورشان رعب و ترس را در قلوب گروه های غیر مؤمن انداخته، مقاومت می کنند، آنان مردان پر قوت سربازان انقلاب اسلامی افغانستان اند که هر روز صفحه جدیدی را در افق جهاد و مبارزه اسلامی بر ضد قدرت های طاغوتی دشمن بر صفحات روشن تاریخ ثبت می کنند، آنان با ایمان آهنین و عزم قوی و انعطاف ناپذیر خود در همه جا به پا خاسته اند، در کوه، در خانه، در کوچه و بازار در برابر استعمار کمونیزم - که می خواهد افغانستان را تصرف کند - مقابله می کنند.

در این اواخر یکی از رهبران انقلاب اسلامی افغانستان به سلسله یک مسافرت رسمی به بعضی از کشورهای اسلامی به خاطر شرح قضیه افغانستان و درخواست کمک و معاونت برای اولین بار از جهان خارج به ویژه از برادران اسلامی خویش، وارد ابوظبی شدند، جریده «الفجر» ملاقات خاصی را با این مرد برگزار کرد.

او پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، رهبر جمعیت اسلامی افغانستان است که حالا با گروه‌های اسلامی دیگر انقلاب مسلحانه افغانستان را برضد حکومت تروه‌کی رهبری می‌کند. در سیمای او نورانیت هویداست، شخصی است باوقار و دارای منزلت بزرگ، صحبتش جذاب و سخنش سحرآمیز است، به لسان عربی به‌صورت درست تکلم می‌کند، تحصیلات خویش را در قاهره، در ازهر شریف به پایان رسانیده است؛ او از خُرّدی به این طرف، زندگی خود را وقف راه خدا و دعوت به اسلام نموده است و در این وقت در پوهنتون کابل به‌حیث استاد «فلسفه اسلامی و عقیده» ایفای وظیفه می‌کرد.



خبرنگار: در ابتدا از او پرسیدم: از دیری به این طرف دستگاه‌های خبرگزاری همه‌روزه از پیشرفت و موفقیت‌های انقلابیون شما خبر می‌دهند، این موضوع از چه قرار بوده تا چه اندازه پیشرفت نموده، رهبری آن را که به دوش دارد و به کجا می‌انجامد؟

استاد: در آغاز باید دو حقیقت را خاطرنشان سازم که یکی آن عبارت از این است که از دیر زمانی به این سو استعمار شوروی می‌خواست اسلام را در افغانستان نابود سازد تا از این کشور پُل عبوری به دیگر کشورهای اسلامی و تحقق بخشیدن اهداف توسعه‌جویانه‌اش در قاره هند و وصول به منابع ثروت دول کشورهای خلیج استفاده کند. او در این هدفش سال گذشته با به‌میان آوردن حکومت مزدور تروه‌کی در افغانستان موفق گردید؛

دوم، اینکه انقلاب مسلمانان در افغانستان برضد کمونیسم، درست در زمان حکومت محمد داود که در سال ۱۹۷۳ در اثر کودتایی علیه محمد ظاهرشاه قدرت را گرفت، به شکل جدیدش اوج گرفته بود. کمونیستان با به‌سرکشیدن ماسک این رژیم، در کمین مسلمین افغانستان تلاش می‌کردند.

جمعیت اسلامی افغانستان در همان آوان جهاد، مبارزه را از طریق مظاهرات، کنفرانس‌ها، خطابه و تمرینات سِرّی در مناطق سرحدی برضد حکومت وقت آغاز نمود و در سال ۱۹۷۵ به قیام مسلحانه با حکومت وقت

دست زد؛ اما وقتی که حکومت تره‌کی روی کار آمد و چهرهٔ اصلی کمونیزم آشکار گردید، نهضت ما به جهاد مقدّس مسلّحانه تبدیل گردید و ما به جنگ‌های چریکی (بزن و بگریز) دست زدیم و مجاهدین ما با استفاده از این تاکتیک به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند و شکست‌های زیادی را متوجه قوای دولت کمونیستی نمودند، در این انقلاب، زن‌ها زیورات خود را فروختند و سلاح گرفتند، اطفال هم در این انقلاب سهم دارند. ما با دشمن با همه نیروی دست‌داشتهٔ خود می‌جنگیم، با سنگ، با بیل و کلنگ، با شمشیر و خنجر و از هر چیزی که جلو هجوم دشمنان خدا را بگیرد، استفاده می‌کنیم. جنگ شباروزی جریان دارد و در همه جا با دشمن مقاتله می‌کنیم، در خانه، در کوچه و بازار و دشت و در این راه هر فرد اعم از مرد، زن و اطفال مشغول پیکار است.

خبرنگار: اوضاع داخلی افغانستان به کدام درجه رسیده، به طرف کجا در حرکت است؟ نفوذ شوروی به کدام پیمانه است و آیا این خبر حقیقت دارد که در وقایع اخیر ۳۰۰ نفر مشاور روسی به دست انقلابیون به قتل رسیده‌اند؟
استاد: این یک حقیقت غیرقابل انکار است که حکومت مزدور در روزهای اوّل تسلّطش جمع بی‌شماری از مردم بی‌دفاع افغانستان را به قتل رسانید و از همان آغاز به کشتار، اعدام و اختناق شروع کرد. همه مردم شریف و اشخاص نیکو و علمای دینی را زندانی کرد و کسی ندانست که چه شدند و به کجا رفتند؟!

دشمنان اسلام و اولادۀ استالین^۱ تعذیب و شکنجه را به انواع و فنون

۱. ژوزف استالین: سیاست‌مدار و دوّمین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق پس از لنین بود که در ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸ م، تولد و در ۵ مارچ ۱۹۵۳ م، درگذشت. وی در سال ۱۹۲۲ م، به مقام دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید و پس از مرگ لنین، موفق شد در مبارزۀ قدرت در دههٔ ۲۰ بر «لیون تروتسکی» پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دههٔ ۱۹۳۰ م، استالین تصفیۀ کبیر را آغاز کرد که به کمپانی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ م، به اوج رسید. جهت آگاهی بیشتر از جنایات استالین، به کتاب «تاریخ سّری جنایت‌های استالین» نوشتهٔ الکساندر آرلوف با ترجمۀ دکتر عنایت‌الله رضا که از سوی انتشارات کتاب‌سرا در ۵۰۴ صفحه منتشر شده است، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

مختلفش جاری ساختند، بعضی را زنده پوست کردند، بعضی را پیش روی فامیل‌شان زنده زیر خاک نمودند و بعضی دیگر در اثر گرسنگی و تشنگی جان دادند.

آمار محبوسین افغانی تقریباً به ده هزار نفر می‌رسد، چند ماه قبل در اثر حملات طیارات شوروی در ولایت هرات به تعداد حدوداً ۲۵ هزار از اطفال، موسفیدان و زنان بی‌دفاع به قتل رسیدند.^۱

در درهٔ صوف، هم، مردم، حیوانات و نباتات به آتش کشیده شد و برعلاوهٔ این همه کشتار وحشیانه، صد هزار افراد مسلمان افغانی از ظلم و استبداد رژیم کمونیستی تیره‌کی به پاکستان آواره شدند.

باید بگویم که اکنون افغانستان یک قحطی و گرسنگی بزرگی را در قبال دارد. درست است که کشور ما یک کشور زراعتی است؛ ولی بسیاری از دهقانان به‌خاطر دهشت عمومی ساختن اراضی و غصب و مصادره، آن زمین را ترک کردند و همچنین باقی کسانی که یک قطعه زمین برای‌شان توزیع گردیده بود، از زرع نمودن زمین خودداری کردند، چون آن‌ها دانستند که عایدات آن‌ها به کمونیستان حواله می‌شود و آن‌ها نمی‌توانند دستمزد رنج و محنت خود را خود بچشند و از جانب دیگر نسبت اضطرابات مردم و دولت همه دستگاه‌های زراعتی و پرسونل‌های اقتصادی به حالت رکود به‌سر می‌برد.

تعداد مشاورین روسی در افغانستان به پنج هزار نفر می‌رسد، بعضی از نظامیان آن‌ها رتبهٔ لوا را گرفته‌اند و در حدود پنج صد نفر آن‌ها به‌دست انقلابیون کشته شدند، از همین سبب است که مشاورین روسی در شهرها بسیار کم دیده می‌شود، به‌شدت از آن‌ها حراست و نگهبانی می‌شود و اکثریت آن‌ها در داخل پادگان‌های عسکری محفوظ زندگی می‌کند، با وجود آن‌هم دست‌های توانای انقلابیون آن‌ها را بیرون نموده و حوالهٔ دوزخ می‌کنند.

خبرنگار: بعضی روزنامه‌ها نوشته‌اند که شما از انقلاب ایران از لحاظ

۱. ممکن این مورد اشاره به قیام ۲۴ حوت در هرات باستان دارد که آمار تلفات آن در اکثر منابع تاریخی ۲۵ هزار نفر ذکر شده است. «مرکز تدوین»

مادیات و سلاح کمک دریافت می‌کنید، حقیقت این موضوع از چه قرار است؟
استاد: شکی نیست که پیروزی انقلاب ایران سبب اطمینان قلبی و تحریک معنوی ما گردید و در تصعید و تسریع انقلاب ما تأثیر بزرگی دارد و حتّی انقلابیون ما احساس نصرت و پیروزی می‌نمایند؛ ولی همچنان که قبلاً تذکر دادم، انقلاب اسلامی ما در افغانستان بر پشتیبانی مردم مسلمان افغان و بر اسلحه همان منطقه استوار است. ما تا هنوز از ملت برادر ایران و دیگر کشورهای اسلامی و باقی دُول حتّی یک کارتوس هم کمک نگرفته‌ایم؛ ولی اکنون ما از همه کشورهای اسلامی کمک و مساعدت می‌خواهیم و هدفم از این مسافرت نیز همین مطلب است.

خبرنگار: آیا یقین دارید که بر حکومت تره‌کی غالب شوید و نفوذ کمونیسم را از کشورتان نابود سازید، در این مورد احتمالات رویدادهای آینده از چه قرار است؟

استاد: ما در طریق جهاد و مبارزه، مُجِدّانه گام برمی‌داریم. ما می‌دانیم راه مبارزه طولانی و پرمشقت است. از طرفی هم امکانات و وسایل دشمن بس مستبدانه و دهشت‌آور است؛ ولی ایمان مستحکم ما به خداوند و درستی راهمان هیچ‌وقت به ما اجازه نمی‌دهد که حتّی یک لحظه هم امید و آرزوی پیروزی را در مقابل دشمنان خدا از یاد ببریم.

پیروزی‌های چشمگیر ما با وجود امکانات بسیار ابتدایی، اعتماد ما را کامل‌تر می‌سازد و شکی نیست که توسعه انقلاب اسلامی افغانستان از چوکت داخلی به‌سویه جهانی درآیند و طلب نمودن کشورهای برادر به‌حیث پشتیبان و مساعدت مادی و معنوی آن در خاتمه‌بخشیدن حکومت طاغوتی و بادر شوروی آن، تأثیر بس‌ارزنده دارد.

خبرنگار: نمونه‌ای از برنامه عملی شما در آینده برای تحقق‌بخشیدن اهداف‌تان چه می‌باشد؟

استاد: بازهم با قاطعیت می‌گویم که مسافرت من به دُول اسلامی آغاز ترسیم برنامه عملی آینده ما محسوب می‌شود؛ زیرا هدف من از این مسافرت،

جلب مساعدت‌های مالی و سِلَاحی است که ما آن را استراتژی آینده خود حساب می‌کنیم، چون ما می‌خواهیم یک اردوی نیرومند همراه با سِلَاح و دیگر وسایل را تشکیل نماییم.

همچنان ما آرزو داریم که یک حکومت اسلامی موقتی را در مناطق آزادشده اساس‌گذاری کنیم و همچنان منظور من از اشتراک در کنفرانس‌ها و دیگر مجالس اسلامی جهانی، تشریح صحنه‌های غم‌انگیز و کسب پشتیبانی عمومی جهانیان می‌باشد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

گفت‌وگوی پنجاه‌ویکم با

نماینده جریده الرياض

تاریخ نشر: جریده الرياض؛ شماره ۴۲۶۶، ۲۱/۷/۱۳۹۹ قمری

منبع: ده مصاحبه با ده ژورنالیست.



یادداشت جریده الرياض:

انقلابیون افغان در نواحی مختلف کشور جنگ‌های شدید و ضربات سنگینی را علیه رژیم کمونیستی نور محمد تره‌کی دست‌نشانده شوروی به راه انداخته‌اند و مجاهدین مسلمان تحت بیرق جمعیت اسلامی افغانستان - که مرکب از استادان پوهنتون و جوانان مبارز افغانی می‌باشد - گرد هم جمع شده و به جهاد مقدس آغاز کرده‌اند.

مسلمانان طی ضربات سنگینی به رژیم کمونیستی تره‌کی، تعداد زیادی از ولایات کشور را در شرق و غرب و حتی در شمال ولایات هم‌مرز شوروی آزاد نموده‌اند، همچنان چندی قبل پایتخت افغانستان کابل مورد حملات مجاهدین قرار گرفته و در اثر قیام مسلحانه انقلابیون در تره‌خیل کابل، تره‌کی رئیس دولت، اعضای خانواده خویش را به مسکو انتقال داد.

جریده الرياض از دیدار و مصاحبه با استاد برهان الدین ربّانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان - که از این کشور دیدار به عمل آوردند - به دریافت روشنی‌های زیادی در مورد وقایع افغانستان و جهاد مقدسی که انقلابیون اسلامی به‌خاطر آزاد ساختن افغانستان - این گوشه جهان اسلام - به راه انداخته‌اند، موفق گردید که اینک در زیر پاسخ‌هایی از ایشان را در پاسخ پرسش‌های ما با هم می‌خوانیم:

خبرنگار: در ابتدا دوست داریم تا در مورد انگیزه ایجاد جمعیت اسلامی افغانستان و علت به میان آوردن آن به ما چیزی بگویید؟

استاد: تاریخ جمعیت اسلامی افغانستان به بیست سال قبل بر می‌گردد؛ یعنی هنگامی که حرکت اسلامی بین استادان پوهنتون و جوانان روشنفکر و علما در مکاتب و مدارس رشد نمود. هدف اساسی جمعیت اسلامی افغانستان، مقاومت در مقابل افکار ناپاکی که موقعیت اسلامی افغانستان را تهدید می‌کرد و اصلاح اوضاع فاسد کشور بود، توسط پخش اندیشه‌های اسلامی بین افراد جامعه افغانستان.

«جمعیت» در روزهای اول سعی کرد تا اسلام را به صورت درست به مردم بفهماند و مردم را به عواقب وخیم مظاهر فساد در کشور آگاه سازد و مسلمانان افغانستان را به جریان سریع اجتماع به سوی سقوط در پرتگاه نابودی متوجه سازد.

حرکت ما که به نام «جمعیت اسلامی افغانستان» یاد می‌گردد، تعداد بی‌شماری از جوانان تحصیل یافته را به خود جلب کرد. وقتی که محمد داود روی کار آمد، «جمعیت» ما درک کرد که حالا کشور در لبه پرتگاه قرار دارد و کمونیستان از محمد داود پلی ساختند که از آن عبور کنند، به این ترتیب با استفاده از این رژیم به حیث بهترین سنگر به فعالیت‌های شباروزی حزبی خود آغاز کردند.

جمعیت کتاب‌هایی را به زبان‌های مختلف به شمول لسان عربی تهیه نموده، به داخل و خارج کشور فرستاد و مردم را آگاهی داد که اوضاع فعلی دوام نمی‌کند، عمر این رژیم کوتاه است، اوضاع هولناک در افق کشور رونما گردیده است، باید از آن جلوگیری کرد و به این وسیله جمعیت می‌خواست جهان اسلام را از خطر ناگهانی کمونیسم بر افغانستان و بالنتیجه به عالم اسلام هشدار دهد و ما می‌دانستیم که از دیری به این طرف روس‌ها به منظور رسیدن به آب‌های گرم از طریق افغانستان تا پای جان می‌کوشیدند و از طرفی هم شوروی از موجودیت یک نهضت اسلامی و تأثیر آن بر جمهوریت‌های اسلامی - که تحت سلطه روس به سر می‌برند - شدیداً بیمناک بود، با در نظر داشت این امر، روس‌ها نهضت‌های اصیل اسلامی را

سرکوب می‌کردند تا به اهداف و مطامع شوم‌شان به سهولت و بدون موانع برسند.

ما همواره با ایجابات وقت و زمان و به‌اندازهٔ وسع و توان بشری، مردم را آگاه ساختیم و ادای مسئولیت کردیم؛ ولی بسیاری از مردم به عواقب مهیب این امر اعتنایی نداشتند تا اینکه بالاخره نور محمد تره‌کی روی کار آمد و کمونیزم به‌صورت حقیقی‌اش در صحنه آشکار گردید.

جمعیت اسلامی افغانستان هم‌زمان با روی کار آمدن محمد داود خواست تا در روش سیاسی، منهج عملی خود تغییر بیاورد، به همین منظور جمعیت بعد از اینکه به فرهنگ و تربیهٔ سالم افراد توجه خود را متمرکز ساخت، یک سال بعد از انقلاب، محمد داود به عملیات نظامی و تمرینات عسکری اعضای خود در مناطق سرحدی افغانستان و پاکستان آغاز نمود و متیقن گردید که مقاومت در مقابل کمونیزم، جز با توسّل بالقوه امکان‌پذیر نیست.

جمعیت در سال ۱۹۷۴ با رژیم محمد داود برخورد نمود و از او خواست تا در پالیسی خصمانهٔ خود در مقابل مسلمانان تجدیدنظر کند و در اثر برخورد های مسلحانهٔ پی‌درپی، داود مجبور گردید تا سیاست خود را تغییر دهد و راه اعتدال پیش گیرد؛ ولی عناصر کمونیست در اردوی افغانستان باقی مانده بود، با استفاده از موقع و با غنیمت شمردن فرصت و با دخالت مستقیم شوروی به کودتای خونینی دست زدند و به حکومت محمد داود خاتمه بخشیدند و بعد از به‌میان آمدن رژیم کمونیزم در افغانستان، جمعیت توجه خود را در قسمت عملیات مسلحانه جلب کرده و از هفته‌های اوّل عمر این رژیم به مقاومت خود علیه رژیم آغاز کرد که تا این دم انقلاب در افغانستان جریان دارد.

خبرنگار: پیشرفت‌های حرکت اسلامی در افغانستان و طرز برخورد مسلحانهٔ آن با رژیم از چه قرار است؟

استاد: برخوردهای مسلحانه «حرکت اسلامی» فعلاً در افغانستان

وسعت یافته و دامنه آن به تمام نواحی کشور رسیده است. بعد از آنکه حرکت ضربات خود را در مناطق شرقی کشور متمرکز ساخت، به طرف غرب به پیشروی آغاز کرد و متعاقباً دامنه حرکت به مناطق مرکزی وسعت یافت تا آنجا که مناطق شمالی مرز اتحاد شوروی را شامل گردید و اکنون از جمله ۲۹ ولایت افغانستان، هیچ ولایتی نیست که در آن برخورد مسلحانه علیه رژیم موجود نباشد که در نتیجه این زدوخوردها، تعدادی از ولایات کشور آزاد گردیده و به دست مجاهدین ما افتاده که از جمله ولایت کنر در شرق، نورستان در شمال شرقی و ولایت ارزگان و بامیان^۱ را در مناطق مرکزی می‌توان نام برد.

چوکات جنگ به اندازه وسیع گردیده که اطفالی که سن آن‌ها از ۱۱ سال تجاوز نمی‌کند و پیرمردانی که شصت سال عمر دارند، با حرکت ما می‌پیوندند و برضد رژیم کمونیستی می‌جنگند.

تمام کوشش‌های تره‌کی در جهت قناعت مردم و دست‌برداری آنان از انقلاب به ناکامی مواجه گردید. دولت به منظور جلوگیری مقاومت‌ها به توزیع زمین پرداخت؛ ولی به شکست مواجه شد و دهاقین راه نجات در پیش گرفتند و به مناطق کوهستانی پاکستان و ایران سرازیر شدند. همچنان تلاش‌های کمونیزم بین جوانان بی‌ثمر ماند و اردوی افغانستان به طبیعت درنده‌خویی حکومت پی برد و درک نمود که حکومت کمونیستی ملحد و جنایت‌کار وطن را به باداران روسی خود می‌فروشد؛ بناءً با تره‌کی به مقابله برخاست و حالا دولت در داخل اردو جز مشاورین روسی و اعضای حزب کمونیست خود هیچ همکاری ندارد.

خبرنگار: علت بازدید شما از این کشور چه بوده و نتایج گفت‌وگوهای شما با مسئولین تا حال از چه قرار است؟

۱. بامیان: در مرکز افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۱۸۰۲۹،۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱هـ ش، حدود ۲۷۴۶۱۸ هزار نفر محاسبه شده است، مرکز آن شهر بامیان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۹۷. «مرکز تدوین»

استاد: هدف من از دیدار با کشور سعودی عرب، برقراری ارتباطات در بعضی جهات و شرح اوضاع افغانستان به مسئولین این کشور و متوجه‌ساختن برادران سعودی به مشکلات افغانستان است که کشور افغانستان به مثابه خط دفاعی در پیش روی کمونیزم قرار دارد و افغانستان چون قلعه محکمی است برای اسلام و همچنین منظور من از این مسافرت، شرح ابعاد انقلاب افغانستان است که هم‌هروزه در حال پیشروی است و صدای آن را جز مردم افغانستان هیچ دولت خارجی نمی‌شنود و از هیچ جایی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

ما اکنون در مرحله ابتدایی جنگ قرار داریم و نتایج نیک این جنگ را از خداوند مسئلت می‌نمایم و من احساس می‌کنم که برادران سعودی ما به قضیه افغانستان دل‌چسبی خاصی نشان می‌دهند و من تغییرات زیادی را در مشاعر آن‌ها راجع به قضیه افغانستان در این ایام و مخصوصاً بعد از رسیدن خبر پیشرفت انقلاب و توسعه آن به همه نواحی کشور درک نمودم.

استاد: آیا انقلابیون در پایتخت افغانستان دست به عملیاتی زده‌اند و موفقیت‌های آن‌ها به کدام پیمان‌ه است؟

استاد: ما بر حملات سنگینی در نواحی کابل آغاز نموده‌ایم و بالای ولایت لوگر که فاصله آن با کابل از ده کیلومتر تجاوز نمی‌کند، حمله نمودیم و همچنان در ولایت پروان^۱ که نزدیک به کابل است، عملیاتی را به راه انداختیم، در داخل کابل هم دست به عملیاتی زدیم؛ ولی به نتیجه نهایی نرسیدیم و اگر خداوند خواسته باشد، عملیات ما توسعه می‌یابد و تا آزادی مرکز افغانستان به پیشروی خود ادامه می‌دهیم.

خبرنگار: حکومت افغانستان، پاکستان را در مورد اینکه انقلابیون افغانی را در مناطق خود تعلیمات نظامی می‌دهد، متهم می‌نماید، این

۱. پروان: از استان‌های مهم حوزه مرکزی افغانستان است. مساحت آن ۵۷۱۵٫۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۶۳۱٫۶ هزار نفر تخمین شده‌است و مرکز آن شهر چاریکار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۷۶ - ۲۸۳. «مرکز تدوین»

موضوع صحت دارد یا خیر؟

استاد: این اتهامات دروغ محض بوده و هیچ کشوری در امور داخلی افغانستان دخالت نکرده است. ما می‌توانیم دروغ بودن این اتهامات را به‌صورتِ درست ثابت نماییم، ما چوکات جنگ را به مناطق هم‌جوار اتحاد شوروی وسعت دادیم و بعضی شهرهای هم‌مرز روسیه را تحت تصرف خود درآورده‌ایم و همچنان دو شهری را که هم‌مرز اتحاد شوروی‌اند، تصرف نمودیم و بیرق اسلامی را در این مناطق بلند نمودیم و پرچم سرخ کمونیستی را سرنگون ساختیم.

با ارتباط به این موضوع باید بگویم که وقتی یکی از ژورنالیست‌های خارجی از نورمحمد تره‌کی پرسیدند که شما می‌گویید: در مناطق شرقی، پاکستان دخالت نموده و در غرب، ایران؛ پس در مناطق شمال افغانستان، آیا آلمان دخالت نموده؟

تره‌کی از این سوال خیلی برآشفته و به وجه نادرست به آن ژورنالیست جواب داد.

خبرنگار: با وجود شدت انقلاب افغانستان، شما به‌هیچ رهبر و مسئول این انقلاب، چه فکر می‌کنید که چه وقت رژیم کمونیستی را براندازید و سرزمین‌های خویش را رها سازید؟

استاد: ما اکنون با نتایجی که از عملیات خود گرفته‌ایم، احساس می‌کنیم که سقوط رژیم خیلی‌ها نزدیک است و ما کاملاً متیقنیم که بقای این رژیم مرهون کمک‌های اتحاد شوروی است. اگر یک لحظه کوتاه معاونت‌های شوروی قطع گردد، این رژیم هم باقی نخواهد ماند؛ ولی اگر شوروی کمک‌های خود را به این رژیم دوام بدهد، بازهم بقای این رژیم غیرممکن است.

طوری که ما مشاهده می‌کنیم، عمر این رژیم خیلی کوتاه است؛ ولی مشکل ما فقط از ناحیه سلاح و مال می‌باشد که به این رژیم فرصت بخشیده که تا این دم دوام کند، ورنه این رژیم در وقت کوتاهی سقوط می‌نمود.

خبرنگار: از تهدیدات شوروی نسبت به انقلاب افغانستان و دخالت آن کشور در امور داخلی افغانستان اطلاع یافتیم، تأثیر این تهدیدات چه بوده و دخالت‌های شوروی بالای انقلاب اسلامی چه تأثیر دارد؟

استاد: ما زمانی که تهدیدات شوروی را مشاهده نمودیم، آن را تعجب‌آور دانستیم و گفتیم چگونه اتحاد شوروی که یک قدرت جهانی است بر ضد یک ملت بی‌دفاع و بیچاره که به خاطر نجات میهنش از قبضه یک مشت جنایت‌کار و خون‌آشام قدعلم نموده، قدرت آزمایی می‌کند؛ ولی ما می‌گوییم که دخالت اتحاد شوروی در امور داخلی افغانستان به نفع آن تمام نخواهد شد؛ زیرا مردم افغانستان برای دفاع از وطن و استقلال‌شان تا پای جان مبارزه می‌کند؛ ولو این کار با دادن قربانی‌های زیادی تمام شود و تا آزادی کشور از آتش استعمار سرخ سلاح خویش را بر زمین نخواهند گذاشت.

خبرنگار: نوعیت کمکی که انقلابیون افغانستان دریافت نموده‌اند، از چه قرار بوده و آیا کشورهای اسلامی در این معاونت سهم گرفته‌اند یا خیر؟

استاد: تا هنوز هیچ کشور اسلامی به انقلاب افغانستان هیچ‌نوع کمکی نکرده است، همه‌چیز از داخل افغانستان است که برادران ما به‌دست آورده‌اند و حتی زن‌های مسلمان افغانستان زیورات و لوازم خانه‌های خویش را فروخته و سلاح خریداری نموده‌اند، سلاحی که ما در دست داریم عبارت از تفنگ‌ها و ماشین‌دارهای قدیمی و هم سلاح دشمن است که به غنیمت گرفته‌ایم و قوی‌ترین نیروی انقلابیون ما در راه آزادی کشورشان از چنگال کمونیسم ایمان آن‌ها به خداوند-جل جلاله- و عزم راسخ و قربانی‌های بی‌دریغ آن‌ها می‌باشد.

گفت‌وگوی پنجاه‌ودوم

با

خبرنگار روزنامه‌ المدینه

این گفت‌وگو با عبدالحمید احمد خبرنگار روزنامه‌ عربی زبان المدینه

چاپ جده در شماره ۴۷۲۳ به چاپ رسیده بود.



یادداشت جریده المدینه:

با وجود آنکه نور محمد تره‌کی رئیس سابق رژیم کابل، همیشه از آرامش اوضاع سخن می‌گفت؛ ولی کودتای خونین که در سپتامبر او را سرنگون ساخت، به‌وضوح ثابت نمود که ادعای تره‌کی درست نبوده است و در حال حاضر نمی‌توان تا آینده رژیم مارکسیستی کابل را حدس زد.

روی این موضوع و موضوعات دیگر مصاحبه‌ذیل را با یکی از شخصیت‌های مهم در رهبری انقلاب اسلامی افغانستان، پروفیسور برهان‌الدین ربّانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان انجام داده‌ام.

خبرنگار: آیا از بین رفتن تره‌کی در اثر یک کودتای خونین، تأثیری در تغییر شکل مبارزه مسلحانه مجاهدین خواهد گذاشت؟

استاد: باید گفت: تره‌کی غلام روس‌ها بود و اکنون غلام دیگری آمده است که حفیظ‌الله امین نام دارد، چنین تغییری در تصمیم قتالی ما تأثیری ندارد. مبارزه مسلحانه ما تا نابودی آخرین مزدور روسی ادامه دارد.

خبرنگار: کوشش‌هایی در جریان است تا میان رژیم کابل و مجاهدین صلح برقرار شود، آیا شما امکانات چنین کاری را می‌بینید؟

استاد: هرگز چنین توافقی با رژیم کنونی کابل نخواهیم داشت. رژیم کابل فقط آلّه دست قدرت‌های خارجی است و همه افغان‌ها فیصله کرده‌اند که تا سقوط نهایی رژیم غیرقانونی، دست از جهاد مسلح برندارند

و ما اطمینان داریم که إن شاء الله آن روز نزدیک است که ملت قهرمان ما «حکومت اسلامی» خود را در کشور اسلامی خود برقرار نمایند.

خبرنگار: بعد از نابودی تره‌کی گفته می‌شود که روس‌ها در صدد آن‌اند تا شخص دیگری را به قدرت برسانند که مورد قبول اکثریت مردم افغانستان قرار بگیرد و در این مورد نام ظاهرشاه بر سر زبان‌هاست و در امکان این امر چه نظر دارید؟

جواب: علی‌رغم آنکه روس‌ها در سلسله‌جویی و فریبکاری‌های خود علیه مردم افغانستان ادامه می‌دهند و تلاش‌هایی دارند تا جنایت‌کاران آدم‌کش را از قصاص انقلابی و عادل ملت برهانند؛ اما به کمک خداوند توانا هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند به هیچ شخصی قدرت این را بدهد تا سرنوشت ملت ما را به دست بگیرد و یا رژیم دلخواه ابرقدرت‌ها را بالای ملت ما بقبولاند و دیگر ممکن نیست که طواغیت بر ملت ما حکم کنند، خواه این طواغیت کمونیزم باشد و یا قدرت خارجی دیگری... اراده ما آزاد است و سرنوشت آینده خود را خود تعیین می‌کنیم.

خبرنگار: خواهشمندم اگر مهربانی نموده، راجع به فعالیت‌های فعلی مجاهدین توضیحاتی بفرمایید؟

استاد: از ماه گذشته به این طرف مبارزه مجاهدین ما وسعت و شدت بیشتری پیدا کرده است. در حال حاضر جنگ شدیدی میان مجاهدین و رژیم کابل در ولایت‌های کنر و پکتیا جریان دارد. در ماه اگست گذشته ۳۰۰۰ عسکر حکومتی و ۷۰ افسر همراه با تمام ذخایر و مهمات جنگی خود بدون هیچ‌گونه مقاومتی در صف مجاهدین پیوستند و اکنون مجاهدین ما از افراد جنگی، افسران جنگی و اسلحه آن‌ها بر ضد رژیم استفاده می‌کنند و همچنان در «اُزگون»^۱ و «خوست»^۲ جنگ‌های شدیدی ادامه دارد

۱. اُزگون: یکی از ولسوالی‌های ولایت پکتیکا می‌باشد که اکثریت مردم بومی آن تاجیک است و از جمله روشن‌ترین در این ولایت به شمار می‌روند. «مرکز تدوین»

۲. خوست: از جمله ولایات جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۴۲۳۵٫۳ کیلومتر مربع و

که دولت انتظارش را نداشت و در اکثر مناطق، قوای دشمن در محاصره مجاهدین قرار دارند و امکانات غذا و سلاح خود را فقط از راه هوا دریافت می‌نمایند.

خبرنگار: رژیم کابل تا چه وقت قدرت مقابله با شما را دارد؟
استاد: در حقیقت باید از روس‌ها پرسیده شود که تا چه وقت علیه ملت ما می‌جنگند؛ ورنه رژیم کابل بدون کمک روس‌ها تاب مقاومت چندساعته هم را با ما ندارد.

به هر تقدیر ما مطمئنیم که هیچ قدرتی نمی‌تواند که برای درازمدت علیه ملت غیور و مؤمن ما بجنگد ولو آنکه این قدرت خارجی از ابرقدرت‌ها باشد... مبارزه مسلحانه ما علیه قدرت بزرگ ادامه دارد و شجاعت روحیه قتالی ما بحمدالله فوق‌العاده عالی است و این مطلب را می‌توانید از مبارزه مسلحانه هجده ماهه اخیر ما علیه حکومت مارکسیست کابل به خوبی دریابید.

خبرنگار: اگر پیش‌بینی‌های شما در مقابله دشمن درست نباشد، آیا شما با خود پلانی به غرض یک جنگ درازمدت تهیه دیده‌اید؟
استاد: به توفیق خدای بزرگ، مبارزه مسلحانه ما تا آخرین مجاهد و آخرین گلوله‌ای که داریم ادامه خواهد یافت. بگذار جنگ ما با دشمن به دراز بکشد؛ ولی ما رسالت خود را فراموش نمی‌کنیم و از راه خود باز نمی‌گردیم.

خبرنگار: وضع مالی و اسلحه جنگی شما از چه قرار است؟
استاد: وقتی که ما جهاد مسلحانه را در سال گذشته علیه رژیم کنونی آغاز کردیم، یگانه متکای ما ایمان به نصرت خداوندی بود و هست، ما بسیار فقیر بودیم؛ اما اکنون وضع بهبودی یافته است، اسلحه و مهمات

جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ه. ش، ۵۴۶,۸ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر خوست است.
نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۶۹ - ۱۱۷۴ و د خوست ولایت پروفایل، اقتصادی او تونیزی پراختیا ته یوه کتنه، (pdf)، ناشر: وزارت اقتصاد، سال ۱۳۹۸ ه. ش. «مرکز تدوین»

جنگی بی‌شماری را از قوای دشمن به غنیمت بردیم و باوجود اینکه سلاح غنیمت، جواب‌گوی همه احتیاجات ما نیست؛ ولی به فضل خداوند با امکانات اندک خود، پیروزی‌های بزرگی را نصیب شده و می‌شویم و ما متأسفیم که کشورهای اسلامی انتظارهای ما را محقق نساخته‌اند و تاکنون به‌جز بعضی از کمک‌های فردی عناصر مسلمان، هیچ کمک مالی به مستوای دولتی دریافت نکرده‌ایم و مردم مسلمان افغانستان باوجود وضع بدی که دارند به‌اندازهٔ توان خود انقلاب اسلامی خود را کمک می‌کنند و ما هرگونه اوضاع سخت را در راه پیروزی انقلاب اسلامی خود قبول دار می‌شویم.

خبرنگار: آیا ممکن است تعداد دقیق جنگجویان مجاهدین را که علیه رژیم تحت‌الحمایهٔ روس در کابل می‌جنگند، بیان کنید؟
استاد: ناممکن است تا تعداد دقیق مجاهدین را بازگو نماییم، چون ملّت با تمام افرادش مجاهد بوده و به ما پیوسته است.

خبرنگار: گفته می‌شود که حزب «خلق» حاکم خوبی دارد، اتفاق کلیّ میان رهبری حزب و توده‌های کارگری موجود است، برعکس، نیروهای اسلامی پراکنده بوده و با هم اختلاف شدید دارند، با این وضع، آیا شما بازهم به این باورید که این گروه‌های پراکندهٔ مسلمان بتوانند در نبردهای خود علیه رژیم متحد و مسلّح، ادامه بدهند و یا آنکه بعد از پیروزی در وضعی باشند که قادر به تشکیل حکومت نیرومند و با ثبات گردند؟

استاد: موجودیت حزب کوچک «خلق» وابسته به کمک‌های خارجی است که از اربابانش دریافت می‌دارد... و تا جایی که به اتحاد میان گروه‌های اسلامی است، ما در گذشتهٔ نزدیک در این خصوص دست به تلاش‌های ایجابی زده‌ایم و امیدواری‌های ما برای پیشرفت‌های بیشتر در این زمینه بسیار است و زمانی که انقلاب اسلامی ما به پیروزی برسد، خطری را در راه خود از ناحیهٔ گروه‌های متعدد اسلامی نمی‌بیند و ان شاء الله از قدرت و ثبات لازم برخوردار می‌باشند.

خبرنگار: کمونیستان ایدیولوژی خود را از راه وسایل اطلاعاتی و ادبی نشر می‌نمایند و در مقابل از طرف شما اقدامی برای دفع این خطر اتخاذ نشده است، آیا چنین وضعی مُعْتَقَدات مردم شما را مورد تهدید قرار نمی‌دهد؟ و آیا چنین حالتی در دوام کمونیست‌ها کمک نخواهد کرد؟

استاد: اگرچه امکانات ما محدود است؛ ولی باز هم در این زمینه تا جای ممکن کار کرده‌ایم. مفاهیم اسلامی و انقلاب اسلامی را به طرق مختلف به اطلاع ملت مجاهد خود رسانده‌ایم و امیدواریم که در این مرحله کنونی گام‌های مؤثری در این زمینه برداریم و آرزو مندیم که همسایه‌های مسلمان ما، ما را در پخش مفاهیم و تعلیمات انقلابی از راه وسایل اطلاعاتی که دارند، کمک نمایند.

خبرنگار: چنین معلوم می‌شود که رژیم تدریجاً در صدد از بین بردن ازدواج و سایر عنعنات اسلامی از جامعه شماست، آیا چنین وضعی در افکار جوانان شما تأثیری نمی‌گذارد؟

استاد: ملت ما تصمیم گرفته است تا جنگ مسلحانه و رویاروی خود را علیه رژیمی ادامه دهند که تحت‌الحمايه قدرت بزرگ دنیا است، در چنین صورتی تلاش‌های مختلف رژیم در تصمیم جنگی ملت مؤمن ما تأثیری نمی‌گذارد.

خبرنگار: وسایل اطلاعات کابل ادعا دارد که سیستم اقتصادی موجود تا حد زیادی مشابه به سیستم اقتصادی کمونیزم است و از این‌رو مردم قبایل در معامله خود با کمونیزم بیگانگی حس نکردند، آیا در این مورد تعلیقی دارید؟

استاد: کمونیزم در همه جا چه در شهر و چه در ده، منفور است و کلمه کمونیزم از منفورترین کلماتی است که مردم ما می‌شناسند و مردم قبایل از دیرزمانی سیستم اقتصادی مبتنی بر مفاهیم اسلامی را به کار می‌برند.

خبرنگار: موقف حکومت ایران در برابر «جنبش اسلامی افغانستان» از چه قرار است و به جنبش شما چه کمکی کرده‌اند؟

استاد: با وجود آنکه حکومت ایران تا حال برای ما کدام کمک مادی و محسوسی نکرده است؛ لیکن اظهار امام خمینی، آیت‌الله شریعتمداری، آیت‌الله شیرازی و دیگر آیات عظام و وزیر خارجه ایران دکتر ابراهیم یزدی، در خصوص قضیه افغانستان به ما کمک بسیاری کرده است و آرزومندی‌های آینده از روحانیت و ملت ایران در این خصوص بسیار است.

خبرنگار: روس‌ها دائماً پاکستان را مورد تهدید قرار می‌دهند که انقلابیون مسلمان افغانستان را علیه رژیم کابل تحریک و تجهیز می‌کند، شما در آینده این نوع تهدیدها چه می‌نگرید؟

استاد: روس‌ها می‌خواهند غیرمستقیم به پناهندگان افغانی هشدار دهند؛ ولی ملت مجاهد افغانستان از چنین تهدیداتی نمی‌هراسد.

خبرنگار: مادامی که سخن از پناهندگان است، بد نیست که راجع به احوال و مشکلات آن‌ها در پاکستان و ایران توضیحاتی بفرمایید؟

استاد: با وجود کمکی که دولت پاکستان به پناهندگان می‌نماید، در این روزها اوضاع پناهندگان در پاکستان خراب است و در بدترین وضع به مشکلات خوراک، دوا و لباس مواجه می‌باشند. برادران ما در کشورهای مسلمان از این وضع پوره اطلاع دارند؛ ولی تا حال پا را از تبرعات فردی فراتر نگذاشته‌اند و حال که موسم زمستان در حال آمدن است و یخبندی‌ها در سر راه قرار دارد، وضع پناهندگان قابل تشویش است و من از جامعه انسانی و خاصتاً از کشورهای مسلمان می‌خواهم تا وجیه انسانی، اسلامی و اخلاقی خود را با کمک پناهندگان و آوارگان افغانی ادا نمایند.

نمایه



آيات:

«إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» ١٥٠

«خُذُوا حِذْرَكُمْ» ١٠١

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى

الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ» ٦٤

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» ٩٣

اسما و اشخاص:

احمد عبدالقادر ۱۷۹

احمدشاه مسعود ۵۱، ۱۰۰

استاد آرین پور ۱۰۰

استاد سیاف ۳۶، ۵۵

استالین ۱۸۱

آقای دابس ۱۶۲

آقای گیلانی ۶۲

امام شهید حسن البنا ۱۵۰

امین ۱۱۱، ۱۴۷

آیت الله خمینی ۱۱۲

آیت الله شریعتمداری ۲۰۲

آیت الله شیرازی ۲۰۲

آیت الله محسنی ۳۶، ۶۲

بیرک کارمل، ۱۵۷، ۱۴۷، ۴۹، ۳۰، ۳۱

برهان الدین ربّانی ۷، ۸، ۱۱، ۱۵، ۴۷، ۶۱، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹

، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱

۹۷

بوتو ۹۵

بوش ۴۸

- بوعلی سینا ۱۰۹
تره کی ۵۰، ۱۱۱، ۱۴۷، ۱۵۷
جنرال بابہ جان ۵۲
جنرال بسم اللہ ۵۲
جنرال پاپوتین ۱۴۷
جنرال عبدالملک ۴۹
چنگیز ۱۰۹
حسین خان ۴۹
حضرت عثمان بن عفّان ۱۰۸
حفیظ اللہ امین ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۹۷
حکمتیار ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۹، ۸۰
داود ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۸۹
دکتور ابراہیم یزدی ۲۰۲
دوستم ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰
راشد عقلاں ۱۲۱
سیداحمد ناصر تمیمی ۱۲۱
صادق المہدی ۱۰۸
صبغت اللہ مجددی ۴۸، ۱۶۴
صقری المری ۱۲۱
صلاح الدین ایوبی ۱۴۸
ضیاء الحق ۱۶۶
ظاہر شاہ ۱۲۹، ۱۶۳، ۱۹۸
عبدالحمّٰی حقجو ۱۰۰
عبداللہ ۱۰۹، ۱۵۱
فارابی ۱۰۹
فایز کرکوتلی ۱۷۱

لنین ۱۱۱، ۱۵۸، ۱۸۱

مارکس ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۶۴

محمّد عبدالرحمن البکر ۱۳، ۱۲۷

محمّدنبی محمدی ۳۵، ۳۶

محمّدیونس خالص ۳۵، ۳۶

محمود مستری ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۶۲، ۷۳

معین‌الله ۱۶۱

منشی عبدالمجید ۵۵

مولانا فضل‌الرحمن ۴۲

نجیب ۳۰، ۳۱، ۵۰، ۵۳، ۱۵۷، ۱۶۲

یوسف قرضاوی ۱۷۵

اماکن:

آب کمری ۴۹

آب های گرم هند ۱۴۹

ابوظبی ۱۳، ۱۲۷، ۱۷۹

اُرگُون ۱۹۸

اروپا ۵۸

ازبیکستان ۴۱، ۴۲، ۴۹

اسلام آباد ۷۹

آسیا ۵۸، ۹۲، ۱۱۴

اِشکَمِش ۱۰۱

افغانستان ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵،
۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸،
۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵،
۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱
۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱
۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵
۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹
، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱
۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲

اقیانوس ۱۰۷

آلمان ۱۲، ۵۹، ۶۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۹۲

امریکا ۲۳، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵

انگلستان ۱۵۸

آنگولا ۱۱۴

ایران ۲۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۸

، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۲

بالای حصار ۵۷

بامیان ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۹۰

بدخشان ۱۰۰، ۱۵۳

بریتانیا ۱۱۰، ۱۱۳

بلخ ۱۰۹

بیت‌المقدس ۱۱۳

پاکستان ، ۱۸، ۲۶، ۴۲، ۴۳، ۷۹، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷،

۱۰۰، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱

۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۲

پروان ۱۹۱

پغمان ۱۴۷

پکتیا ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۹۸

پل چرخى ۱۱۱

پوهنتون کابل ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۰

پیشاور ۹۱، ۹۴، ۹۶

تاجیکستان ۱۳۶، ۱۳۷

تیّه نادرخان ۵۷

تگاب ۸۰

جامعهٔ ازهر ۱۴۸

جلال‌آباد ۳۵،۵۸

چکوسلوواکی ۱۱۴

چهارآسیاب ۵۷

چین ۷۹،۱۰۸،۱۱۴،۱۱۷،۱۱۸،۱۴۱،۱۴۸،۱۵۱،۱۶۴،۱۶۵

حبشه ۱۱۴

خلیج ۱۰۷،۱۵۲،۱۷۳،۱۷۴،۱۸۰

خوست ۱۹۸،۱۹۹

دانشگاه کولمبیا ۱۴۷

دره صوف ۱۳۵،۱۸۲

ده‌سبز ۸۰

روسیه ۲۵،۲۶،۳۰،۵۸،۸۹،۹۵،۹۶،۹۸،۱۱۴،۱۲۲،۱۳۵،۱۴۱،۱۵۸،۱۵۹

۱۶۰،۱۶۵،۱۶۶،۱۹۲

زابل ۱۳۴

سپین بولدک ۱۳۹

سرکانو ۱۴۰

سودان ۱۰۸

شبه‌قاره هند ۷۹،۱۰۹

شوروی ۵۸،۱۴۷،۱۵۷

طایف ۲۱۸-۱۲،۱۵،۱۷،۱۷

عربستان سعودی ۱۷،۱۱۶،۱۵۲،۱۶۴،۱۷۲،۱۷۴

غزنی ۳۵،۷۱،۱۱۱

فاکولته شرعیات پوهنتون کابل ۱۴۸

فرانسه ۵۰،۱۵۸

فرودگاه جلال‌آباد ۵۸

فرودگاه شیندند ۵۷

فرودگاه قندهار ۵۷

فرودگاه مزارشریف ۵۷

فقیرآباد ۹۰

فلسطین ۱۱۶، ۱۷۲

قاره آسیا ۱۰۸

قاضی خیل ۱۴۷

قاهره ۱۴۸

قندهار ۳۵، ۵۸، ۷۰، ۷۱، ۱۳۹

کابل، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶،

۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۸۳، ۹۱، ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۲، ۱۲

۳، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۷

، ۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲

کشمیر ۷۹

کنرها ۱۳۴، ۱۵۳

کوریا ۱۷۵

کویت ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵

کویت ۳۶

کیرال ۱۲۲

لبنان ۹۲، ۱۳۴

لندن ۱۰۸، ۱۳۹

لوگر ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۹۱

لیبیا ۱۱۶

مدرسه تره خیل ۱۳۹

مدرسه دینی لوگر ۱۳۹

مدرسه محمدیه قندهار ۱۳۹

مزارشریف ۵۷، ۱۳۵، ۱۳۹

مسجد پای منار ۱۳۹

مسجد جامع بزرگ هرات ۱۳۹

مسکو ۱۷، ۲۳، ۳۰، ۵۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۸۷

مصر ۱۴۸

مظفرآباد ۷۹

میدان هوایی بگرام ۵۲

میدان هوایی تاجیکستان ۱۳۶

نجم‌المدارس ۱۳۹

ننگرهار ۳۵

ننگلام ۱۳۵

نورستان ۱۱۶، ۱۵۳، ۱۹۰

نیکاراگوا ۱۲۳

هرات ۳۷، ۳۹، ۶۵، ۸۰، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۸۲

هلمند ۱۳۴

هند ۷۹، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۴۹، ۱۸۰

واشنگتن ۱۱۱

ویتنام ۱۱۴، ۱۳۴، ۱۵۰

احزاب، گروه‌ها و قبایل...:

اتحاد شوروی سابق ۵۸،۱۳۸

احزاب اسلامی پاکستان ۴۲

اخوان المسلمین ۱۷۴،۱۷۵

استادان پوهنتون ۱۶۳،۱۸۷،۱۸۸

اطفال ۷۳،۱۲۳،۱۶۶،۱۷۲،۱۸۱،۱۸۲

افغان‌ها ۳۸،۷۲،۱۱۳،۱۱۴،۱۵۷،۱۶۵،۱۹۷

انگلیس‌ها ۱۵۰

ائتلاف هماهنگی ۴۰

بت پرستان ۱۰۹

پیلوت‌ها ۵۳،۱۲۸،۱۳۶

جبهه اسلامی مردم افغانستان ۱۲۷

جبهه ملی نجات ۱۶۴

جلسه هرات ۳۷،۳۹

جمعیت اسلامی افغانستان ۱۲،۱۴،۴۵،۵۹،۶۱،۱۰۰،۱۰۱،۱۰۵،۱۰۸،۱۱

۲،۱۱۳،۱۲۸،۱۲۹،۱۳۳،۱۴۷،۱۴۸،۱۶۲،۱۶۳،۱۶۴،۱۶۹،۱۸۰،۱۸۷،۱۸۸

،۱۸۹،۱۹۷

جمعیت العلماء ۱۵۹

جنبش شمال ۶۹

جوانان ۷۴،۱۴۹،۱۵۳،۱۶۳،۱۸۷،۱۸۸،۱۹۰،۲۰۱

- حرکت اسلامی ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۴۹، ۱۴۷، ۶۵، ۶۲، ۳۶
- حزب اسلامی ۱۶۴، ۶۸، ۵۷، ۵۶، ۵۴، ۳۰
- حزب خلق ۱۴۷، ۱۵۷
- حزب دموکراتیک خلق ۱۱۱، ۱۵۷
- حزب وحدت ۳۰
- حزب وطن ۱۵۷
- خبرنگاران ۱۷۲، ۱۴۱، ۸۳، ۸۱، ۷۹، ۷۷، ۱۲
- خلفای راشدین ۱۰۸
- دانشجویان ۱۳۹، ۱۳۳
- دهاقین ۱۹۰، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۳
- دول اسلامی ۱۲۳
- رژیم مارکسیستی ۱۹۷، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۰۷
- روس‌ها ۱، ۱۱۱، ۱۰۱، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۱، ۹۰، ۸۷، ۵۰، ۲۵، ۱۹، ۱۸، ۱۷
- ۲۰۲، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۸۸، ۱۶۲، ۱۶۰، ۱۴۷، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۴
- روشنفکران ۱۶۳
- زردشتیان ۱۰۹
- زنان ۱۸۲، ۱۷۲، ۱۶۴، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۰
- ژورنالیستان خارجی ۲۶
- سازمان ملل متحد ۲۳
- سنی ۱۱۰
- شبکه جاسوسی خاد ۸۷
- شورای جهادی نگرهار ۳۵
- شیعه ۱۱۰
- صلیب سرخ ۲۳
- صلیبی‌ها ۹۲
- صهیونیزم ۱۷۲

صهیونیست‌ها ۹۲

طالبان ۳۰، ۳۱، ۷۲، ۱۶۲

علما ۲۴، ۵۳، ۵۵، ۷۲، ۱۳۳، ۱۶۳، ۱۸۸

عناصر جنگ‌افروز ۴۱

فقها ۱۰۹

فلاسفه ۱۰۹

فلسطینی‌ها ۹۲

قوای مسلّح ۱۱۳، ۱۶۰، ۱۶۳

قوماندانان مجاهد ۸۹

کشورهای اسلامی ۲۳، ۹۸، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷

۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۰۰

کشورهای سرمایه‌داری ۱۱۳

کمونیستان ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۱۱۵، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۰،

۱۸۲، ۱۸۸، ۲۰۱

لویه جرگه ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰

مارکسیست‌ها ۱۱۱

متخصصین ۳۰، ۴۲

مجاهدین ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۳۹، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۲، ۸۸،

۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،

۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۱

، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰

مجلس اسلامی اروپا ۱۰۸

مشاورین روسی ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۹۰

مشرکین ۶۸

ملی‌شه‌ها ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۸

منافقان ۵۰، ۵۳، ۵۸

مهاجرین ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۰۳، ۱۰۲، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰

موسفیدان ۱۸۲، ۱۷۲

مؤمنان ۱۵۲، ۶۴

الندوة العالمية للإسراء والمعراج ۱۷۱

نهضت اسلامی ۱۸۸، ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۱۱

نوجوانان ۷۳

نیروهای اشغالگر روسی ۹۷

والیان ولایات ۸۰

مفاهيم و اصطلاحات:

اپوزيسيون ۴۰، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۱۷۴

اجندا ۱۸

اخلاص ۱۷۵

آزادی ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۹۱، ۱۹۳

استبداد ۱۸۲

استراتژی ۶۶، ۸۳، ۱۱۳، ۱۸۴

استعمار ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۳

استقلال ۲۳، ۴۲، ۶۹، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۱

اسلام ۲۵، ۲۶، ۴۰، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۳، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۷، ۹۷

۹۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵

۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹

اضطراب ۹۶، ۱۰۷

اضمحلال ۹۹

اقتصاد ۲۵، ۵۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۹۹

امپرياليسم ۱۵۰

امنيت ۲۳، ۳۷، ۳۹، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۷۳، ۸۰، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۹

۷، ۱۰۲

امنيت ۸۹

انارشیزم ۳۸

انسانیت ۵۰

انصار ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷

اهل حل و عقد ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۷۹

ایدیولوژی ۱۶۷، ۲۰۱

باطل ۶۵، ۱۰۸

برادری ۱۷۵

بغاوت ۵۸، ۶۴، ۶۸، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۵۷

پارلمان ۲۹، ۳۰

تجاوز ۱۵۷

تجرد ۱۷۵

تربیه و تعلیم ۱۳۶

تروریزم ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲

تسلّط ۱۵۰

تعذیب ۱۱۱

ثبّات ۱۷۵

جاسوس ۱۴۷

جامعه اسلامی ۱۶۷

جنگ ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳

۱۲۳، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۳

، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴،

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱

جهاد ۱۷۵

جهان ۵۸، ۱۷۱

جهان سوّم ۱۷۱

الحاد ۱۱۵، ۱۵۷

حیات ۴۱،۱۱۴،۱۳۸

دسایس ۵۸،۸۸،۸۹،۹۱،۹۲،۹۴،۹۷،۱۰۲،۱۵۸

روشنفکر ۷۴،۱۶۳،۱۸۸

سوسیالیزم ۱۴۰،۱۵۸

شریعت ۴۰،۴۱،۶۴،۶۹،۱۷۱

شهادت ۸۸،۱۰۰،۱۰۱،۱۵۷،۱۶۲،۱۶۶،۱۷۵

صبر ۱۰۲

صلح ۲۳،۲۴،۲۵،۳۶،۳۷،۳۸،۴۰،۴۱،۴۲،۵۲،۵۳،۵۴،۵۷،۶۱،۶۲،۶۳

۶۴،۶۵،۶۸،۶۹،۷۰،۷۳،۷۴،۷۵،۸۳،۱۰۰،۱۹۷

ظلم ۱۱۱،۱۶۳،۱۸۲

عدالت ۱۴۷

عمل ۱۵۰

عیاش ۴۹

غار ۱۱۱

قتل ۱۱۱،۱۲۹،۱۴۷

کالخوز و سالخوز ۱۳۸

کفر ۱۵۷

کمونیزم ۴۹،۵۰،۵۸،۸۹،۱۱۴،۱۲۱،۱۲۷،۱۲۹،۱۳۰،۱۳۷،۱۳۸،۱۴۲،۱۴

۳،۱۴۹،۱۵۲،۱۵۹،۱۶۳،۱۶۶،۱۶۷،۱۷۲،۱۷۴،۱۷۹،۱۸۰،۱۸۱،۱۸۳،۱۸۸

،۱۸۹،۱۹۰،۱۹۱،۱۹۳،۱۹۸،۲۰۱

کودتا ۵۰،۵۲،۵۸،۱۲۹،۱۴۹،۱۶۰،۱۶۱،۱۷۴

لنینیزم ۴۹

ماتریالیزم دیالکتیک ۱۵۸

مارکسیزم ۴۹

مبارزه ۱۲۳،۱۴۰،۱۴۲،۱۶۶،۱۶۷،۱۸۰،۱۸۳،۱۹۳

متحد ۵۸

مذاکره ۱۷،۳۵،۳۸،۶۸،۶۹،۱۰۸

مزدور ۱۱۱

مسلمان ۱۱۱،۱۵۷

مسموم ۱۴۷

مصئونیت ۱۴۷

مضمحل ۶۹

مقتضیات ۱۱۱

ملت ۵۸،۱۱۱،۱۵۰

منحوس ۱۵۷

مهاجرت ۲۵

ناسیونالیست ۱۲۹

نشلیست ۱۶۰

وحدت ملی ۲۹،۶۱،۶۹

وحشت ۱۱۱

وحشیانه ۱۵۷

رویکردها



***قرآن كريم؛

(الف) منابع عربى:

١- الجويني، إمام الحرمين (١٩٩٧). الغياثي - غياث الأمم في التياث الظلم، الناشر: دار الكتب العلمية؛

٢- خفاجي، محمد عبد المنعم (١٤٠٨ ق). الأزهر في ألف عام، الطبع الثاني، الناشر: عالم الكتب، بيروت - لبنان؛

٣- الماوردي، أبي الحسن علي بن محمد بن حبيب (١٤٠٩). الأحكام السلطانية والولايات الدينية، الطبعة الأولى، الناشر: مكتبة دار ابن قتيبة - الكويت؛

٤- مورو، محمد (بي تا). انتصر الأفغان وسقط المنجل والسندان، المختار الإسلامى، الطبعة الأولى، (بي جا)؛

٥- النووي، محيي الدين أبي زكريا يحيى بن شرف (١٤٢٦). منهاج الطالبين وعمدة المفتين، الطبعة الأولى، الناشر: دار المنهاج، بيروت - لبنان؛

٦- النيسابوري، حسن بن محمد (١٤١٦). غرائب القرآن ورغائب الفرقان، الطبعة الأولى، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان؛

٧- المجاهدون؛ السنة الثانية، تصدرها جمعية أفغانستان الإسلامية، العددان: ١١ - ١٢، سال ١٤٠٨ هـ.ق.

ب) منابع فارسی:

- ۱- آرلوف، الکساندر (۱۳۸۹). تاریخ سّری جنایت‌های استالین، مترجم: عنایت‌الله رضا، انتشارات کتاب‌سرا، تهران؛
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۸۴). دانشنامهٔ سیاسی، چاپ یازدهم، انتشارات مروارید، ایران؛
- ۳- اکرم، عاصم (۱۳۸۰). نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست‌های سردار محمد داود، انتشارات میزان.
- ۴- انصاری، سلطان‌محمد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اوّل، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
- ۵- بختیاری، سعید (۱۳۹۴). اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴ - ۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اوّل، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۶- بنا، حسن (۱۳۸۰). نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنّت تایباد، ایران؛
- ۷- بهاء، ثریا (۱۳۹۱). رها در باد، ناشر: شرکت کتاب؛
- ۸- بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌ها، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: مؤسسهٔ اندیشه و فرهنگ دینی؛
- ۹- جلالی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۹۴). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، چاپ ششم، نشر نی، تهران-ایران؛

- ۱۰- حامد، مرتضی (۱۳۸۵). قهرمانان آزادی و استقلال، ناشر: دفتر مرکزی نهضت هم‌بستگی جوانان افغانستان، چاپ: مطبوعه احمدی، چهارراهی صدارت، کابل، افغانستان؛
- ۱۱- حق‌شناس، شیراحمد نصری (۱۹۸۴ م). دسایس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمد تا ببرک، ناشر: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۱۲- حیدریان، محسن (۱۳۸۱). نقد لنینیسم از منظر مارکسیسم یا سوسیال دموکراسی؟ <http://archiv.iran-emrooz.net/heydarian> /۱۳۸۱/html.heydar۸۱۰۸۱۷
- ۱۳- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اول، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛
- ۱۴- ربّانی، برهان‌الدین (۱۳۵۴). ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان، ناشر: جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۱۵- ربّانی، برهان‌الدین (۱۳۹۴). یادی از دوشهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۶- ربّانی، برهان‌الدین (۱۳۹۵). محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، چاپ سوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه بهیر، کابل، افغانستان؛
- ۱۷- ربّانی، برهان‌الدین (۱۳۹۷). ما کیستیم و چه می‌خواهیم، چاپ نخست، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، کابل، افغانستان؛
- ۱۸- ربّانی، برهان‌الدین (۱۴۰۰). وثیقه ارجمند (خاستگاه، هدف و دیدگاه‌هایی فکری جمعیت)، آماده چاپ، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، کابل، افغانستان؛
- ۱۹- ربّانی، برهان‌الدین (۱۴۰۱). سردار داود خان در گذشته ننگین، حاضر

جنایت‌بار، مستقبل هولناک»، (pdf)، آماده چاپ، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، کابل، افغانستان؛

۲۰- ربّانی، برهان‌الدین (۱۴۰۱). کودکان سنگ‌به‌دست، مجموعه مقالات، مترجم: فضل‌ی آماج، آماده چاپ، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، کابل، افغانستان؛

۲۱- رزق، جابر (۱۳۸۰). اخوان‌المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: تایباد، ایران؛

۲۲- ریاض، محمد (۱۳۵۴). ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان، (مقاله)، مجله هنر و مردم، شماره: ۱۵۷، ص: ۶۶-۷۲، (بی‌جا)؛

۲۳- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ دهم، انتشارات علمی، تهران، ایران؛

۲۴- شارق، محمدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

۲۵- شوئل، فرانک ال (۱۳۸۷). امریکا چگونه امریکا شد، تاریخ ایالات متحده امریکا، ترجمه: ابراهیم صدقیانی، چاپ: چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ایران؛

۲۶- طنین، ظاهر (۱۳۸۴). افغانستان در قرن بیستم، چاپ اول، تهران، انتشارات عرفان؛

۲۷- عظیمی، محمدنبی (۱۳۷۶). اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان) ۲ جلدی، ناشر: سبا کتابخانه، دهکی نعلبندی، محل چاپ: قصه خوانی بازار پشاور، پاکستان؛

۲۸- علی بابایی، غلام‌رضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛

۲۹- غزالی، محمد (۱۳۸۶). نگرش نو در فهم قرآن، مترجم: داود نارویی، نشر احسان، نوبت چاپ: دوم، چاپخانه مهارت، تهران، ایران؛

- ۳۰- فاضل، فضل الرحمن (بی‌تا). رساله و جیه ما، سخنرانی استاد آرین‌پور؛
- ۳۱- فرهنگ، میر محمدصدیق (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، به کوشش محمدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران؛
- ۳۲- فشاهی، محمدرضا (۱۳۸۰). ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی، انتشارات کاروان؛
- ۳۳- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۱). اخوان المسلمین، هفتادسال دعوت، تربیت و جهاد، مترجم: عبدالعزيز سلیمی، چاپ نخست، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳۴- قطب، سیّد (۱۳۸۷). نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، نشر احسان، چاپ اول، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳۵- کامگار، جمیل الرحمن (۱۳۸۲). کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان، نوبت چاپ: دوم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۳۶- متروخین، واسیلی - بایگان ارشد کی‌جی‌بی (۱۳۹۴). «کی‌جی‌بی در افغانستان» (pdf)، مترجم: حمید سیماب، ترتیب و صفحه‌آرایی: حزب همپستگی افغانستان؛
- ۳۷- متروخین، واسیلی (۱۳۹۰). ک.جی.بی، در افغانستان، ترجمه: احمدضیا رهگذر، نوبت چاپ: یکم، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۳۸- مجتبابی، فتح‌الله (بی‌تا)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۴، مقاله ۱۳۵۶، بی‌جا؛
- ۳۹- محمود، عبدالحلیم (۱۳۹۹). اسلام و سوسیالیزم، مترجم: برهان‌الدین ربّانی، چاپ‌خانه بهیر، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، محل نشر: کابل، افغانستان؛
- ۴۰- محمود، مصطفی (۱۳۹۰). اسلام یا مارکسیسم، مترجم: سیّدهادی

- خسروشاهی، چاپ نخست، نشر احسان، ایران؛
- ۴۱- معین، محمّد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی معین، ناشر: مؤسسه انتشارات امیر کبیر؛
- ۴۲- آری‌ن‌پور، غلام‌محمّد (۱۳۶۴). یادداشت قلمی استاد شهید، ارمغان زندگی، (بی‌جا)؛
- ۴۳- یوسف‌زهی، شیرشاه (۱۳۷۹). تاریخ مسخ نمی‌شود، چاپ: دوم، ناشر: مرکز نشراتی میوند، محل چاپ: سبا کتابخانه، دهکی نعلبندی، بازار قصه خوانی، پیشاور، پاکستان؛
- ۴۴- دانشجو؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، سال اول، شماره دوم، سه‌شنبه ۶ جدی ۱۳۶۷ هـ ش / مطابق ۲۷ دسامبر ۱۹۸۸ م؛
- ۴۵- میثاق خون؛ ارگان نشراتی انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی، سال پنجم، شماره هشتم، عقرب ۱۳۶۹ خورشیدی؛
- ۴۶- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، سال یازدهم، شماره ۴، ۲۹ اسد ۱۳۶۷ هـ ش؛
- ۴۷- ----- د خوست ولایت پروفایل، اقتصادی او ټولنیزې پراختیا ته یوه کتنه، (pdf)، ناشر: وزارت اقتصاد، سال ۱۳۹۸ هـ ش؛
- ۴۸- وب‌سایت، cph-theory.persianguig.com، تاریخ دریافت مطلب: ساعت: ۱۸:۰۴ بعد از ظهر، ۳ سنبله ۱۴۰۲ هـ ش؛
- ۴۹- وب‌سایت www.abadis.ir. «انقلاب نیکاراگوا ۱۹۶۱»، تاریخ دریافت مطلب: ۲۹:۰۵ بعد از ظهر، ۴ سنبله ۱۴۰۲ هـ ش؛
- ۵۰- وب‌سایت www.abadis.ir، واژه «کلخوز»، تاریخ دریافت: ۰۵:۵۶، شنبه ۴ سنبله ۱۴۰۲ هـ ش.